

حزب ایران  
وابسته به جبهه ملی  
برای

---

# آگاهی نسل جوان

---

تحلیلی از

مبارزات ملت ایران به رهبری دکتر مصدق

- ۱- ملی شدن صنعت نفت
- ۲- حماسه قیام ملی سی تیر
- ۳- حکومت دکتر مصدق

قیمت ۱۳۰ ریال

[www.iran-archive.com](http://www.iran-archive.com)

تحلیلی از مبارزات ملی شدن نفت

www.iran-archive.com

پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دربار و حکومت‌های تحمیلی بر آن شدند که نهضت ملت‌ایران و جبهه ملی را که اداره‌کننده آن بود هرچه زودتر به بوته فراموشی سپارند .

نام دکتر مصدق هر وقت هم که در میان دستگاه حاکمه به زبان می‌آمد توأم با ناسزاگوئی و بی‌حرمتی بود . مزدوران و تنگ‌مایگان سعی کردند که اعتبار جبهه ملی و ارزش افرادی که باکمال صفا و صداقت از همه چیز خود در راه تحقق بخشیدن به آرمان‌های مردم ایران گذشته بودند از بین ببرند - و نسل جوان را متوجه «تمدن بزرگ» و خیال‌بافی‌های انقلاب‌آعاشی بنمایند . متأسفانه در محیط وحشت و اختناق‌ی که دستگاه استبدادی برپا کرده بود در چند سال اخیر موفق شدند که خاکستری بر شعله‌های آتش مقدس نهضت ملی ایران ریخته و نام دکتر مصدق و نهضت میهنی و ضد استعماری او را از بین ببرند .

سال‌ها گذشت ولی با تمام تلاش‌های دستگاه فاسد کنونی نام دکتر- مصدق و نبرد درخشان او در راه ملی‌کردن صنعت نفت هم چنان باقی مانده است .

از عوائد سرشار نفت چه کسانی بهره‌مند شده‌اند - و چگونه سالیان دراز در رأس این صنعت بزرگ یکی از مخالفین سرسخت ملی‌شدن نفت به پاس خدماتی که برای جلوگیری از ملی‌شدن این صنعت مبذول داشته بود قرار گرفت و بالاخره چرا یک‌کشوری که بدون عوائد نفت در سال ۱۳۳۲ دارای یک بودجه متعادل بود و اکنون بیش از ده میلیارد دلار کسر موازنه دارد . . . . این مسائل را اکنون بیشتر هم میهنان ما مطرح و درک می‌کنند ولی لازم بود که نسل جوان از چگونگی پیدایش نهضت ملی‌شدن صنعت نفت که از نام دکتر مصدق هرگز جدا نخواهد شد آگاهی کامل حاصل نماید .

دوست مبارز و پرتوان ما آقای احمد خلیل‌الله مقدم این کار را در شرایط

دشوار کنونی بنحو احسن و بسیار پسندیده و روشنی انجام داد . او در نهایت

بی‌غرضی با تشریح وقایع از روی اسناد و مدارک انکارناپذیر ، (بطور خیلی

خلاصه) جریان حوادث کشور ما را در سه گفتار از ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۲ یعنی سقوط

دکتر مصدق بیان نموده است .

برای روشن شدن ذهن جوانان و یادآوری آن نبردی که برای جفال - عبدالناصر و جواهر لعل‌نهر و بسیاری از متفکران غرب یکی از شاهکارهای مبارزات ضد استعماری ملل آسیا بوده است مطالعه دقیق این سه گفتار بی‌اندازه مفید و نمایانگر حقایق برای نسل جوان خواهد بود .

من از دوستانی که خودشان در متن این مبارزات بوده‌اند شنیدم که خود آنان متوجه تمام عظمت و موفقیت این حرکت کم‌نظیر در جریان امر نبوده‌اند . و پس از مطالعه این سه گفتار بی‌به حقایقی برده‌اند که با نمی‌دانستند و با از ذهن آنان دور شده بود :

اول نفت ملی می‌شود - بعد خلق پد از شرکت سابق با وجود تهدید انگلستان می‌شود - سپس تشبث انگلیس در شورای امنیت و دیپوان داوری لاهه بدون نتیجه می‌ماند .

با وجود تمام تهدیدات و کارشکنی‌های مخالفان غربی و ..... و شرقی بعضی از دولت‌ها مانند ایتالیا و ژاپن شروع به خرید نفت می‌کنند و با کشتی‌های ۲۰ هزارتنی (که برای آن زمان قابل توجه بود) نفت ایران حمل می‌شود.

بنابراین دولت دکتر مصدق در تمام مراحل، پیروزی‌های درخشانی را کسب نموده و جهانیان را سخت حیرت‌زده و در شگفتی فرو برده بود. پالایشگاه آبادان و تمام تأسیسات نفتی در مناطق نفت‌خیز به بهترین وجهی نگهداری و اداره می‌شد. برای ملت ایران که با فروش نفت می‌توانست به کامیابی‌های بزرگی دست یابد پیروزی در افاق جلوه‌گر شده بود. ولی برای مخالفان ترقی و سعادت مردم این مرز و بوم می‌بایست بهر قیمتی که شده مانع ادامه حکومت دکتر مصدق بشوند.

در سایه این تجزیه و تحلیل کودتای ننگین ۲۸ مرداد روشن می‌شود. و نقش دکتر مصدق و مخالفان او برای همیشه در تاریخ کشور ما ثبت می‌شود. نقش تو در زمانه همانند چنان که هست

تاریخ حکم آئینه دارد هر آینه

### تحلیلی از مبارزات ملی شدن نفت

شاید در سراسر تاریخ ما هیچ رویدادی همانند نهضت ملی شدن صنعت نفت پا نگرفته باشد. نهضتی که در تار و پود توده مردم ریشه دوانید و از خلاقیت‌های ذهنی و فکری مبارزان آگاه و بیدار دل سیراب شد و فصلی درخشان نه در ایران بلکه در مبارزات ضد امپریالیستی جهان گشود و شاید هیچ رویدادی و نهضتی همچون ملی شدن نفت مورد هجوم و پورش بیگانه و بیگانه پرستان نابکار و فرومایه قرار نگرفته باشد.

ما برای تحقیق و بررسی راستین تاریخ معاصر ایران به گفتگو می‌نشینیم زیرا به عقیده ما هر انسان شرافتمند و آزاده‌ای باید برای آگاهی نسل جوان به پا خیزد و به همان نسبت که در آگاه کردن جوانان سستی و کوتاهی کند به همان نسبت از مردمی و عزت نفس کناره گرفته است.

از سال ۱۳۳۲ به بعد سعی شده است که نسل نو را آن چنان بار آورند که مطلقاً "آگاهی و بینایی نسبت به تاریخ مبارزات ملی شدن نفت نداشته باشند و در این راه آن چنان عمل کرده‌اند که جوانان ما باور کنند دوران هولناکی را در گذشته پشت سر گذارده‌ایم.

برای تحقیق درباره نفت ایران و مبارزات حماسی ملت ما باید به منابعی

مراجعه کرد که متأسفانه در سال‌های اخیر تماماً " بادقت و پی‌گیری زایدالوصفی جمع‌آوری و از بین برده شده است .

کتاب‌های جنگ نفت، جنگ سرد نفت، جنگ سری، کتاب جاسوسی انگلیس (که به زبان فرانسه منتشر شد ولی از طرف انگلیسی‌ها با شتاب جمع‌آوری شد) . نفت برای جنگ و نفت برای صلح، نفت و دولت در خاورمیانه، جنگ مخفی برای نفت، بحران عالم، نیرنگ بازان نفت، نفت و مجلس پانزده، کتاب سیاه، نظریات پرفسور ژیدل و جزوات ۶ و ۷ و ۸ و ۹ حزب ایران، اسناد نفت، پنجاه سال نفت و جزوات رادیو ایران در زمان دکتر مصدق در زمره اینگونه منابع است .

جیره‌خواران «دستگاه استبداد» کوشیده‌اند تاریخ ملی شدن نفت را بگونه‌ای بسازند که مردم بپندارند این کار از اندیشه‌های اعلیحضرت است. مثلاً «مجله امید ایران در اسفند ۱۳۴۵ نوشت که «پس از مبارزات دامنهداری به رهبری اعلیحضرت همایونی نفت ایران در اسفند ماه ۱۳۲۹ ملی گردید» . و نشریه شماره ۱۴۲ ماه نوشت «از اقدامات بزرگ شاهنشاه ما ملی کردن منابع نفت در سراسر کشور ایران است» .

دکتر الموتی نماینده مجلس در جلسه ۱۳۴۵/۸/۲ گفت که «بخصوص بعد از اینکه صنعت نفت ایران با اراده شاهنشاه ما ملی شد تحول عظیمی در مملکت بوجود آمد (نمایندگان صحیح است)» .

اعلیحضرت نیز تلویحاً " ملی شدن صنعت نفت را از اقدامات خود می‌دانند و در صفحه ۲۲۸ کتاب ما موریت برای وطنم نگاشته‌اند «جالب توجه آن بود که افراد حزب توده و حامیان آنها طرفدار لغو امتیاز انگلیس‌ها در نفت جنوب ایران بودند و با نقشه ما در ملی کردن صنعت نفت ایران مخالفت می‌کردند» و چنین می‌رسانند که ملی شدن نفت ابتکار ایشان است .

اما حقیقت چیز دیگری است، بطور کلی در تاریخ ملی شدن صنعت نفت سه گروه با سه طرز فکر خاص کار می‌کردند که ما برای روشن شدن ذهن



مردم ایران اشاره کوتاهی به آن می‌کنیم .

۱ - همه وابستگان به استعمارگران غربی از ابتدا تا انتها ، مخالف ملی شدن نفت بودند و همه دولت‌های وقت از قراردادهای منحوس و اسارت‌بار ۱۹۳۳ ، قرارداد الحاقی و سپس قرارداد کنسرسیوم دفاع کرده‌اند .

جمال‌امامی از دست‌نشانندگان شناخته‌شده استعمار و استبداد در جلسه ۱۳۲۹/۳/۲۸ مجلس شانزدهم می‌گفت «این حرف مفت است که بگوئیم می‌توانیم قرارداد ۱۹۳۳ را لغو کنیم و بهم بزیم ، کسانی که این حرف‌ها را می‌زنند دروغ می‌گویند » .

همین آقای جمال‌امامی هنگامی که لیدر اکثریت طرفدار حکومت رزم‌آرا بود در جلسه علنی ۱۳۲۹/۱۰/۵ مجلس صریحا " گفت من مخالف ملی شدن نفت هستم .

سپهبد رزم‌آراء نخست‌وزیر وقت در مجلس گفت که «ایرانی عرضه لوله‌نگ ساختن را ندارد چطور می‌تواند نفت را اداره کند ؟» .

بنابه‌نوشته روزنامه دیلی میل شرکت نفت شش میلیون لیره استرلینگ در اختیار حکومت رزم‌آراء گذارده بود که قرار داد الحاقی را به تصویب برساند حتی غلامحسین فروهر وزیردارایی او دفاع بیش‌رمانه‌ای از قرارداد الحاقی کرد .

اعلیحضرت در تاریخ‌های ۱۳۲۹/۵/۱۵ و ۱۳۲۹/۱۰/۲۱ توصیه می‌کردند که از حکومت رزم‌آرا پشتیبانی شود و به وکلای مجلس گفتند «بنابراین اولین تقاضای من از آقایان این است که تمام دستجات در این موقع خطیر با هم اتفاق کنند تا اکثریت بوجود آید » .

دکترهدایتی از طرفداران حکومت رزم‌آرا در جلسه علنی مجلس در ۱۳۲۹/۷/۲۵ گفت که رزم‌آرا در بدو کار آتوهایبی در دست داشت :

۱ - طرف‌توجه شاه بود . ۲ - طرف توجه ملل انگلو امریکن بود .

۳ - دولت شوروی (با توجه ... ) در مقابل کابینه اوسکوت کرد .

اعلیحضرت در تاریخ ۱۳۲۹/۱/۲۹ در مصاحبه با مخبر رویترا گفتند

ایران دیگر به کشورهای خارجی با مؤسسات بیگانه امتیاز استخراج و بهره -  
برداری از نفت و سایر مواد خام را اعطا نخواهد کرد . . . و امتیاز شرکت  
نفت ایران و انگلیس مشمول این تصمیم ایران نخواهد شد . چه هنوز چهل و سه  
الی چهل و پنج سال دیگر از مدت آن باقی مانده است .

خام تر با استندبازی ملکه سابق ایران در خاطرات خود می نویسد که  
اعلیحضرت در توشیح قانون ملی شدن نفت تردید داشتند !

پس ملاحظه می کنید که در آن زمان رئیس مملکت رئیس دولت ، رئیس  
اکثریت مجلس مخالف ملی شدن نفت بودند .

۲- کادر رهبری حزب توده و جناح طرفدار بلوک شرق نیز درباره  
ملی شدن نفت برنامه مشخصی نداشتند و بطور کلی برای اینکه راه دادن امتیاز  
نفت شمال را به شوروی هموار سازند با ملی شدن نفت در سراسر کشور تا مراحل  
واپسین مخالفت می کردند .

در دوره چهاردهم مجلس حزب توده شدیداً " از قرارداد نفت شمال  
که دکتر مصدق با آن مخالفت می ورزید دفاع می کرد و حتی به هنگام آمدن  
کافتارادزه به ایران با تظاهرات تند ، خواهان دادن امتیاز به شوروی شدند  
و چنین عنوان می کردند که در برابر هرگونه امتیازی که انگلیس در جنوب  
دارد باید همانند آنرا شوروی در شمال داشته باشد .

آقای احسان طبری یکی از لیبرالان حزب توده در روزنامه مردم  
۱۳۲۳/۸/۱۹ می نویسد : " ما برای انگلستان در ایران منافع قائلیم و بر علیه  
این منافع صحبت نمی کنیم " .

درگیر و دار مبارزه برای ملی شدن صنعت نفت در سراسر ایران روزنامه  
بسوی آینده ناشر افکار حزب توده در تاریخ ۱۳۲۹/۸/۲۵ نوشت که : هنوز  
موضوع نفت مهمترین مسئله روز است ما می کوشیم خود را در مسیر جنجال  
قرار ندهیم . . و در تاریخ ۱۳۲۹/۹/۵ نوشت : " استیفای حقوق ایران از  
شرکت نفت انگلیس در شرایط فعلی امری است که قابل تحقق نیست .

همین روزنامه در تاریخ ۱۳۲۹/۹/۹ می نویسد: اکثریت اعضای کمیسیون نفت که بای یک ورقه خیانت اعضای خود را گذارد مانند (منظور وکلای جنبه ملی است که طرح ملی شدن را امضاء کرده بودند) و اقلیت که بازار مانورهای مزدورانه را گرمتر می آراید. هر دو باید بدانند که در مقابل صاحبان حقیقی نفت محکوم اند...

در تاریخ ۱۳۲۹/۱۱/۱۲ اعلام شد که جنبه واحد مبارزه با حرکت استعماری نفت جنوب (شاخه‌ای از حزب توده) هدف خود را اعلام رسمی بطلان امتیاز نفت جنوب می داند.

روزنامه بسوی آینده در ۱۳۲۹/۱۲/۴ نوشت که ما از کمیسیون نفت می خواهیم که پیشنهاد ملی شدن نفت را با حذف قسمتهایی تصویب کنند و در همان حال بطلان امتیازهای تحمیلی شرکت نفت جنوب را رسماً اعلام دارند...

باید درست توجه کرد که همین اعلام رسمی بطلان قرارداد مطلبی را به ثبوت می رساند و آن این است که امتیازی رسمی و قانونی وجود دارد و در این صورت امتیاز با قرارداد دو جانبه را یک طرفه نمی توان لغو کرد و بدین وسیله شرکت نفت در تمام محاکم پیروز می شد و حال آنکه ملی کردن نفت مربوط به حاکمیت ملت ها است و این نکته قابل طرح و دعوی در هیچ دادگاهی نیست و منشور ملل متحد نیز آن را تأیید و تصدیق کرده است و بالاخره هم صحت آن در مبارزات ملی شدن نفت که بعداً خواهد آمد ثابت شد.

در این موقع که تظاهرات توده مردم سراسر کشور را فرا گرفته بود و همه ملی شدن صنعت نفت را خواستار بودند حزب توده به مقابله با جنبه ملی برخاسته بود.

روزنامه بسوی آینده ارگان موقت حزب توده در ۱۳۲۹/۷/۲۱ چنین نوشت: ملی چیست؟ ملی نقاب سیاسی است که چهره های داغدار و اندوهگین

را می‌پوشاند. ملی سرپوشی است که قبايح و رذایل را مخفی می‌کند. ملی هر جرم و جنایتی را جایز می‌شمارد. ملی پیکر متعفن است که در قرن بیستم برای انحراف اذهان از راه صحیح و شمر بخش مبارزه برپا گردیده. ملی آخرین تیر ترکش استعمار است. عقل ملی ناقص، فکر ملی ناقص، منطق ملی ضعیف، زبان ملی الکن است. خواهیم بود و اضمحلال ملی را خواهیم دید در اینجا به مناسبت بحث درباره ملی شدن نفت پسندیده است که مطالبی را جهت آگاهی نسل جوان امروز بازگو کنیم.

اصل ملی کردن یکی از شرایط تحقق (سوسیالیسم) حاکمیت ملی است. ملی شدن نفت که توده ملت از آن پشتیبانی می‌کرد مورد تأیید گروه‌های سیاسی و شخصیت‌های ملی و مردم بود هیئت حاکمه پنجاه ساله اخیر ایران شدیداً با این تز مخالفت می‌کردند. اینان چه پیش از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و چه پس از آن ملی شدن را مسخره می‌کردند.

در آن هنگام حزب توده نیز با این کار مخالفت می‌کرد و بطور کلی در ابتدای ملی شدن نفت رو در روی جبهه ملی قرار داشت.

### ۳ - حقایق واقعی در باره ملی شدن نفت

در دوره چهاردهم به همت دکتر مصدق لایحه‌ای از تصویب مجلس گذشت که طی آن دادن هرگونه امتیاز نفت به بیگانگان ممنوع شد. در این طرح دولت مکلف به استیفای حقوق پایمال شده ملت ایران از نفت جنوب گردید.

دکتر مصدق در جلسه علنی ۱۳۲۹/۱۲/۲۲ مجلس در این باره گفت: «وقتی که کافتارادزه از طرف دولت شوروی برای امتیاز نفت شمال به ایران آمد موقع به دست من رسید که از مضار و معایب آن ورق پاره در مجلس حرف بزنم و معایب و مضار گفته شده را علت طرح پیشنهادی خود راجع به تحریم دادن امتیاز نفت قرار دهم.

نظر من در تمام دوره چهاردهم پیروی از سیاست موازنه منفی بود در صورتی که نظر نمایندگان حزب توده در مجلس این بود که موازنه وقتی برقرار می شود که همسایه شمالی هم در شمال از حقوق و مزایای شرکت نفت یعنی دولت انگلیس در جنوب بهره مند شود و حال آنکه عقول نیست پیگر بی دو دست بتواند مقدرات خود را اداره کند و هر کس که خواهان تعالی و ترقی و مقید به حفظ استقلال ایران است باید سعی کند که دست بریده هر چه زودتر به جای خود گذارده شود تا ملت ایران بتواند در مقابل دول بزرگ از حقوق خود دفاع کند . . . . .

چون اکثریت مجلس هواخواه سیاست انگلیس و نمایندگان حزب توده هم می خواستند دولت شوروی همان امتیازها و مزایا را در شمال داشته باشد و موازنه سیاسی بدین طریق برقرار شود .

(بالاخره هم در سال های اخیر سیاست موازنه مثبت که کادر رهبری حزب توده پیرو آن بود مصداق واقعی پیدا کرد یعنی به موازات تنظیم قرار داد و فروش نفت ارزان به کارتل های انگلیسی و آمریکائی قرارداد فروش گاز ارزان سبز با روسیه شوروی منعقد شد) .

آقای محمود محمود مورخ مشهور در کتاب جنگ نفت با اشاره به نطق مفصل آقای دکتر مصدق در مجلس چهاردهم می نویسد: «هر هر جوان آزاده ایرانی واجب و لازم است که یک نسخه از این نطق را همیشه در جیب خود داشته باشد . به دنبال این طرح دولت ایران مدت دو سال با نمایندگان شرکت نفت انگلیس مشغول مذاکره شد و در نتیجه آن لایحه الحاقی بود که (روزهای آخر مجلس پانزدهم) به مجلس داده شد .

در جلسه علنی ۱۳۲۸/۴/۲۸ آقای گلشائیان وزیر دارائی اظهار داشت: «بطوریکه خاطر آقایان متحضر است مطابق قانون مهرماه ۱۳۲۶ دولت مکلف بود برای استیفای حقوق ایران مذاتراتی با نمایندگان شرکت نفت بعمل آورد و در نتیجه توافقی بین طرفین بعمل آمده است برای این

منظور ماده واحده‌ای با قید یک فوریت متضمن بازده ساده تقدیم می‌گردد .  
اما خوشبختانه این ماده احده با فعالیت‌های پی‌گیر و خستگی‌ناپذیر مبارزان  
ایرانی به تصویب نرسید . پس از آن مجلس شانزدهم کمیسیون خاصی  
مرکب از ۱۸ نفر از نمایندگان انتخاب کرد که طی مطالعاتی در مورد قرارداد  
۱۹۳۳ و قرارداد الحاقی نظر خود را به مجلس ارائه دهند . در این  
کمیسیون پنج نفر از فراکسیون وطن (فراکسیون جبهه ملی) یعنی آقای  
دکتر مصدق ، دکتر شایگان ، الهیار صالح ، حسین مکی ، حائری‌زاده عضویت  
یافتند که بعداً " افرادی چون کشاورز صدر به آن‌ها اضافه شدند و این کمیسیون  
به ریاست دکتر مصدق تحلیل و بررسی دقیقی در کار نفت به عمل آورد که بالاخره  
منجر به ارائه ترمیمی ملی شدن نفت به جلسه علنی مجلس شد .

به موازات این کار در شهریور ۱۳۲۹ از طرف فراکسیون وطن دولت  
رزم‌آرا به علت کوتاهی در استیفای حقوق ملت ایران از شرکت نفت انگلیس  
استیضاح شد . در این استیضاح معروف و تاریخی آقایان دکتر مصدق از نظر  
سیاسی ، الهیار صالح از نظر اجتماعی ، حائری‌زاده از نظر قناعتی و حسین  
مکی از نظر فنی مفصلاً " صحبت کردند و جنایات بی‌شمار شرکت نفت و دولت  
انگلیس را در ایران بر شمردند .

دکتر مصدق در روز ۱۴/۱۲/۱۳۲۹ چنین گفت : " ملت ایران بدانید  
و آگاه باشید که جبهه ملی تصمیم به ملی کردن صنعت نفت را با رعایت حزم  
و احتیاط و با مطالعات لازمه اتخاذ کرده است . "

روز ۱۶/۱۲/۱۳۲۹ ساعت ۱۱ صبح سه‌شنبه در زمام آرا نخست‌وزیر وقت در  
صحن مسجد شاه هدف گلوله خلیل طهماسبی عضو فدائیان اسلام قرار گرفت  
و جان سپرد .

درباره این ترور وزیر امور خارجه انگلیس گفت : " با ترور رزم‌آرا ما  
بزرگترین حامی خود را در خاورمیانه از دست داده‌ایم . "

روزنامه کیهان شماره ۲۳۷۷ مورخه ۲۹/۱۲/۱۳۲۹ می‌نویسد " کراسنی -

آرمیا ارگان ارتش سرخ (روسه شوروی) به مناسبت مرگ رزم آرا از وی تعریف می‌کند و می‌افزاید رزم آرا مایل بود امتیاز بهره‌برداری از نفت شمال را به شوروی بدهد . .

در آستانه ترور رزم آرا افکار عمومی در ایران و جهان بدینسان جریسان داشت. توده مردم در اثر مقالات آتشین روزنامه‌هایی چون باخترا امروز، جبهه آزادی، شاهد و . . . به هیجان آمده و در اقصی نقاط ایران خواستار ملی شدن نفت بودند اما طرح ملی شدن نفت که به مجلس داده شده بود نمایندگان در تصویب آن تردید داشتند.

در این زمان سیاست شوروی آرام و آهسته پشتیبان انگلیس بود. خبرنگار الاهرام در لندن از توجه و اضطراب عمومی گزارش داد. و یک حالت بهتی در اغلب کشورهای سرمایه‌داری و کشورهای تحت تسلط استعمار بروز کرده بود. در مصر و عراق هیجان ملی شدن نفت از همه جا بیشتر بود. روزنامه سندی کرونیکل نوشت: «این زمزمه ایرانی‌ها که می‌گویند نفت ایران باید ملی شود نغمه خطرناکی است» .

در آنکارا روزنامه نیمه رسمی ظفر نوشت ملی شدن نفت موجب یک مصیبت بین‌المللی می‌شود (در اینجا باید یادآور شد که متأسفانه در تمام دوران نهضت ملی، ملت و دولت ترکیه جانب امپریالیسم انگلیس را گرفته بود).

روزنامه دہلی ورکر ارگان حزب کمونیست بریتانیا در ۱۹ مارس ۱۹۵۱ تحت عنوان وای به حال کسی که در این راه وارد شود، نوشت این بازی خطرناکی است. هنگامی که پای میلیون‌ها لیره و دلار در میان باشد وضع ناگوار روستائیان که از نعمت سواد بی‌بهره‌اند ارزش ندارد و افزوده بود که این چه نیروئی است که این کشور فقیر را آلت و بازیچه سیاست بین‌المللی نموده است؟ .

از لیورپول، دہلی پست نوشت وضع فعلی ایران فوق‌العاده خطرناک

است و یک خطر عظیم تری در پیش است و آن پیروی سایر کشورهای خاورمیانه از عمل ایران.

منچسترگاردین ۱۹ مارس ۱۹۵۱ نوشته بود: اقدام برای ملی شدن نفت سایر کشورهای خاورمیانه از جمله عراق و مصر را بیدار کرده است و تأیید نوشته بود که بهره‌کاربردن شدت و زور در برابر تصمیم ملت ایران سبب خواهد شد که ملت ایران و سایر ملل خاورمیانه بر علیه ما با هم متحد شوند. اما نیواستیتسمن عقیده داشت که «ملت ایران حق دارد نفت خود را ملی کند».

روزنامه‌المصری نوشته بود: «زمامداران عرب با دقت مراقباند که به بینند این پیش آمد متهورانه و شجاعت‌آمیز چه تأثیری در محافل جهانی دارد» و اینترناشنال نیوز اظهار نظر کرده بود که «زمامداران شرکت‌های بزرگ نفتی امریکائی و انگلیس با اضطراب زیادی ناظر اعمال و تصمیمات ایرانیان میباشند».

در تاریخ ۱۳۲۹/۱۲/۱۵ اسوشیتد پرس گزارش داد که قیمت سهام شرکت نفت انگلیس بر اثر قتل رزم‌آرا ۱۰٪ تنزل کرده است و به دنبال آن بر اثر تصمیم مجلس شورای ملی درباره ملی شدن نفت باز هم قیمت سهام در بورس لندن کاهش یافت.

بالاخره در تاریخ ۱۳۲۹/۱۲/۲۹ زیر فشار افکار عمومی و مبارزات سرخستانه میهن پرستان ایران ماده واحده ملی شدن نفت به تصویب رسید. «به نام سعادت ملت ایران و به منظور کمک به تأمین صلح جهانی، ما امضاءکنندگان ذیل پیشنهاد می‌نمائیم که صنعت نفت در سراسر کشور بدون استثناء ملی اعلام شود. یعنی تمام عملیات اکتشاف و استخراج و بهره‌برداری در دست دولت ایران قرارگیرد».

۱ - دکتر مصدق ۲ - دکتر سیدعلی شایگان ۳ - دکتر مظفر بقاشی  
۴ - ابوالحسن حائری زاده ۵ - الهیار صالح ۶ - سیدحسین مکی ۷ - محمود -  
نریمان ۸ - عبدالقدیر آزاد ۹ - میرسیدعلی بهبهانی ۱۰ - عبدالرحمن -



فرامرزی ۱۱ - کشاورز صدر ۱۲ - عباس اسلامی . و به دنبال آن آقای دکتر مصدق در مصاحبه با مخبرین خارجی چنین گفت : «جبهه ملی که خود را نماینده تمایلات و افکار اصلاح طلبانه و استقلال خواهانه ملت ایران می داند با تصمیم قاطع برای ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور ایران شروع به اقدام کرد و با تکیه به احساسات و افکار عمومی ملت ایران و جلب توجه مطبوعات مملکت و افراد موثر و مفید خارج از مجلس موفق شد که این تصمیم را به صورت قانون از تصویب مجلس شورای ملی بگذرانند .»

در اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ قانون اجرای ملی شدن نفت در ۹ ماده به تصویب مجلس رسید . در این هنگام آقای حسین علاء نخست وزیر که عضو فراماسونری بود چون خود را قادر به مقابله با ملت ایران و مبارزه با انگلیس نمی دید از مقام خود استعفاء داد و پس از تحولات تند و سریع زیر پرده و اعتراض شدید مردم به حکومت های دست نشانده شرکت نفت انگلیس ، نمایندگان مجلس ناچار به نخست وزیری دکتر مصدق گردن نهادند .

دکتر مصدق کیست ؟ . این وظیفه بزرگی است که بحث آن در اینجا مورد ندارد و آن را موقوف به موقع مناسب دیگری می کنیم .

آقای سناتور خواجه نوری یکی از دشمنان سرسخت نهضت ملی ایران در جلسه علنی ۱۳۳۰/۱/۱۸ مجلس سنا چنین گفت : « . . . موضوع نفت سه مرحله داشت . مرحله اول که منجر به قانون ملی شدن نفت شد به همت مردان شرافتمندی که جبهه ملی را تشکیل داده اند انجام گرفت .»

آقای راجندر ابراساد رئیس جمهور هندی گفت : « ملی شدن نفت ایران فعلی از بیداری ملل آسیا است .

یونایتد پرس در تاریخ ۱۳۰۳/۳/۴ از لندن گزارش داد که انگلستان به دادگاه لاهه شکایت کرده است .

روز ۱۳۳۰/۳/۲۰ هیئت مختلط نفت منتخب مجلسین و نمایندگان دولت در خرمشهر در میان ابراز احساسات شدید مردم به طرف عمارت دفتر

کل شرکت نفت انگلیس رفتند و در میان تظاهرات بی نظیر مردم تابلو (هیئت مدیره موقت ایران، مأمور اجرای ملی شدن صنایع نفت) را بر فراز ساختمان شرکت نفت انگلیس نصب کردند.

در تاریخ ۱۳۳۰/۳/۳۰ آقای دکتر مصدق بهامی برای ملت ایران فرستاد که خلاصه آن چنین است: «هموطنان عزیز... در تاریخ ملت‌ها نادرا» روزهای درخشان و پر مسئولیت و افتخار و موفقیت آمیز پیدامی شود. ایام عادی و گذران برای همه ملل یکسان است ولی آن ملتی که خوب و شرافتمندانه وظیفه‌اش را در برابر وطن، پرچم و تاریخ مملکت ادا کند بیشتر از دیگران قدرت اخلاقی و عظمت روحی از خود نشان داده است.

امروز یکی از آن ایامی است که شما هموطنان می‌توانید صفحه جدید و مقدسی در حیات اجتماعی و اقتصادی خود باز کنید و پس از پنجاه سال که از استقلال و آزادی سیاسی ما نامی بیش نمانده بود دوره نوینی را در برابر نژاد معاصر و نسل آینده بوجود بیاورید رشد و نبوغ سیاسی شما می‌تواند امروز را مبداء تحول و نهضت اصلاحی آینده قرار دهد...

من تردید ندارم که شما هموطنان عزیزم راهی را انتخاب خواهید کرد که با شرافت ایرانی و با غرور ملی و احساسات وطنی مطابقت دارد... آوازه همت و عزم خلل‌ناپذیر شما در گسستن زنجیرهای استعمار اقتصادی به گوش جهان‌نیان رسیده و خواهد رسید... من افتخار خدمت‌گزاری مردم را بالاترین و پر قیمت‌ترین افتخارات حیات خود محسوب داشته و می‌دارم و به غیر از اطاعت و امتثال فرمان هموطنان محبوب هدفی دیگر ندارم»

بالاخره پس از چند ماه گفتگو بین ایران و انگلیس و با درمیانی اورل هریمن نماینده آمریکا، دولت انگلیس اصل ملی شدن نفت را به رسمیت شناخت و به دنبال آن میسیون استوکس برای رفع اختلاف به ایران آمد. اما به دلایل مفصل مذاکرات شکست خورد (که اکنون امکان بحث آن نیست) لذا در روز ۱۳۳۰/۷/۹ دولت انگلیس به شورای امنیت شکایت کرد و فردای آن روز

۱۳۳۰/۷/۱۰ به دستور دولت دکتر مصدق کارشناسان انگلیسی از ایران اخراج شدند.

در آستانه اخراج کارشناسان انگلیسی از آبادان روزنامه نیویورک تایمز نوشت: «می‌توان گفت که تمام دول غربی بر اثر ملی شدن نفت ایران پرستیژ خود را در خاورمیانه از دست داده‌اند». در آن زمان بنابه گزارش خبرگزاری عرب کلمنت اتلی در مجلس عوام (وبه هنگام سکوت نومیدانه چرچیل) خاطر نشان ساخت که دولت ایران تصمیم دارد اگر نتوانست در مقابل تهاجم قوای انگلیس ایستادگی کند به وسایل مختلف پالایشگاه آبادان را با خاک یکسان کند و در این صورت این پالایشگاه برای انگلستان حتی یک لیره هم ارزش ندارد.

این اظهارات اتلی مبتنی بر این اصل بود که دولت آقای دکتر مصدق در موقع اخراج کارشناسان انگلیسی ضمن حفظ خون سردی کامل که باعث تحسین و اعجاب تمام دنیا شد قوای خود را در جنوب تقویت کرد.

گفتیم که روز ۱۳۳۰/۷/۱۰ پس از چهل سال آخرین کارشناس انگلیسی از ایران اخراج شد. یونایتد پرس در این مورد گزارش داد که لحظه‌ای بسیار حزن‌انگیز بود ولی غیر از این هم چاره‌ای نبود.

بنابه گزارش اسوشیتد پرس با خارج شدن آخرین کارشناسان انگلیسی از آبادان تقریباً "دوره پنجاه ساله عملیات شرکت سابق نفت پایان یافت و سرانجام دولت ایران در راه حفظ حقوق خویش موفق گردید که مؤسسات عظیم نفت آبادان را به تصرف درآورد. این خبرگزاری در گزارش خود می‌افزاید که دولت انگلیس می‌خواست از راه محاصره اقتصادی و فشارهای سیاسی دولت ایران را به تجدید نظر وادارد اما این نقشه در قبال نهضت مجیدی که به رهبری دکتر مصدق در ایران بوجود آمده است نقش بر آب شد.

در این هنگام (۱۳۳۰/۷/۱۴) اعلیحضرت در خطابه خود گفتند که:

«جای بسی خوش وقتی است که در نتیجه هم‌آهنگی بین مجلسین و دولت (دکتر مصدق) به مقتضای تمایلات عمومی گام‌های بلند در راه استیفای منافع ایران برداشته شده... ایشان در نخستین کتاب خود اعتراف کرده‌اند که دکتر مصدق در مدت کوتاهی آخرین افراد انگلیسی را از ایران راند.»

در همین روز چرچیل ضمن نطقی شدید در مجلس عوام گفت: «که انگلستان برای اینکه صدمات شدید و کمر شکن از دست دادن منابع نفت ایران را جبران کند و موقعیت متزلزل و از دست رفته خود را تثبیت کند اقلاً» به پنج سال آرامش نیازمند است.

حالا چرا اعلیحضرت این مبارزه ملی را در کتاب ما موریت برای وطنم نعل وارونه می‌خوانند و دکتر مصدق را به مشت‌زنی ناشی تشبیه می‌کنند همانند در باره این مبارزه جرج لنچافسکی مزدور آمریکائی در صفحه ۱۴۳ کتاب خود نوشته است... در یک سو شرکت نفت قرارداد داشت که حقوق خود را بر اصول قانونی و ادعای اتخاذ روش در روابط صنفی متکی می‌دانست و در سوی دیگر ملت بیدار شده‌ای بود که عمیقاً «به حقانیت خود ایمان داشت. وی اعتراف می‌کند که نهضت ملی ایران دارای ریشه‌های مستقلی بوده و در پایان ۱۹۵۰ قدرت فوق‌العاده‌ای پیدا کرده بود.

ضمناً «روزنامه ظفر ناشر افکار دولت ترکیه نوشت (خداوند دوست و متفق ما انگلیس را پیروز و ایران را منکوب و مقهور سازد).

متأسفانه در این مقاله از رفتار ناجوانمردانه نمایندگان روسیه و ترکیه (هر کدام به جهاتی) جای بحث نیست ولی به هر حال ایستادگی و اتحاد همه نیروهای مترقی ایران در لوای جبهه ملی در برابر بیگانه بی‌دری از هر پیش‌آمدی برای ایران کسب سود می‌کرد.

حال زمانی است که آقای دکتر مصدق به ریاست میسیونر جهت روشن شدن افکار جهانیان به شورای امنیت سفر کرد و طی جلساتی تاریخی،

حقایق بسیار شدید و تلخی را از مداخلات بی‌رویه انگلیس در ایران در معرض افکار ملت‌ها قرار داد و به عنوان اینکه شورای امنیت حق دخالت در امور داخلی ایران را ندارد از حضور در آخرین جلسه شورا خودداری کرد و شوری هم رأی داد که به ضرر انگلستان بود اما به نفع ایران نبود.

آقای مهندس حسینی در این مورد اظهار داشت که حق این بود که شورای امنیت با شجاعتی که لازمه کارش است صلاحیت خود را در این مورد رد می‌کرد ولی متأسفانه چون این شجاعت را نداشتند مسئله را باز هم کش دادند اما سخنان نماینده یوگوسلاوی و اقا "عالی بود زیرا رسماً و علناً" گفت که شورا صلاحیت ندارد که به امور داخلی یک کشور مستقل مداخله کند.

در این موقع دولت انگلیس محاصره اقتصادی ایران را که قبلاً "بدان دست زده بود شدیدتر کرد. از طرفی مانع فروش نفت می‌شد و از طرف دیگر همه وجوهاتی را که متعلق به ایران بود برخلاف موازین بین‌المللی معادله کرد و ضمناً به پی‌گیری طرح دعوی در دادگاه لاهه پرداخت.

ملت و دولت ایران هم به شدت در سه جبهه می‌جنگید ۱ - جبهه عمال انگلیس در ایران ۲ - جبهه دولت انگلیس در ایران و جهان ۳ - جبهه کادر رهبری حزب توده یا به قول دکتر مصدق توده انگلیسی.

رهبران حزب توده هر روز با تظاهرات بی‌موقع و به راه انداختن غوغا و آشوب، هرگونه مجالی را از دولت دکتر مصدق می‌گرفتند و جبهه ملی را در برابر عمال انگلیس خسته و ناتوان می‌کردند و آنان از این پیش آمده‌ها کمال استفاده را می‌کردند.

آقای دکتر مصدق در جلسه علنی ۱۳۳۵/۶/۱۷ مجلس گفت: "بدیهی است اگر شما بفرمائید که در جاهای موثر عمال دولت انگلیس نیستند هیچ کس از شما این مطلب را قبول نمی‌کند عمال انگلیس در مجلس، عمال انگلیس در دولت، عمال انگلیس در جامعه، عمال انگلیس در دربار و بالاخره در همه جا وجود دارد.

در تاریخ ۱۳۳۰/۱۱/۱ تمام کنسولگری‌های انگلیس در ایران بسته شد. به قول دکتر مصدق آشپانه‌های جاسوسی انگلیس بعد از نیم قرن برچیده شد و به دنبال آن بنا به پیشنهاد هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران تصویب کرد. «نظر به اینکه روز ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ با تصویب قانون ملی شدن نفت در شانزدهمین دوره مجلس شورای ملی صفحه نوینی در تاریخ افتخارات کشور باستانی ایران باز شده و یادآور رشد ملی و عظمت روح ایرانی و نمودار علاقمندی تمام افراد ملت به حفظ استقلال کشور می‌باشد از این به بعد روز ۲۹ اسفند که دوران درخشان جدیدی را نوید می‌دهد به افتخار ملت ایران به عنوان جشن ملی تلقی و تعطیل عمومی اعلام می‌گردد». نخست وزیر «دکتر محمد مصدق»:

در همین اوان نیز مجله معتبر تایم آمریکا که هر هفته پنج میلیون نسخه منتشر می‌شد چون اواخر سال ۱۹۵۱ و معادف با پایان سال ۱۳۳۰ بود دکتر مصدق را به عنوان مرد سال ۱۹۵۱ انتخاب کرد.

در ابتدای سال ۱۳۳۱ دکتر مصدق به ریاست مبعوثی برای دفاع از حقوق ایران در دادگاه لاهه به هلند رفت. در این دادگاه پرفسور هانری رولن به دفاع از حقوق ایران پرداخت و آقای دکتر کریم سنجابی قاضی اختصاصی ایران بود.

در این هنگام در داخل ایران دوره هفدهم مجلس شورای ملی گشایش یافت و نیروی هواخواه غرب با توطئه‌ها و نیرنگ‌ها موفق شد که حکومت دکتر مصدق را ساقط کند و در تاریخ ۱۳۳۱/۴/۲۷ فرمان نخست وزیر قوام السلطنه صادر شد.

«فرمان شاه. جناب اشرف احمد قوام نخست وزیر. نظر به اعتمادی که به مراتب شایستگی و کاردانی شما داریم به موجب این دست خط سمت نخست وزیر را به شما محول و مقرر می‌داریم که در تشکیل هیئت وزیران اقدام نموده نتیجه را زودتر به اطلاع ما برسانید. کاخ سفید ۱۳۳۱/۴/۲۷»

آقای قوام السلطنه در اعلامیه نخستین خود قدری من چنین می‌کنم من چنان می‌کنم گفتند و دست آخر تهدید کردند که وای به حال کسانی که در اقدامات مصلحانه من اخلال نماید یا . . . اینگونه آشوبگران با شدیدترین عکس‌العمل من روبرو خواهند شد و اضافه کردند که به عموم اخطار می‌کنم دوره عصیان سپری شده و روز اطاعت از اوامر و نواهی حکومت فرا رسیده است و افزودند کشتیبان راسیاستی دگر آمد .

در این موقع کارشناسان انگلیسی خوشحال و خندان چمدان‌هایشان را بسته بودند که برگردند . . . اما قیام سیام تیر به همه این‌ها خاتمه داد . باز باید بگوئیم که متأسفانه در این بحث نه امکانی هست و نه موردی دارد که از میتینگ‌ها و تظاهرات یک پارچه ملت ایران در این چند روزه سخنی به میان آید .

بطور کلی این زمان ، دوران تاریخی و عجیبی بود که تا کنون در حیات ملت ما سابقه نداشته است تا جایی که عنصر معلوم‌الحالی چون حسین علاء وزیر دربار به قوام السلطنه گفته بود نزدیک پانصد نفر کشته شده‌اند و در تهران جوی خون جاری شده است .

برای قیام سیام تیر لاقط گفتاری مفصل او جداگانه لازم است . آسوشیتدپرس گزارش داده بود که مردم مکرر روزنامه‌های مخالف آقای دکتر مصدق را مورد حمله قرار داده‌اند و سربازان نیز با سرنیزه به مردم حمله کرده‌اند و گروه گروه مجروح ساخته‌اند .

در این روز فقط صدای تانک ، برق سرنیزه و سینه مردم و فریاد جوانان از جان گذشته بود . به قول روزنامه ننگین اطلاعات همه مضطرب و نگران بودند . آثار ترس و وحشت از چهره همه کاملاً " مشهود بود . اولین نعش ساعت ۹/۵ صبح وارد میدان بهارستان شد برای مردم دیگر ارتش ایران با قوای اجنبی فرقی نداشت .

در مجلس همه وکلای بیگانه پرست فرار کرده بودند فقط آقای امام جمعه تهران رئیس مجلس مانده بود که به وظایف سنگین خود پردازد. وکلای فراکسیون نهضت ملی در حال فعالیت شدید بودند...  
به دنبال قیام سیام تیرماه بالاخره مجلس با ۶۱ رأی به دکتر مصدق ابراز تمایل کرد و پیروزی نصیب ملت شد. دومین پیروزی ملت ایران در سیام تیر رأی دادگاه لاهه بود که به نفع ایران صادر شد. در این روز قاضی روسیه موقتا "مریض شد" قاضی هند نیز در جلسه شرکت نکرد. قاضی آمریکایی و فرانسوی ابر علیه ایران رأی دادند. اما اکثریت قضات شرافتمند دادگاه لاهه حتی قاضی انگلیسی رأی به عدم صلاحیت دادگاه درباره نفت ایران دادند.

روز ۱۳۳۱/۵/۱ دو نامه از طرف دربار صادر شد:

- ۱ - «حسب الامر اعلیحضرت همایونی شاهنشاهی با کمال تأثر و همدردی عمیق دربار شاهنشاهی را به بازماندگان شهدای وقایع تأسف آور سیام تیر اظهار می‌داریم و تسلیم می‌گوئیم. وزیر دربار شاهنشاهی».
  - ۲ - «موقعیت ایران را در دادگاه لاهه به عموم هموطنان عزیز از صمیم قلب تبریک می‌گویم و بدین وسیله از اهتمام جناب آقای دکتر محمد مصدق نخست‌وزیر و تمام ملت ایران که در این راه همصدا بوده‌اند قدردانی و تشکر می‌نمایم. این پیروزی قدم مهمی است در راه توفیق نهائی در رسیدن ایران به آمال و آرزوهای ملی ۱۳۳۱/۵/۱ محمدرضا پهلوی».
- (درست توجه شود که یکی از دو نامه به امضاء اعلیحضرت شاه نیست.)  
به هر حال باس انگلستان از رأی دادگاه لاهه و قیام سیام تیرماه در ایران به کلی بی‌سابقه بود. رویتر بلافاصله پس از این دو حادثه گزارش داد که انگلستان مأیوس است و در لندن بطور کلی نظر بر این است که با صدور این رأی موقعیت دکتر مصدق برای مذاکره و معامله محکمتر شده است. روزنامه انگلیسی کارلایل جورنال نوشت: «در قضیه ایران با



توجه به صدور رأی دادگاه لاهه ما کاملاً "مطلوب شدیم". اینترناشنال نیوز گزارش داد: «این رأی درلندن باس و نومیدی عجیبی تولید کرده است». بلافاصله پس از این حوادث بانک شاهنشاهی ایران (بانک انگلیس در خاورمیانه) روز ۱۳۳۱/۵/۸ تعطیل شد و به دنبال آن قانون قیام سیام تیر و قانون اختیارات دکتر مصدق به تصویب مجلس رسید.

با تأیید خداوند متعال. ما پهلوی، شاهنشاه ایران (محل امضاء) نظر به اصل بیست و هفتم متمم قانون اساسی مقرر می‌داریم.

ماه اول - قانون مربوط به شناسائی قیام روز سی تیر ماه ۱۳۳۱ به نام قیام مقدس ملی که در جلسه ۱۳۳۱/۵/۱۶ به تصویب مجلسین سنا و شورای ملی رسیده و منضم به این دستخط است به موقع اجراء گذاشته شود.

ماده دوم - هیئت دولت مأمور اجرای این قانون هستند ۱۳۳۱/۵/۲۱.

۲ - با تأیید خداوند متعال. ما پهلوی شاهنشاه ایران (محل امضاء) نظر به اصل بیست و هفتم متمم قانون اساسی مقرر می‌داریم.

ماده اول - قانون مربوط به اعطای اختیارات برای مدت شش ماه به شخص جناب دکتر محمد مصدق نخست وزیر که در جلسه بیستم ارداد ۱۳۳۱ به تصویب مجلسین سنا و شورای ملی رسیده و منضم به این دستخط است به موقع اجراء گذاشته شود.

ماده دوم - هیئت دولت مأمور اجرای این قانون هستند ۱۳۳۱/۵/۲۱

روز چهارشنبه ۱۳۳۱/۷/۳۰ پس از ۹۳ سال روابط سیاسی ایران و انگلیس قطع شد و آنگاه مجلس اشرافی سنا که اثر وجودی آن فقط ضدیت با نهضت ملی ایران بود بسته شد.

برای آگاهی به چگونگی فروش نفت ما باید چند ماهی به عقب برگردیم.

ملی آماری که زرزلیسجامسکی آمریکایی در کتاب خود (نفت و دولت در خاورمیانه) می آورد در سال ۱۹۵۱ میلادی ۹۸٪ کشتی های نفتکش جهان در اختیار کشورهای آزاد بود و همین کشورهای به اصطلاح آزاد اختیار داشتند بعضی آزاد سودند که نفت ایران را حمل کنند. در آن زمان ۹۰٪ تناسل این کشتی ها با متعلق و با تحت کنترل کارتلها و تراست های نفتی بود.

دولت ایران برای اینکه شرکت های خریدار نفت ایران را وادار به مبارزه و عرض اندام در برابر دولت انگلیس بکند به مدت ۶ ماه تخفیفی معادل پنجاه درصد قائل شد و شرکت های خریدار نفت نیز در اثر ایجاد این نفع قابل توجه حاضر به مبارزه با شرکت نفت انگلیس شدند.

آسوشیتد پارس در تاریخ ۱۳۳۰/۱۲/۱ از رم گزارش داد که شرکت خاورمیانه ایتالیا یک قرارداد پامپای برای خرید دو میلیون تن نفت با شرکت ملی نفت ایران در تهران امضاء کرده است.

روز ۱۳۳۱/۳/۲۶ کشتی روزماری برای نخستین بار پس از ملی شدن نفت از ایران شهباز و پانصد تن نفت بارگیری و حرکت کرد. اما ناخدای آن به دستور تلگرافی که از سوئد به وی شد کشتی را به بندر عدن برد و در آنجا کشتی را توقیف کردند و بدین وسیله دولت انگلیس با نیروی خود را در این راه موفق گردانید. بنا به گزارش آسوشیتد پارس در ۱۳۳۱/۱۱/۲۹ آمدن وزیر خارجه انگلیس در کنفرانسی در لندن گفت رفتن روزماری به بندر عدن در اثر یک سلسله جرمانات مساعد و زمینه آماده شده قبلی صورت گرفته است. به دنبال این جریان شرکت ایتالیایی دیگری به نام (سوپر) که قرارداد مشابهی با شرکت ملی نفت ایران بسته بود برای اولین بار نفت ایران را به ایتالیا صادر کرد.

نفتکش میربالا در تاریخ ۱۳۳۱/۱۰/۳۰ مطابق با ۲۰ ژوئیه ۱۹۵۳ به آبادان آمد تا نفت ملی شده ایران را پس از صدور رأی دادگاه لاهه برای نخستین بار به جهان غرب برساند. در آبادان (امیل کارمازائو) ناخدای

میربالا بیاناتی ایراد کرد و ضمن آن گفت من به شما مردم ایران تبریک می‌گویم که موفق شدید علیه جور و ظلم مبارزه کنید و با مقاومت دانه‌دار خود شاهد پیروزی را در آغوش بگیرید.

آشویتدپرس در این زمان گزارش داد که چند کشتی دیگر برای حمل نفت به ایران می‌آید.

ناخدای یک کشتی بازرگانی به خبرنگار این خبرگزاری اظهار داشته بود که کشتی میربالا در دریای احمر قبل از ورود به کانال سوئز به‌سوی سیر کشتی‌های دیگر حرکت می‌کرده است. در طول کانال سوئز تعدادی از هواپیماهای جنگنده انگلیسی (که کانال را آن موقع در اختیار داشتند) به فاصلهٔ خیلی کمی بر فراز کشتی میربالا به پرواز درآمده بودند ولی آقای زاثو ناخدای کشتی باخونسردی کامل به راه خود ادامه می‌داد و بالاخره سرگاه روز ۲۵/۱۱/۳۱ نفت کش میربالا در بندر ونیز ایتالیا لنگر انداخته است. درست بیست روز پس از تحویل اختیارات یک سالهٔ دکتر مصدق و هنوز یک هفته به لنگر انداختن کشتی میربالا در بندر ونیز مانده بود که روتز از بندر ژن خبر داد نفت‌کش دیگری بنام کاریکنانو برای حمل نفت به طرف ایران حرکت کرده است. این چهارمین نفتکش بود که برای حمل نفت ملی شده ایران بسوی این کشور روانه شده بود. کشتی کاریکنانو در کرایه شرکت سوپر بود.

پیش از حرکت این کشتی و زمانی که هنوز نفت‌کش میربالا در دریاها در حرکت بود اعلام شد دو نفر از نمایندگان یک کمیتهٔ بزرگ ژاپنی به اتفاق (جرج بارون) مشاور حقوقی کمیتهٔ (ایده‌میتسو) در تهران برای عقد قراردادی به سر می‌برند.

در همان روز که خبر مذاکرهٔ اولیای شرکت ژاپنی در تهران منتشر شد آشویتدپرس نیز خبر دیگری از نیویورک مخابره کرد. طبق این خبر (رابرت رافنر) دادستان نیویورک بر علیه شرکت سابق انگلیس و سه نفر از

اتباع آمریکائی به جرم شرکت در توطئه غیرقانونی نسبت به جلوگیری از اقدام یک شرکت آمریکائی که مشغول خرید کشتی های نفتکش برای شرکت ملی نفت ایران بوده است اقامه دعوی کرد .

شرکت آمریکائی (کاریر کورپوریشن) به دادگاه نیویورک شکایت کرده بود که از تاریخ دهم مه سال ۱۹۵۱ تا ۲۶ اکتبر همان سال با شرکت ملی نفت ایران مشغول مذاکره بوده است تا کشتی های نفتکش برای آن شرکت خریداری کند ولی در تمام این مدت شرکت سابق نفت انگلیس به دستکاری سه نفر از اتباع آمریکائی برای جلوگیری از انجام و تحقق این امر توطئه کرد .

در این موقع یونایتد پرس مشروحا " گزارش داده بود که در محافل نفتی غرب گفته می شود دولت انگلیس احساس کرده است که بالاخره فشار افکار عمومی جهان و منافع اقتصادی شرکت های اروپائی سبب خواهد شد که مشکل نفت ایران به خودی خود حل شود . . . .

بنابه گزارش اسوشیتد پرس از توکیو در ۱۶ مه ۱۹۵۳ انگلیس ها برای آنکه ژاپنی ها را در خرید نفت از ایران مأیوس کنند از هیچ گونه کار شکنی خودداری نکردند و آخرین اقدام آن ها این بود که به کمک شرکت شل به ژاپنی ها اطلاع دادند که حاضر هستند نفت خود را در خاورمیانه ۲۵٪ تخفیف دهند اما عجیبتر آنکه در همین روز ۱۶ مه ۱۹۵۳ (۱۳۳۲/۲/۲۶) روزنامه اقتصادی (نیهون کایزای) توکیو اطلاع داد که شوروی با ۳۰٪ تخفیف به ژاپن حاضر به فروش نفت است .

آقای مهندس پرخیده در مصاحبه ۱۳۳۲/۲/۳ خود گفت که یک هیئت شوروی وارد توکیو شده است و پیشنهاد فروش پانصد هزار تن نفت با ۳۰٪ تخفیف به دولت ژاپن داده است .

مانه در ایران و نه در ژاپن و نه در هیچ جا تکذیبی از این خبر ندیدیم . بالاخره در تاریخ ۱۳۳۱/۱۲/۲۵ رأی دادگاه ونیز به نفع ایران صادر شد . T اسوشیتد پرس در همین روز از لندن خبر داد که اعلام رأی دادگاه و نیز علیه

شرکت سابق نفت و انگلیس‌ها در محافل مربوط در لندن با تأثر و تأسف عمیق تلقی گردیده است . . . و شرکت سابق نفت این خبر را با نومیدی پذیرفته است .

ساعت ۵ بعد از ظهر روز ۱۳۳۱/۱۲/۲۳ برابر با ۱۴ مارس ۱۹۵۳ کشتی نفت کش یازده هزار تنی آلبا متعلق به شرکت ایتالیایی سوپر در اسکله بندر معشور (ماه شهر) پهلو گرفت . . . ابراز احساسات مردم در این هنگام به حدی بود که اشک شوق از دیدگان کلیه مستقبلین جاری شد بطوری که حتی کارکنان کشتی هم از این منظره به گریه افتادند . ناخدای کشتی به هنگام پیاده شدن فریاد زد زنده باد ایران .

زنده باد مردم قهرمان و استعمارکش ایران .  
سه روز بعد که کشتی آلبا پس از بارگیری عازم حرکت بود فرماندار آبادان عکس امضاء شده‌ای از دکتر مصدق به ناخدا داد و ناخدا گفت من خود را روحاً " تقدیم رادمرد پاک ایرانی می‌کنم که در حقیقت تاریخ ایران و مسیر آنرا تغییر داد .

صبح روز ۱۳۳۱/۱۲/۲۵ (۱۶ مارس ۱۹۵۳) نفت کش میریالا برای بار دوم در اسکله شماره ۹ آبادان پهلو گرفت . دستجات ملی و احزاب ایران ، ملت ایران بر بنیادپان ایرانیسم و طبقات مختلف و دانش آموزان با پرچم ایران در کنار اسکله منتظر ورود کشتی بودند نمایندگان احزاب ایران ، حزب پان ایرانیسم ، پرچم ایران راه گردن ناخدای کشتی میریالا آویختند .

موضوع جالبی که در این روز جلب توجه می‌کرد احساسات شدید مردم بصره بود . مردم بصره که از دور شاهد جریان صدور نفت ملی شده ایران بودند احساسات غیرقابل توصیفی از خود بروز می‌دادند . در این هنگام نوری سعید دست نشانده انگلیس در عراق بر سرکار بود .

ابراز احساسات مردمی که به پیشواز آمده بودند به حدی زیاد بود که ناخدای کشتی چند بار اشک از چشمانش سرازیر شد و پیوسته با صدای بلند

می گفت (من امیل کارمازاثو) خدمت گزار ملت ایران هستم . من می خواهم ثابت کنم وقتی ملتی تصمیم گرفت خویشتن را از بند استعمار خارجی نجات دهد هیچ قدرتی قادر به از بین بردن این تصمیم راسخ نیست . من به زعمای ملی شما احترام گذاشته و در مقابل مردانی که در مبارزه علیه ظلم پیروز شده اند سر تعظیم فرود می آورم .

پس از فروش نفت به ایتالیایی ها ، ژاپنی ها هم شروع به خرید نفت کردند . در این جا باید بدین نکته اشاره کرد و نسل نورا بدان توجه داد که هر روز که یک نفت کش به طرف ایران می آمد و یا قراردادی منعقد می شد یک مخالفت یا ناراحتی جدیدی از طرف ایادی استعمار به وجود می آمد .

آقای پیرفوتتن در کتاب خود (جنگ سرد نفت صفحه ۲۴۹) اشاره ای به این زمان دارد : وی می نویسد عمال انگلیس یک مبارزه سختی در داخل کشور بر علیه مصدق آغاز نمودند . مطبوعات خارجی سعی می کردند که دکتر مصدق را غیرعادی و مجنون قلمداد کنند . دکتر مصدق ... رنج می کشید و از غصه ، میهن ناراحت بود . او آدمک متحرکی که اراده دیگراں او را حرکت می دهند و نفتی های متعلق او را چنین تشریح می کردند نبود بلکه یک وطن پرست ایرانی بود که استقلال کشورش را در خطر می دید و برای رفع آن کوشش و بذل مساعی می کرد .

و وقتی که معلوم شد ایران حتما "در شکستن محاصره اقتصادی و فروش نفت پیروز می شود اختلاف دربار و دولت را علم کردند که در حقیقت اصل و منشاء تمام تحریکات و سرچشمه تمام اعمالی بود که منجر به شکست نهضت ملی شد . در همان هنگامی که می رفت تا دادگاه های ونیز و رم نیز مانند دادگاه لاهه به نفع ایران رأی دهند در تهران حادثه شوم ۹ اسفند را به وجود آوردند و در آن حادثه توطئه قتل دکتر مصدق را ترتیب دادند .

دکتر مصدق در جلسه علنی غروب ۹ اسفند در مجلس گفت همه می دانند که در دوره شانزدهم اقلیت مخالف دولت این جانب در مجلس (یعنی

اقلیت به رهبری جمال امامی) با علیاحضرت ملکه مادر و والاحضرت شاهدخت اشرف دائما در مرادده بودند و ارتباط کامل داشتند و به جای اینکه اوقات دولت صرف اصلاحات امور اساسی شود صرف مبارزه با اقلیت می‌گردید. البته عملیات نمایندگان مخالف دولت و تحریکاتی که می‌شد به عرض اعلیحضرت می‌رسید و چون اطرافیان مؤثر دربار گوش شنوایی نداشتند منتج به نتیجه نمی‌گردید.

وقایع نهم اسفند نمونه جدیدی از همین دسائس است... چون قبل از نهضت اخیر که سیاست خارجی در امور مملکت ما دخالت می‌کرد هیچ‌گونه اختلاف اساسی بین دربار و دولت‌های وقت وجود نداشت و این اختلافات پس از ملی‌شدن صنعت نفت بوجود آمده است...

دکتر مصدق در پایان نطق خود افزود در مملکت مشروطه برای این که

مقام سلطنت محفوظ و مصون از تعرض باشد پادشاه مسئول نیست و بهمین جهت است که گفته‌اند (پادشاه باید سلطنت کند نه حکومت).

تاریخ بالاخره روشن خواهد کرد که روی چه انگیزه‌ای اعلیحضرت همایونی در صفحه ۱۶۵ چاپ دوم نخستین کتاب خود نوشته‌اند: «اشتباه دیگر مصدق آن بود که تصور می‌کرد نفت ایران را نمی‌تواند بدون کمک و استعانت خارجیان (منظور کارتل‌های غربی است) به بازار جهان عرضه نماید...» این گفته دلیل قاطع و برنده‌ای است بر این که ملت ایران به رهبری دکتر مصدق بدون کمک بیگانه‌دز امر نفت عمل می‌کرده است و همه تهمت‌های وارده به دکتر مصدق را از جانب همه کس بی‌ارزش می‌کند چنانچه ملاحظه می‌فرمائید بدون باری بیگانه ما توانستیم نفت ملی شده ایران را نه بیت‌بیت بلکه کشتی‌کشتی بفروشیم.

روز ۱۳۳۲/۱/۲۱ اولین نفت‌کش بیست هزار تنی ژاپنی بنام (میتسومارو) که تعلق به شرکت (ایده میتسو) داشت برای حمل نفت وارد آبادان شد.

(سوز گرایده میتسو) مدیر این شرکت گفت قراردادی برای خرید نفت به مقدار نامحدود با شرکت ملی نفت امضاء کرده است.

در همین روز طبق خبر رویتر (۱۱ آوریل ۱۹۵۳) شرکت نفت انگلیس در مورد نفت کش آلبا به دادگاه رم شکایت برد (در طول مبارزات درخشان ملت ایران با امپریالیسم از جمله در این زمان (۱۲ آوریل ۱۹۵۳) برخی از خبرگزاری‌ها به ویژه رویتر برای انحراف و مشوب کردن افکار و اذهان جهانیان بر علیه ایران از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌کردند).

مخبرین بی طرف اغلب مخابره می‌کردند که دولت و ملت انگلیس که همیشه در دنیا خود را در سیاست پخته، زیرک، خون سرد نشان می‌دهند در جریان ملی شدن نفت ایران سیاستمداران این دولت و ملت به دوار عجیبی افتاده و بارها خودشان به این نکته اعتراف نموده‌اند. نکته بالا این سخن اعلیحضرت را به خاطر می‌آورد که چرا و برای چه گفته‌اند «دکتر مصدق ناشیانه مشت‌های خود را حواله انگلستان می‌داد».

یک ساعت بعد از ظهر روز ۱۳۳۲/۱/۲۱ از آبادان خبر رسید که نفت کش بیست هزار تنی ژاپنی به نام (بنس هومارو) در کنار اسکله شماره ۱۹ آبادان پهلو گرفت. قابل توجه این که تا این تاریخ سابقه نداشت که یک کشتی بزرگ بیست هزار تنی حتی در زمان شرکت نفت انگلیس برای بارگیری به آبادان آمده باشد. کشتی مزبور متعلق به کمپانی (ای - دی - میتسو) ژاپنی بود و کاپیتان آن آقای بتیا نام داشت.

دکتر حسین فاطمی در مصاحبه مطبوعاتی ۱۳۳۲/۱/۲۲ به خبرنگاران گفت «بطوری که اطلاع رسیده است چهار کشتی دیگر نیز از سایر خریداران نفت ایران به زودی به آب‌های ایراه خواهند رسید».

در تاریخ ۱۲ آوریل ۱۹۵۳ یونایتد پرس از توکیو خبر داد که معامله ژاپن با ایران یک شکست اقتصادی و سیاسی تازه برای انگلیسی‌ها بود. روز ۱۳۳۲/۱/۲۷ نفت کش دیگری بنام یک در بندر شاهپور لنگر



انداخت این کشتی از طرف شرکت اهیپ کرایه شده بود... مهندس پرخیده اظهار داشت که علاوه بر این کشتی، سه کشتی دیگر نیز برای حمل نفت در راه است...

بنا بر خبر یونایتد پرسی ۲۰ آوریل ۱۹۵۳ روزنامه (بوسورز) چاپ توکیو ضمن تشریح دسیسه‌های پشت پرده درباره خرید نفت ایران فاش ساخته است که انگلیسی‌ها در صدد برآمدند که پای آمریکایی‌ها را به میان بکشند. یونایتد پرسی ۲۶ آوریل ۱۹۵۳ از توکیو گزارش انگلستان را صریحاً "رد کرده است. در ۲۸ آوریل ۱۹۵۳ (۱۳۳۲/۲/۶) خبرگزاری فرانسه گزارش داد از چند روز قبل بورس توکیو قیافه دیگری به خود گرفته است. کلیه سهام شرکت‌های نفتی آمریکایی و انگلیس بر اثر معامله نفتی که شرکت ژاپنی ایدو میتسوکوسان با شرایط بسیار مناسبی با ایران کرده است دچار تنزل شده است.

روز ۱۳۳۲/۲/۱۱ کشتی یازده هزار تنی آلبا وارد بندر ماه شهر شد روز ۱۳۳۲/۲/۱۳ نفتکش سوپر (کشتی برت‌مباه ۱۲ هزار تنی) برای دومین بار ساعت ده صبح وارد بندر ماه شهر شد.

طبق گزارش یونایتد پرسی (۹ مه ۱۹۵۳) استقبال پر شور و شوری که از کشتی میتسو مارو در توکیو به عمل آمد نشان داد که افکار عمومی در ژاپن هم مثل ایتالیا کاملاً "طرفدار ایران و مخالف سرسخت دولت انگلیس است. کلیه مندرجات جراید ژاپن حاکی از پشتیبانی شدید از اقدام ایران بود.

روزنامه مشهور شیمو نوشته بود که انگلستان بهبوده سعی می‌کند در قرن بیستم با سلاح پوسیده قرون وسطا به جنگ بر علیه آزادی و حقوق مسلم کشورهای مستقل بپردازد.

مدیر شرکت نفت ژاپن اظهار داشته بود که من پول در مقابل جنسی می‌پردازم که تعلق به ایران دارد و معامله من با موازین قاعونی انجام

می‌گیرد و ادعای شرکت نفت انگلیس بی‌مورد است، ایران یک کشور مستقل است و ملی‌کردن نفت از حقوق مسلم دولت ایران می‌باشد.

آقای بیات مدیرعامل شرکت ملی نفت در تاریخ ۱۳۳۲/۲/۱۳ در مطابحه‌ای گفت: «قرارداد با شرکت ژاپنی بیش از یک سال می‌باشد و به‌طوری که می‌دانید شرکت ژاپنی در مدت شش ماه اول قرارداد از تخفیف ۵۰ درصد می‌تواند استفاده کند و بهای نفت حمل‌شده توسط کشتی ژاپنی تا کنون به دلار پرداخت شده‌است».

آقای بیات افزود که مادر مسأله نفت سه مرحله داشتیم اول مرحله حلع ید بود که با موفقیت و به‌نفع دولت ایران خاتمه یافت، مرحله دوم تحمل فشار خارجی‌ها بود و در این مرحله که تقریباً "هنوز هم ادامه دارد دولت و ملت ایران استقامت قابل تقدیری از خود نشان داده است و همان‌طور که تا به حال در برابر این فشار طاقت فرسا مقاومت کرده‌ایم بعدها هم خواهیم کرد، مرحله سوم که اکنون وارد آن شده‌ایم فروش و حمل نفت است.

در این مرحله هم مشکلات زیاد است ولی امید است با موفقیت آنرا به پایان برسانیم. روز ۱۳۳۲/۲/۲۶ (۱۶ مه ۱۹۵۳) دادگاه توکیو در موضوع نفت به‌نفع ایران رأی داد این چهارمین مرتبه‌ای بود که ملت ایران از یک دادگاه بین‌المللی سربلند و فاتح بیرون می‌آید.

نفت‌کش ژاپنی میتسومارو روز ۱۳۳۲/۳/۱۸ برای سومین بار وارد آبادان شد و روز ۱۳۳۲/۳/۲۱ (۱۱ ژوئن ۱۹۵۳) روپتر از توکیو خبر داد که شرکت لاستیک‌سازی بریجستون در ژاپن اطلاع داده‌است برای مبادله لاستیک‌اتومبیل با نفت ایران مشغول مذاکره با مقامات ایرانی می‌باشد.

روز ۱۳۳۲/۴/۸ برابر با ۲۹ ژوئن ۱۹۵۳ نفت‌کش ۹ هزار تنی سالسو وارد بندرماه شهرشد و روز ۱۳۳۲/۵/۱۳ برابر با ۴ اوت ۱۹۵۳ نفت‌کش میتسومارو برای چهارمین بار در اسکله آبادان پهلو گرفت و روز ۱۳۳۲/۵/۲۷ (یک روز قبل

از کودتای ننگین ۲۸ مرداد) اعلام شد که نفتکش نوساز نوزده هزار تنی ژاپنی بنام کوئیمارو از طرف شرکت ایده میتسو برای حمل نفت عازم آب‌های ایران شده است.

چنانکه ملاحظه می‌فرمائید تاریخ می‌گوید که نفتکش‌های غول‌پیکر برای خرید نفت حتی در ابتدای کار به ایران می‌آمده‌است و هیچگاه ملت ایران نیازی نداشته است که نفت را بهت‌پهت بفروشد.

تاریخ هم اکنون داوری کرده است که ما در مورد ملی‌شدن نفت پیروز شدیم همچنانکه سال‌ها بعد مصریان با الهام از ما پیروز شدند. جمال عبدالناصر رهبر بزرگ ملت مصر در یکی از سخنرانی‌های خود این حقیقت را به صراحت اعلام داشت و اگر در جای دیگر ما شکست خوردیم گناه مردم و رهبران نهضت مقدس ملی ایران نیست بلکه گناه از کسانی است که هم‌اکنون تاریخ مشغول نگارش کارهایشان می‌باشد.

آزادی و فرزانیگی چنین حکم می‌کند که همه کسانی که در این نهضت بزرگ ملی تا به پایان ایستادگی کرده‌اند مورد ستایش قرار گیرند و ننگ و نفرت نثار آنانی شود که حقایق این نهضت حماسی را از توده مردم پنهان می‌دارند.

مدت‌ها پیش از این تاریخ روزنامه شعله جنوب‌ارگان کارگران حزب توده در شماره ۱۵ مرداد ۱۳۴۵ نوشت: «صنایع ملی شده نفت که بهای خون بهترین فرزندان این آب و خاک است به نیروی همه کارگران و زحمت‌کشان و به دست توانای مصدق رهبر کهن سال‌ملینون به چنگ آمد».

انگلیسی‌ها کاملاً "واقف بودند که تصادمی که بر سر نفت ایران در توکیو به وجود آمده گره بزرگی را گشوده است که به گفته مفسرین آن زمان گره اساسی و پل‌آخری بود چه با گشوده شدن آن گره و طی آن پل‌آخرین حلقه محاصره نفت شکسته شده و رشته‌های امید شرکت نفت انگلیس و دولت انگلیس به اینکه ایران را در اثر محاصره مالی و اقتصادی به زانو در

آورد کاملاً " گسیخته شد و بدین جهت بود که در طی دوران مبارزات حماسی توده ملت ایران در مورد نفت، اخبار مربوط به قیام این ملت به پا خاسته همیشه در صحنه مطبوعات گیتی بطرز برجسته و بارزی خودنمایی می کرد و انظار جهانیان از محافل سیاسی و اقتصادی گرفته تا افراد روشنفکر و عامی متوجه این کشور بود و فکر میلیون ها مردمی که شیفته و بی قرار آزادی و پیروزی حق بر قدرت استعماری و استبدادی و غلبه آزادی و عدالت بر استثمار و بردگی بودند به ایران معطوف می شد.

آقای دکتر مصدق در پیام مفصلی که به مناسبت سومین سال زمامداری خود ایراد کرد ضمن این شعار بی نهایت دلپذیر ( هموطنان: اگر زندگی توأم با استقلال نباشد بقدر پیشیزی ارزش ندارد) چنین گفت: در اجرای قانون ملی شدن نفت که آرزوی دیرین جامعه ایرانی بود حکومت لحظه ای تأمل روا نداشت و مراحل شکایت دولت انگلیس در لاهه و صدور قرار موقت، مذاکرات با نمایندگان اعزامی از لندن، تشکیل هیئت مدیره موقت مبارزه با سمپاشی های داخلی و خارجی، خلع ید و اخراج کارشناسان انگلیسی، مذاکرات با هریمن و میسیون استوکس، شکایت انگلستان در شورای امنیت، رسیدگی نهائی دیوان بین المللی لاهه، شکستن خط محاصره اقتصادی و مشکلات گوناگون دیگر همه را یکی پس از دیگری بدان صورت که ملت می خواست و پشتیبانی و تقویت می کرد به نتیجه مطلوب رسانید و اکنون پس از رأی (دادگاه ونیز) کشتی های حامل نفت ملی شده ایران در مدتی کمتر از دو سال به سوی بازارهای دنیا، دریاها را پشت سر می گذارند...

یکبار دیگر دقیقاً "مطالب بالا را بخوانید و به بینید که مبارزه حماسی ملت ایران آن هم با شکم گرسنه و دست خالی چه بعدی داشته است و به همه آن هایی که در راه بیگانه بر علیه منافع توده ملت برای پنج روز سروری خود گام گذارده اند نفرین کنید.

روزنامه اطلاعات یعنی بلندگوی پنجاه ساله بیگانه... در ۱۳۳۲/۳/۹

نوشت که بررگ‌ترین موفقیت دولت دکتر مصدق پس از مبارزات طولانی به این نقطه<sup>۱</sup> روشن و شکستن حلقه<sup>۲</sup> محاصره<sup>۳</sup> منتهی گردیده و این کار بزرگ ملی می‌رود نتایج سودمند خود را در عالم ببخشد و توجه مردم دنیا را به آزادی عمل فروش نفت ایران معطوف سازد و بهره‌برداری از منابع ثروت بی‌کرانی که سالیان دراز دست‌خوش مطامع اجنبی بود آغاز گردد .

بالاخره شرایط جهانی و توافق های پنهانی ابرقدرت‌های چپ و راست و مبارزات سهمگین بیگانگان با دستگیری نوکران فرومایه و شناخته شده خود ، ملت ایران را از راه کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به زانو درآورد و حکومت قانونی دکتر مصدق ساقط شد و سرلشکر بازنشسته زاهدی که نادرستی‌اش را حتی مهره‌های جا به جا شده هیأت حاکم تصدیق دارند به پشتیبانی کارتل‌های نفتی و بیگانه به نخست‌وزیری رسید .

در این جا بد نیست به این گزارش یوسف‌مازندنی مخبر یونایتد پرس در ۱۳۳۱/۱۰/۷ توجه کنید . «نکته مهمی که همیشه به نفع آقای دکتر مصدق بوده این است که حتی سرسخت‌ترین دشمنان سیاسی او نمی‌توانند وی را متهم به نادرستی یادزدی و نوکری بیگانه نمایند درحالی که همین‌ها اتهاماتی بود که به اغلب دولت‌های قبل نسبت داده می‌شد و سبب سقوط آنها می‌گردید .»

بلافاصله پس از سقوط حکومت ملی دکتر مصدق آشویتد پرس (۲۰ اوت ۱۹۵۳) از لندن گزارش داد که سقوط دولت مصدق راه را برای حل مسأله نفت باز کرد .

مطالب منتشره در روزنامه‌های بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در مطبوعات انگلیسی و آمریکایی توأم با خوشحالی بود . بعدها آنتونی ایدن وزیر خارجه انگلیس در خاطرات خود می‌نویسد : « آن شب که خبر سقوط دکتر مصدق به‌وی رسیده خواب راحتی کرده بود و قاضی دوگلاس آمریکایی نیز گفت که ما حکومت دکتر مصدق را در ایران ساقط کردیم اما از آن پس دیگر هرگز

به نیکی از مایاد نشد. و بدین طریق بود که حکومت دکتر مصدق ساقط و سرلشگرزاهدی و دیگر مقامات هیأت حاکم، نفت را در اختیار کنسرسیومی بین‌المللی متشکل از آمریکا و انگلیس و هلند و فرانسه قرار دادند.

آقای پیرفونتن در کتاب خود صفحات ۲۴۹ الی ۲۵۲ تحت عنوان یک مرد شریف دکتر مصدق چنین می‌نویسد... شرکت نفت انگلیس پیروز گردید. می‌توان گفت نیرنگ (شانناژ) و تهدید به فقر و گرسنگی منجر به (موفقیت) تراست‌ها شد. در این حال وینستون چرچیل روی کار بود او به مدیران شرکت نفت انگلیس تلقین کرد که در روی ملی‌شدن نفت سوار شوند و افسار آن را به دست گیرند. لذا یک راه حلی در این خصوص پیدا شد... از این به بعد یک باند تبه‌کار (یعنی کنسرسیوم بین‌المللی) روی نفت ایران افتاد... ولی کسی تفسیری در این باب نکرد... ما جرأت بی‌پیرایه و مقرون به بدبختی دکتر مصدق را که قربانی نفتی‌های بین‌المللی شد می‌ستاییم و به تقدیم احترامات خودمان اکتفا می‌کنیم...

دولت زاهدی با انگلیسی‌ها تجدید رابطه کرد و پای بانک‌ها و موسسات بیگانه را به این کشور گشود. دروازه‌های کشور برای صدور هستی و دارو ندار مردم ایران باز شد و بیگانه هر چه می‌خواست به این کشور وارد می‌کرد و هر کار که می‌خواست می‌کرد.

استعمارگران برای چپاول نفت ایران کنسرسیومی تشکیل دادند و طی قرارداد خانمان‌سوز شروع به تاراج هستی این کشور کردند تا جایی که حتی همگان اذعان کردند که قرار داد ننگینی است. بد نیست بدانید که در مذاکره با میسیون کنسرسیوم هنگامی که از آنان پرسیده می‌شود ایران چه قدر حق دارد از نفت خود استخراج کند یکی از آقایان به کنایه می‌گوید به قدری که کلاهتان را پر کنید.

اما با همه این‌ها این قرارداد در مجلس فرمایشی و به کمک عدای مزدور و بیگانه پرست به تصویب می‌رسد و پس از توشیح به‌مورد اجرا گذاره می‌شود.

در این باره اعلیحضرت در کتاب خود چنین می‌نویسد: «بهدر از مصدق توافقی که در حل مسأله نفت بعمل آمد کاملاً» بر اساس قانون ملی شدن صنعت نفت انجام یافت.

گرچه بعضی از طرفداران مصدق منکر این حقیقت شدند ولی حقیقت آن است که قرارداد ما با کنسرسیوم طبق همان قانون ملی شدن نفت بود که قبل از زمامداری مصدق از تصویب مجلس گذشت.»

به هر حال تناقض گوئی‌ها و گزافه‌گوئی‌های رژیم کنونی ایران درباره ملی شدن صنعت نفت به اندازه‌ای است که بررسی جداگانه‌ای لازم دارد. پس از واژگون کردن حکومت ملی دکتر مصدق، خیانتی که به حقوق و منافع ملت ایران روا داشته‌اند بیرون از پندار و اندیشه انسانی است. این بود بررسی کوتاهی از یک نبرد حماسی و افتخارآمیز.

پیروز باد ملت

زنان و مردان شرافتمند ایران ؛  
در صفوف جبهه ملی متحد شوید .

## حماسه قیام ملی سی تیر

هموطنان عزیز :

این متن ، چکیده‌ای است از پژوهش های  
یکی از هم مسلکان آگاه حزب ایران که برای بیداری  
نسل جوان به نشر آن اقدام می شود .



### (قیام مقدس سی تیر)

امیدواریم که به‌هنگام مطالعهٔ تمام این پژوهش کوتاه این نکته را به خاطر داشته باشید که خوشبختانه ماهمهٔ مدارک و اسناد و . . . . قیام ملی و حماسی «سی تیر» را در اختیار داریم و سازمان‌های گوناگون ضد ملی و ضد امنیت که از سال ۱۳۳۲ به بعد (به ویژه از سال ۱۳۴۲) با تمام قدرت خود در راه ناپودی و از بین بردن این اسناد کوشیده‌اند موفق نشده‌اند و فقط توانسته‌اند که منابع موجود در کتابخانه‌های عمومی و منازلی که بدانجا پورش برده‌اند از بین ببرند .

اما متأسفانه در شرایط کنونی برای آگاهی نسل جوان به دلائلی چند توانایی امکان نشر همهٔ آن اسناد و مدارک نیست و در اینجا است که ما به یاری همهٔ رزمندگان آزاده نیاز داریم . .

با گشایش دوره هفدهم مجلس شورای ملی در بهار به پروان امیربالیسم ، مقدمات سقوط حکومت دکتر مصدق را روپراه می‌کردند . روزنامه دپلی نیوز مورخه ۱۳۳۱/۳/۵ نوشت که : « در ایران بزودی تحولات غیر منتظره‌ای روی خواهد داد » و تاریخی نیز برای سقوط دولت دکتر مصدق تعیین کرد .

روزنامه فرانسوی پاری پرن نیز ۱۳۳۱/۴/۲۶ نوشت . . . . . « که به عقیدهٔ دیپلمات های انگلیسی و امریکائی پس از سقوط دکتر مصدق فقط یک مرد قوی مانند قوام السلطنه می‌تواند آتش احساسات ملت ایران را فرونشاند و با غرب سازش کند . .

در این هنگام روزنامه‌های چپ و راست که در رأس آنان اطلاعات کیهان و . . . . . قرار داشتند با شدت بی سابقه‌ای شروع به مخالفت با دکتر مصدق می‌کردند . آقای دکتر مصدق به مناسبت آماده کار شدن دورهٔ هفدهم طی نطق مشروحی چنین گفت : « . . . . این مبارزات ملی و مجاهدت در راه حق و حقیقت خفتگان را از خواب غفلت بیدار کرده و در کالبد

افسردگان روحی تازه دمیده است . کسانی که در برابر حوادث جز تسلیم و رضا چاره‌ای نمی‌دیدند خوب دانستند که در سایهٔ عزم و اراده ، هر مشکلی

را می‌توان آسان کرد و از بین برداشت. بهیچوجه نبود که جنبش مردم مبارز ایران در سراسر جهان شهرتی بسزا یافت. . . . چنانکه همه می‌دانید در آغاز کار حتی عوامل وابادی شناخته شده، شرکت سابق نفت نیز چاره‌ای جز آن ندیدند که به پیروی از افکار عمومی خود را با این نهفت ملی هم آهنگ نشان دهند اما یقین بود که این عده که همه چیز خود را از برکت اوضاع سابق به دست آورده بودند، از پای نخواهند نشست و در پنهان و بتدریج چنانکه اکنون با کمال وضوح می‌بینید زمینه را برای بازگشت اوضاع سابق فراهم خواهند ساخت. . . .

باری، نخست برای گمراهی افکار توده مردم، شاه دکتر مصدق را بدین شرح مأمور کابینه کرد.

جناب آقای دکتر مصدق نخست وزیر، نظر به اعتمادی که به مراتب کفایت و کاردانی شما داریم به موجب این دستخط سمت نخست‌وزیری را به شما محول و مقرر می‌داریم که در تعیین هیئت وزیران اقدام نموده نتیجه را زودتر به اطلاع ما برسانید. کاخ سفید ۱۳۳۱/۴/۱۹

آقای دکتر مصدق در شرفیابی خود، قبول زمامداری خود را شروط به دو شرط می‌کند. اول گرفتن اختیاراتی به مدت شش ماه برای انجام اصلاحات و تغییر و اصلاح قوانین امور مالی، اقتصادی، بانکی، قضائی، استخدامی و ایجاد سازمان های مستقل ملی و غیره - دوم تفویض پست وزارت جنگ، اما چون شاه با دادن پست وزارت جنگ مخالفت کردند و نمایندگان مجلس هم با دادن اختیارات مخالف بودند از اینروی دکتر مصدق در روز ۱۳۳۱/۴/۲۵ پس از سماعت مذکوره با شاه استعفاء خود را بدین شرح تقدیم داشت، که با عینا "نقل می‌کنیم".

پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی: چون در نتیجه تجربیاتی که در دولت سابق به دست آمده پیشرفت کار در این موقع حساس ایجاب می‌کند که پست وزارت جنگ را فدوی شخصا "عهده دار شود و این کار مورد تصویب شاهانه واقع نشده البته بهتر آن است که دولت آینده را کسی تشکیل دهد که کاملاً "مورد اعتماد باشد و بتواند منویات شاهانه را اجراء کند. با وضع

فعلی ممکن نیست مبارزه‌ای را که ملت ایران شروع کرده است به‌روزمندان خاتمه دهد  
فدوی دکتر محمد مصدق

حقیقت این بود که دکتر مصدق می‌گفت من نخست وزیر هستم و بر طبق قانون اساسی، وزراء مسئولیت مشترکی در برابر مجلس دارند. پس باید وزیر جنگ را نیز خود برگزینم و در کارهایش نظارت مستقیم و کامل داشته باشم. باید توجه داشت که تا این زمان (و بعد از ۲۸ مرداد) وزیر جنگ را (که بعد از سی تیر به مدتی وزارت دفاع ملی نامیده شد) شاه تعیین می‌کرد و وزیر جنگ تنها پیروفرمان شاه و مجری نظریات ایشان بود تا آنجا که دولت حتی به دستورات و کارهای انجام شده در وزارت جنگ آگاهی نداشت و در کارهای رئیس ستاد ارتش و سایر فرماندهان لشگری کوچکترین نظارتی نمی‌کرد پس از استعفای دکتر مصدق، حسین علاء (وزیر دربار) به اشاره شاه متن استعفاء نامه دکتر مصدق را به رئیس مجلس داد و قبولی آن را از جانب اعلیحضرت اعلام داشت و آنگاه به نزد آیت‌الله کاشانی رفت.

سپس با اشاره اعلیحضرت نمایندگان فئودال و مرتجع مجلس (که اعلیحضرت بعدها اقرار فرمودند اینها در خدمت بیگانه بودند) بدون حضور نمایندگان فراکسیون نهضت ملی (جبهه ملی) به زمامداری احمد قوام (قوام السلطنه) رأی تمایل داده و فرمان نخست وزیری با دادن لقب مجدد جناب اشرف برای ایشان صادر شد.

یک ساعت بعد از ظهر روز ۱۳۳۱/۴/۲۶ سرلشکر کوهپایه رئیس کل شهربانی در کاخ سفید به حضور شاه رسید و گزارشات مملکتی را (که قانوناً می‌بایست به نظر نخست وزیر برساند) به عرض رسانید و فرمانداری نظامی نیز برای جلوگیری از هرگونه اجتماع و تظاهراتی که بنا بود به نفع دکتر مصدق صورت گیرد تجهیز شد و شهربانی و زاندامری و ارتش به حال آماده باش درآمدند. در جلسه علنی ۱۳۳۰/۸/۹ گفته شد (آقای دکتر مصدق خودشان گفتند که من در انتخاب رئیس شهربانی دخالت نداشتم و اعلیحضرت هماهنگی او را انتخاب کردند).

ما در اینجا خلاصه‌ای از جریان نخستین جلسه مجلس شورای ملی مورخه

۱۳۳۱/۴/۱۷ راکه به ریاست ( امام جمعه تهران ) تشکیل شده بود برای آگاه و نسل جوان از چگونگی آن دوره می آوریم .

شمس قنات آبادی : مردمی که طوماری ( به پشتیبانی دکتر مصدق ) آورده اند تا به مجلس بدهند جلوی در مجلس سربازها مانع شده اند . . . . .  
رئیس مجلس : اجازه بدهید بنده بیم داشتم تشنج ایجاد شود و . . . . .  
کنجهای با صدای بلند : آقا اینطور نیست . امروز یک نفر می خواست مرا به بیند و حتی معاون بازرسی مجلس هم رفت ولی سربازها مانع شدند .  
آقای رئیس مگر طومار به اندازه یک عریضه ارزش ندارد که مانع می شوید ؟  
رئیس اجازه بفرمائید - قنات آبادی فریاد زد : این سرهنگ مأمور مجلس به من توهین کرده است و باید تعقیب شود .

مهندس حسینی : آقای رئیس ، صبح به چشم خودم دیدم که سربازان هرکس راکه در محوطه مجلس طوماری به دست داشت از او می گرفتند و بیرونش می کردند . این کار اهانت به مجلس است . . . . .

مکی - پس بفرمائید اینجا سربازخانه است تا نمایندگان هم تکلیف خود را بدانند و به آقای سرلشکر گرز ( رئیس ستاد ارتش ) بگوئید بیاید اینجا را اداره کند . . . . .

پارسا - اکنون دیگر موقع آن گذشته که سه چهار نفر به اسم متولی در اطاقی بنشینند و سرنوشت کشور را به میل خود تعیین کنند . زیرا مردم دیگر بیدار و به حقوق خود آشنا شده اند . . . . .

به هر حال برای تسکین افکار عمومی حسین علاء وزیر دربار نیز در برخورد با خبرنگاران چنین گفت : " مشکلی که پیدا شده است هست وزارت جنگ است . آقای دکتر مصدق خودشان می خواهند عهده دار شوند و اعلیحضرت گفته اند بلحاظ فرماندهی کل قوا که بر عهده دارم باید شخص دیگری . . . . .  
انتخاب گردد . . . . . و آقای دکتر مصدق قبول نکرده اند .

ضمناً اعلیحضرت همایونی نسبت به خدمات آقای دکتر مصدق ابراز قدر دانی نموده معتقدند که در آینده باید خط مشی سیاسی ایشان تعقیب شود . . .

انعکاس استعفای دکتر مصدق و جریان مجلس باعث شد که از یک ساعت بعد از ظهر روز ۱۳۳۱/۴/۲۶ کسبه بازار به کلی دکان‌های خود را تعطیل کند . . . . . و در این موقع نیز اعلامیه شدیدالحن شماره ۲۶ فرماندار نظامی منتشر شد که خلاصه آن چنین است .

طبق اطلاع و گزارشات واصله عده‌ای آشوب طلب در نظر دارند که بر خلاف مقررات قانونی دست به تظاهرات دسته جمعی زده و در نتیجه آشوب و بی نظمی ایجاد کنند و . . . . .

#### سرلشکر علوی مقدم

و به دنبال آن مأمورین نظامی و انتظامی با تانک و زره پوش و کامیون‌های مسلح برای جلوگیری از بروز حوادث ناگهانی! تهران و مراکز مهم مانند بازار، دانشگاه . . . به ویژه میدان بهارستان را به محاصره گرفتند و شهر یک حالت نظامی و اشغالی به خود گرفت .

بنا به نوشته حسن ارسنجانی تحت عنوان یادداشت‌های سیاسی ام تیرماه ۱۳۳۱ (بهرایه روزنامه بامشاد) که در چاپخانه روزنامه آتش متعلق به سید مهدی میراشرافی ( معروف به لاستیک‌دزد ) پس از مرداد ۱۳۳۲ یعنی در زمانی که نفس‌ها در سینه حبس می‌شد منتشر شده است . ایشان ساعت ۷ بعد از ظهر روز پنج شنبه ۱۳۳۱/۴/۲۵ به منزل قوام السلطنه می‌روند . آقایان لسان سپهر و آشتیانی زاده را در آنجا می‌بینند بعد هم آقایان نیکپور سناتور و ( ثروتمند معروف ) و سپس عامری ( نماینده مجلس ) می‌آیند و قرار می‌شود مقاومتی را در مجلس شورای ملی به کمک عامری و در سنا به یاری نیک پور بر علیه دکتر مصدق فوراً " شروع کنند و نیکپور قول می‌دهد که از طریق اصناف نیز بر علیه دکتر مصدق اقداماتی بکند . و وقتی ارسنجانی درباره بول سخن به میان می‌آورد نیک پور می‌گوید من حرفی ندارم که بولی به عنوان مساعده بدهم اما باید دید که پشت‌پند قوام السلطنه محکم هست یا نه . . . . .

والا به خود نمی‌شود بول را به خطر انداخت و ضمناً " گفته است که قوام السلطنه روز پیش خدمت والا حضرت اشرف پهلوی بوده است چون روز ۱۳۳۱/۴/۱۵ شاهدخت اشرف که از مخالفان جدی دکتر مصدق بود برای سقوط ایشان با

عجله با هواپیما به تهران مراجعت کرده بودند .

بعدها روزنامه خواندنیها شماره ۸۱/۹ در این باره می نویسد : «والاحضرت اشرف چند روز قبل از حوادث خونین سیام تیر وارد تهران شد و با قوام السلطنه تماس گرفت و با نمایندگان مجلس برای زمینه سازی و تحمیل حکومت انگلیسی وارد گفتگو گردید . . . . . و بدون تردید او یکی از مسئولین روی کار آوردن قوام و حوادث سیام تیر می باشد .»

معرفی احمد قوام از بحث کنونی ما بیرون است زیرا نمی خواهیم مطلب به درازا بکشد فقط در این باره شما را به اظهار نظر سید مهدی فرخ که از دشمنان سیاسی دکتر مصدق است اشاره می دهیم .

اما فرمان شاه در این مورد . جناب اشرف آقای احمد قوام نخست وزیر . نظر به اعتمادی که به مراتب شایستگی و کاردانی شما داریم به موجب این دستخط سمت نخست وزیری را به شما محول و مقرر می داریم که در تشکیل هیئت وزیران اقدام نموده نتیجه را زودتر به اطلاع ما برسانید - کاخ سفید ۲۳۱/۴/۲۷ محمد رضا پهلوی .

پس از اینکه قوام السلطنه از مجلس رأی اعتماد می گیرد . مبادرت به صدور اعلامیه کذائی خود می کند که فشرده ای از آن بدینگونه است .

ملت ایران ، بدون اندک تردید و درنگ دعوت شاهنشاه متبوع و مفخم خود را به مقام ریاست دولت پذیرفته و با وجود کبر سن این بار سنگین را بر دوش گرفتم . . . . . باید ملت همکاری بیدریغ خویش را از من مضایقه ندارد تا بتوانم به این بیماری ، علاج قطعی دهم . مخصوصاً " در یک سال اخیر موضوع نفت کشور را به آتش کشیده است . . . . . این همان موضوعی است که ابتدا من عنوان کردم . . . . . بعضی ها تصور می کردند اشاره در این مورد باعث سقوط حکومت من شده . . . . . اما من از اقدام خود نادم نیستم زیرا جانشین آینده من جناب آقای مصدق السلطنه آن فکر را با سرسختی بی مانندی دنبال نمود و در مقابل هیچ فشاری از پای ننشست . . . . . من می خواهم که تمام اهالی کشور غنی و ثروتمند باشند . . . . . من از چشم تنگی بعضی از رجال . . . . . تنفر دارم . . . . . من میزان عواید عموم را بالا خواهم برد . . . . . من در عین احترام به

تعالیم اسلام دهانت را از سیاست دور خواهم کرد . . . . . وای به حال کسی که در اقدامات مطحانه من اخلال نماید و در راهی که من در پیش دارم مانع بتراشد . . . . . آشوبگران باشد بدترین عکس العمل من روبرو خواهند شد . . . . . به عموم اخطار می‌کنم که دوره عصیان سپری شده و روز اطاعت از اوامر و نواهی حکومت فرا رسیده است . کشتیمان را سیاستی دگر آمد . . . . . تهران

۱۳۳۱/۴/۲۷ رئیس الوزراء قوام السلطنه

قوام السلطنه در مصاحبه مطبوعاتی خود بیشتر من گفتند و مبارزات نفت را از اقدامات نخستین خود (من) شمردند .

آقای ارسنجانی نیز در یادداشت‌های خود اقرار کرده است که سفارت‌خانه‌های انگلیس و آمریکا توسط ( جوانکی ) با قوام السلطنه رابطه برقرار کرده بودند و افزود است که این آقایان واسطه آدم‌های ( جکسن ) بوده اند و حتی در صفحه ۵۱ یادداشت‌های خود نوشته است که آقای مقتدر شفیعا گفت سفارت انگلیس از مفاد بیانات قوام در مورد نفت و مصدق ناراضی است و می‌گوید باید در رادیو حملات سختی به ملی شدن نفت و گردانندگان آن شود . در همین روز هم سخنگوی سفارت انگلیس به حل مسئله نفت ابراز امیدواری کرد . و بعداً " معلوم شد که وزارت امور خارجه امریکا به عده‌ای از کارشناسان و . . . . . دستور داده بود که وقتی کابینه قوام روی کار آمد آماده حرکت بسوی آبادان باشند .

(اعلامیه جبهه ملی)

صبح روز پنج شنبه ۱۳۳۱/۴/۲۶ که خبر استعفای دکتر مصدق قطعی

شد اعلامیه جبهه ملی بدین شرح منتشر شد . . . . . ما امضاء کنندگان ذیل نمایندگان مجلس شورای ملی در تأیید سوگندی که برای حفظ مهابانی مشروطیت در مجلس شورای ملی یاد کرده‌ایم و بعلمت این که در شرایط فعلی ادامه نهضت ملی جز با زمامداری دکتر مصدق میسر نیست متعهد می‌شویم با تمام قوای خود و وسائل موجود از دکتر مصدق پشتیبانی نمائیم . پارسا ، صفائی ، زیرک‌زاده ، دکتر معظمی ، دکتر شایگان ، دکتر بقائی ، قنات آبادی ، حسین مکی ، خلخالی ، حاج سید جوادی ، زهری ، محمود نریمان ، حائریزاده ، مدرس ، کریمی ،

آیت‌الله شبستری، اخگر، آیت‌الله انجلی، آیت‌الله میلانی، فرزانه، مهندس حسینی، ناصر قشقایی، خسرو قشقایی، جلالی موسوی، شاپوری، مهندس رضوی، یوسف مشار، راشد، دکتر ملکی، ناظرزاده کرمانی، باید دانست که نخست خبرگزاری‌های معروف و وابسته خارجی همه خبرهایشان در مورد آرامش در ایران و امیدواری به حل مسئله نفت (آنطور که دلخواه بیگانگان بود) دور می‌زد. اما تظاهرات مردم ایران که تقریباً از همان روز استعفای دکتر مصدق شروع شده بود از روز ۳۱/۴/۲۸ با شدت بی‌سابقه و بی‌مانندی گسترش یافت. تظاهرات و اعتراض مردم منحصر به شهر تهران نبود موج اعتراض و قیام از سراسر کشور برخاسته بود و بنا به گزارش آسوشیتدپرس در ۱۳۳۱/۴/۲۹ پیش از سی تیر بزرگترین تظاهرات از طرف مردم آبادان انجام شد و ما در اینجا برای اینکه گفتارمان به پیروی با طرفداری یا تعصب از نهضت ملی تلقی نشود از زبان دشمنان نهضت ملی ایران دلیل و برهان می‌آوریم.

آقای حسن ارسنجانی در یادداشت‌های خود می‌نویسد . . . . . از وضع شهر و تحریکاتی که می‌شد اطلاعاتی دادند و معلوم شد که حزب توده مایل به همکاری با جبهه ملی نیست و چند نفر را فرستاده‌اند که با عباس اسکندری مذاکره کنند تا تحت شرایطی به دولت قوام کمک کنند . . . . . و گویا شمشیری و چند نفر دیگر از بازاری‌ها مأور شده‌اند که بازار را تحریک به اعتصاب کنند . . . . .

حزب توده نیز در پلنوم چهارم خود تحلیل کوتاهی در این زمینه دارد که ما آن را کوتاه‌تر کرده و فشرده‌ای از آن کوتاه‌تر شده را می‌آوریم . . . . . حزب ما مرتکب اشتباهات سیاسی مهمی گردید . . . . . و در این دوران عملاً "اhtکار" سیاسی در مبارزه ضد استعماری را از دست داد، سمت گیری غلط درباره ملی شدن صنایع نفت (ابتدای جنبش) و خط مشی چپ روانه و نادرست در قبال جبهه ملی و حکومت دکتر مصدق مهمترین اشتباه سیاسی حزب ما در جریان سال‌های قبل از کودتای ۲۸ مرداد بشمار می‌آید . . . . . شعارهای حزب ما در باره نفت مبتنی بر این تحلیل بود که گویا فقط تضاد بین دو امپریالیسم



امریکا و انگلیس موجب پیدایش جریان ملی شدن نفت شده است . . . . . ( یعنی تمایلات توده مردم به حساب نمی آمده است ) .

روش حزب ما در مورد قرضه ملی وعدم استفاده از جهات مثبت قانون دکتر مصدق در باره ازدیاد سهم دهقانان و تشکیل شورای ده از جمله اشتباهات تاکتیکی مهمی است . . . . . و نیز در حادثه سی تیر ۱۳۳۱ و روی کار آمدن قوام و کودتای ۲۵ مرداد نیز روش رهبری علیرغم شکست این ماجرا قابل انتظار است . زیرا در حادثه سی تیر ما دیرتر از بورژوازی ملی و تازه آن هم پس از اینکه بخشی از توده حزبی به ابتکار خود جنبید ، وارد صحنه شدیم . . .

در آن هنگام کمیته مرکزی حزب توده ایران دکتر مصدق را زمامدار ملی و ضد استعمار نمی شناخت و می گفت که هدف دکتر مصدق تحکیم نفوذ امپریالیسم امریکا است و وی را مانند دیگر نخست وزیران ایران می دانست مثلا " روزنامه نوید آزادی روز ۱۳۳۱/۴/۲۵ نوشت که اردوی غارتگران یکی است فقط نقابها فرق می کند و با بی اعتنائی به روی کار آمدن قوام نگرینست . روزنامه دژ که به جای بسوی آینده در ۳۱/۴/۲۷ منتشر شد . . . پس از چهارده ماه حکومت ، دکتر مصدق را هوادار امپریالیسم خواند حتی جمعیه ملی مبارزه با استعمار در دعوت نامه خود برای تشکیل جبهه واحد ضد استعمار در تاریخ ۱۳۳۱/۴/۲۹ ناجوانمردانه نهضت ملی را متهم به تسلیم و پشروی از جانب امپریالیسم کرد .

علت اینکه حزب توده خود را نسبت به دعوت فراکسیون نهضت ملی تا ۱۳۳۱/۴/۲۹ بی تفاوت نشان می داد و در نشریات مخفی و علنی خود هیچگونه دستوری مبنی بر مشارکت در تعطیل عمومی نداد این بود که در آن روز دکتر مصدق مظهر مبارزه ضد استعماری ملت ایران و قوام نمایانگر ارتجاع و استعما بود لکن چون حزب توده کرارا " دکتر مصدق را متهم به سازش با غرب کرده بود و جبهه ملی و نهضت ملی شدن نفت را کوبیده بود دیگر نمی توانست از دکتر مصدق پشتیبانی کند چون سقوط دولت قوام الزاما " به زمامداری دوباره دکتر مصدق منجر می شد .

اما پیش از اینکه در روز ۱۳۳۱/۴/۳۰ رهبران حزب توده پس از مشا

موج های فزاینده مردم در این مورد چاره‌ای بیندیشند و نظریه‌ای ابراز دارند افراد ساده و فداکار و پائین حزب به صفوف مبارزان در تظاهرات خیابانی پیوسته بودند و تلاش بی‌گیری می‌کردند. و از اینرو بود که خبرگزاری فرانسه نیز در تاریخ ۱۳۳۱/۵/۲ گزارش داده بود که در نتیجه حوادث اخیر عده زیادی از عوامل حزب توده به جبهه ملی گرویدند.

بالاخره روزنامه های شناخته شده عصر (اطلاعات، کیهان و...) در ۱۳۳۱/۴/۲۸ ناچار خبر دادند که طبق تلفن خبرنگاران در خرمشهر و آبادان بر اثر رسیدن خبر کناره گیری دکتر مصدق از نخست وزیری از عصر پنج شنبه مردم دکان‌های خود را بسته و شروع به تظاهرات کرده‌اند و در بخش پالایشگاه و دیگر بخش های وابسته همه کارگران دست از کار کشیده و اعتصاب کرده‌اند.

و از اصفهان نیز تلگراف رسیده حکایت دارد که جمعیت کثیری در تلگرافخانه اجتماع کرده و با نمایندگان جبهه ملی مشغول مخابره حضوری شده و از دکتر مصدق پشتیبانی کرده‌اند و در قزوین نیز دکانین تعطیل شده و مردم به تلگرافخانه روی کرده‌اند و بنا به نوشته خواندنیهای شماره ۸۱ «سیل تلگراف و نامه‌های مبتنی بر اعتراض به قوام السلطنه و پشتیبانی از دکتر مصدق از سراسر کشور به سوی تهران جریان داشت تا جایی که برخلاف قانون اساسی و مقررات وزارت پست و تلگراف از مخابره و توزیع تلگراف ما خودداری کرد.» در پیش گفتیم و باز هم تکرار می‌کنیم که (به جز موارد نادر) مخصوصاً اینگونه فعالیت‌ها را به نقل از روزنامه‌های مخالف می‌آوریم که مستندتر باشد. آقای دکتر شایگان به مخبرین گفته بود که در شرفیابی بحضور شاه ایشان فرمودند: «... پیوسته سعی من این است که از موازین قانون اساسی با فراتر ننهادم و یک پادشاه مشروطه و دموکرات واقعی باشم.» اما در همین حال روزنامه‌های عصر گزارش دادند (۳۱/۴/۳۱) که «قوام السلطنه از شاه تقاضای صدور فرمان انحلال مجلس را کرد و شاه قول داد که در صورت وخامت اوضاع فرمان انحلال مجلسین را صادر خواهد کرد.»

به محض انتخاب قوام به نخست‌وزیری در حدود سی نفر از نمایندگان

طرفدار نهضت ملی ایران طی اعلامیه‌ای مردم را دعوت به مقاومت کردند اما پیش از انتشار اعلامیه، خود مردم مقدمات این کار را فراهم ساخته بودند.  
(اعلامیه جبهه ملی ایران)

ملت رشید ایران - چون در تمام نقاط کشور بوسیله تلگراف و تلفن و نامه و فرستاده‌های مخصوص نسبت به جریان‌ات نامطلوب و غیرقانونی چند روز اخیر سؤال شده است امضاء کنندگان امروز صبح در مجلس تجمع و پس از بررسی اوضاع حاضر چنین اظهار نظر می‌نمائیم:

برای اعلام این نکته اساسی به جهانیان که نهضت ملی ایران به هیچ دسیسۀ مونیترنگ خاموش‌شدنی نیست و ملت قهرمان ایران هرگز مقهور دخالت‌های استقلال‌شکنانه بیگانگان نخواهد شد و تا حصول نتیجه قطعی و احقاق حق و رهایی کشور از چنگال سیاست‌های استعماری استقامت خواهد کرد روز دوشنبه ۱۳۳۱/۴/۳۰ در سراسر کشور تعطیل عمومی اعلام می‌شود و امیدواریم هموطنان عزیز که همگی طرفدار قیام حقیقی ملت و ادامه مبارزه در راه نجات کشور می‌باشند با نهایت آرامش و متانت در این جنبش ملی شرکت نمایند. بدیهی است نمایندگان شما در ادای وظیفه خطیر نمایندگی غفلت نخواهند داشت. جریان امر بعداً "به استحضار ملت بهدار ایران خواهد رسید. امضاء ۳۱ نفر از نمایندگان مجلس.

(رویدادهای ۲۹ تیر)

روز ۱۳۳۱/۴/۲۹ شهر تعطیل بود و کارگران کارخانه‌ها اعتصاب کرده بودند و سرویس‌های سی‌گانه اتوبوسرانی (که در آن زمان تنها وسیله نقلیه عمومی بودند) دست از کار کشیده بودند یکی از علل از کار افتادن وسائل نقلیه تعطیل پمپ‌های بنزین بود کارگران پمپ‌بنزین از فروش خود داری کرده و اظهار می‌داشتند که نفت مال ملت ایران است و ملت نیز خواهان دکترا صدق است. رو بهمرفته هیچ کارگاه و کارخانه‌ای در این روز بساز نبود. نخست، اعتراض و اعتصاب و زدوخورد مردم بطور پراکنده روی می‌داد و مأموران انتظامی پهاده و سوار با باتون و سرنیزه و تاختن اسب در میان تظاهرکنندگان، آنان را با شدت متفرق می‌ساختند و بتدریج حتی از طریق

هو انيز نیروی نظامی به فعالیت پرداخت ، شدت تظاهرات در اطراف شهر  
پراکنده بود و هر چه که به مرکز شهر ( سبزه میدان - میدان سپه - مخابراتالدوله ،  
میدان بهارستان ) نزدیکتر می شد ، تظاهرات و قیام و زدو خورد ابتداء  
با پلیس و سپس با نظامی ها گسترش بیشتری می یافت .  
مقاومت کنندگان با مشت ، سنگ و آجر و پلیس و نظامیان با اسلحه گرم و  
آتش را به میدان آمده بودند و به یکدیگر حمله می کردند .

صبح روز ۱۳۳۱/۴/۲۹ نخست بنین امضاء احزاب ایران ، زحمتکشان و  
دیگر دستجات طرفدار دکتر مصدق با پلیس زدو خورد شدیدی در اطراف  
مجلس در گرفت . فریادهای مرگ بر قوام وزنده باد دکتر مصدق طنین افکنده  
بود . تقریباً " اکثر تظاهرات و زدو خورد ها به سبب وجود احزاب طرفدار  
دکتر مصدق در غرب میدان بهارستان ابتداء از همین جا شروع می شد .  
از ساعت نه صبح زد و خورد نسبتاً شدیدی در اول شاه آباد نزدیکی های  
خیابان صفی علیشاه شروع شد و مردم با پلیس و نظامی ها درگیر می شدند .  
بطور کلی پیش از ۲۰ - ۳۰ تانک در میدان بهارستان در برابر تظاهرکنندگان  
قرار داشت و هر لحظه یکی از این تانک ها به سمت یکی از خیابان ها و یا کوچه های  
فرعی حمله می کرد و مردم با وسائل ابتدائی شروع به مقاومت و تعرض می کردند  
و حتی در جاهائی که عده ای از مردم تعلیمات نظامی بلند بودند راه های  
جلوگیری از ورود تانک ها را به دیگر مردم یاد می دادند . مثلاً " با لوله های  
آهنی ( که برای لوله کشی آب تهران آورده بودند ) و وسائل دیگر مانع حرکت  
تانک ها و با سایر وسائل نقلیه نظامی می شدند و در نتیجه حملات نظامی ها  
کند می شد و مردم ( خرد و کلان ) به آسانی به تعرض دست می زدند .  
در خیابان های سعدی ، اسلامبول ، لاله زار ، سرچشمه ، ژاله ، ناصری ،  
فرودسی و . . . . . بوسیله گروه بسیاری سرباز جلوی مردم را گرفته بودند . . . . .  
در بازار و سبزه میدان زدو خورد شدیدتر بود و حضور حضرت حجت الاسلام  
آقا ضیاء حاج سیدجوادی نماینده قزوین در آن حوالی سبب شده بود که  
تظاهرات مردم توأم با شعارهای مذهبی باشد . در بازار بزازها ، بازار  
آهنگران ، نوروزخان ، مقابل مسجد شاه زدو خورد و تظاهرات بسیار شدید

بود. در آن روز و روزهای دیگر تعداد زخمی‌ها و کشته شدگان معلوم نبود. زیرا آماری در دست نیست و انگهی اعتمادی نیز به آمارهای دولتی در روزنامه‌های خبری (اطلاعات، کیهان و...) نیست.

همین روزنامه‌ها می‌نویسند که صبح مطابق معمول کارگران کارخانه‌ها سرکار حاضر شدند اما ضمن زمزمه و گفتگوهای چندی پس از نیم ساعت کارگران (کارخانجات دخانیات چیت سازی، سیمان، راه آهن، سیلو، ونک، دهوی تهران و دیگر کارخانجات) را ترک کردند.

مخبرین خارجی که صبح برای مخابره گزارش‌های مربوط به اغتشاشات و تعطیل و قیام عمومی به تلگرافخانه رفتند با وضع غیر عادی مواجه شدند و متصدیان از قبول تلگراف‌ها پشیمان خودداری کردند. سپس مخبرین خبرگزاری‌های آسوشیتدپرس، یونایتدپرس، فرانسه پرس، رویتر به تلفن‌خانه هجوم بردند ولی کارکنان آنجا نیز اعتصاب کرده بودند.

رویه‌مرفته تمام کارخانجات تعطیل شده بود و تظاهرات کارگران نیز توأم با شعارهای تند و دگرگونی و بر علیه دیگران بود.

آسوشیتدپرس گزارش داده بود: مردم مکرر روزنامه‌های مخالف دکتر مصدق را مورد حمله قرار دادند و سربازان با سرنیزه به مردم حمله کردند و گزارش‌های سایر خبرگزاری‌ها هم در همین زمینه بود.

روزنامه‌های زیر سانسور دولتی زخمی‌شدگان را در صبح روز ۱۳۳۱/۴/۲۹ (روز هفتم از قیام سی‌تیر) تنها ۷۵ نفر در بیمارستان سینا و چهل نفر در بیمارستان شهربانی و دوازده نفر در بیمارستان شیروخورشید بنا به اظهار منابع دولتی ذکر کردند که بر اثر برخورد با قنداق تفنگ‌نظامی‌ها و فرو رفتن سرنیزه به شکمشان بوده است.

بنا به نوشته همان روزنامه‌ها روز ۱۳۳۱/۴/۲۹ سراسر آبادان تعطیل بوده است و مردم در خیابان‌ها دست به اعتراض زده بودند و وعده‌های نیز با پوشیدن کفن در تظاهرات خرمشهر و آبادان شرکت داشتند و فریاد می‌کشیدند با مرگ یا مصدق.

در تظاهرات آبادان نیز تانک‌ها به مردم حمله می‌کردند و

زنی زیر تانک کشته شد در جریان اعتصاب آبادان و خرمشهر گلبدن دستجات  
و احزاب با یکدیگر همکاری داشتند .

در کرمانشاه اعضای حزب ایران پس از استعفای دکتر مصدق برای  
تظاهرات بحرف سبزه میدان می‌رفتند که با شلیک نظامیان روبرو شدند و چون  
حکومت نظامی اعلام شده بود ما مورین به شدت از تظاهرات توده مردم  
جلوگیری می‌کردند و مردم هم به عنوان اعتراض در تلگرافخانه متحصن شده  
بودند و بیش از سیصد نفر نیز که کفن پوشیده بودند برای حرکت به تهران  
آماده می‌شدند که روز بعد در کاروانسراسنکی تهران جلویشان را گرفتند .

در رشت که از روز جمعه ۱۳۳۱/۴/۲۷ مفازها تعطیل شده بود عصر  
۱۳۳۱/۴/۲۹ می‌تینگ از طرف حزب ایران و زحمتکشان و مجاهدین اسلام و  
کمیته مقاومت ملی تشکیل شده بود . پس از می‌تینگ مردم در حال پراکنده  
شدن بودند که ناگهان نیروی انتظامی به سوی آنان حمله ور شد و تیراندازی  
کرد و پس از آن مراکز احزاب و جمعیت‌های مزبور را اشغال کردند و تا سپیده  
دم روزی تیر کلوپ‌ها را در اختیار داشتند .

در تبریز اهالی قیام کرده بودند و در قزوین شهر تعطیل شده بود .  
هم‌اکنون متن تلگرافات شهرستان‌های مسجد سلیمان ، شیراز ، تبریز ،  
فومن ، کازرون ، کرج ، ساوه ، اراک ، آبادان ، قزوین ، کرمانشاه ، مشهد ،  
رضایه ، اصفهان ، رشت ، زنجان ، کاشان ، کرمان ، و ... که زدو خورد  
در آنجا ها بسیار شدید بوده است پیش روی ما است که برای فشرده تر کردن  
مطلب از درج آن ها خودداری می‌شود .

روز ۱۳۳۱/۴/۲۹ شهر بانی کل کشور طی اعلامیه‌ای به سرویس های  
اتوبوس رانی شهر ( به ویژه جنوب شهر ) ضرب‌الاجل داد که فوراً " مشغول به کار  
شوند و الا اجازه آن ها از درجه اعتبار ساقط می‌شود ضمناً " فرمانداری نظامی  
اطلاع داد که کارت های عبور و مرور نیز از درجه اعتبار ساقط است .

نمایندگان جبهه ملی که از این پس به نام فراکسیون نهضت ملی نامیده  
شدند جلسه‌ای به ریاست مهندس احمد رضوی تشکیل داده بودند تا عده‌ای  
را برای مذاکره با دکتر مصدق و سایر مقامات تعیین کنند . . . . . نزدیکی‌های

بعضی نویس اعلامیه ای را که خطاب به افسران تهیه شده بود در اختیار  
مهرنگاران گذاردند .

( متن تلگراف به شاه چنین بود ) : اعلیحضرتا . مردم ایران را به  
جرم وطن پرستی و نهضت ضد بیگانه عده‌ای از افراد ارتش و مأمورین پاره  
پاره می‌کنند . در سراسر کشور عده زیادی مردان شرافتمند و غیور به زندان  
تسلیم شدند . چندین نفر مردان ملی را در معایر شهید کرده‌اند . تا این  
ساعت این جریان قانون شکنانه و ناگوار ادامه دارد . مسلم است که این اعمال  
ناهنجار عواقب وخیم در بر خواهد داشت . ما نمایندگان ملت با توکل به  
خداوند و استفاده کامل از حقوق خود برای دفاع از مردم قیام کرده‌ایم و لازم  
دانستیم مراتب را به استحضار مقام سلطنت برسانیم .  
( اعلامیه خطاب به مأمورین نظامی )

افسران و افراد شرافتمند ارتش و مأمورین انتظامی : متأسفانه در این چند  
روزه که ملت ایران و ما به منظور ابراز احساسات برای حفظ حقوق حقه خود  
و ایستادگی در مقابل بیگانگان دست به تظاهراتی زده‌ایم مشاهده می‌شود  
با وجودی که مردم صرفاً " احساسات درونی خود را ابراز می‌دارند بعضی از  
مأمورین انتظامی و افسران و افرادی که همه چیز خود را از این آب و خاک دارند  
... این قوه و قدرت را که باید برای برادران خود که یقین داریم با آنان  
جدائی ندارند به کار ببرند ( در راه سرکوبی آنان به کار می‌برند ) .  
در این موقع تاریخی مواظب باشید که خدای ناکرده عملیات شما به نفع  
مسلم بیگانگان تمام نشود و ما اطمینان داریم که اکثریت قریب باتفاق شما  
جز سعادت و حفظ شرافت ملت چیزی را در بر ندارید . ما وظیفه وجدانی  
خود دانستیم که در این لحظه تاریخی این مطالب را به شما گوشزد کنیم .  
حال شما خود دانید و شرافت سربازی خودتان .

آیت الله کاشانی هم در مصاحبه تند و مفصل ۱۳۳۱/۴/۳۰ خود چند  
نکته را یادآوری کرد .

۱ - اگر پای یک انگلیسی به تأسیسات نفت آبادان برسد پالایشگاه را

نا بود خواهیم کرد ۲۰ - برای تضمین صحت انتخابات لازم است وزارت جنگ تحت نظر دکتر مصدق باشد . ۳ - محال است آقای قوام در همان راهی که آقای دکتر مصدق قدم گذاشت طی طریق کند . ۴ - انگلیسها تمام تلاششان بر انداختن کابینه دکتر مصدق و آوردن دیگری است . ۵ - ما بدین جهت به مصدق علاقمندیم چون یقین داریم او تخطی از وطن خواهی و تعابلات ملت نمی کند . ۶ - آقای دکتر مصدق هر چه اعلامیه به ارتشی ها صادر می کردند اهدا " کوچکترین توجهی نمی شد . ۷ - پس از تحقیقات معلوم شد در کابینه قوام حتی یک نفر آدم با شرف و با وجدان شرکت نمی کند .

(قیام درخشان سی تیر)

دیگر بار نیز می گوئیم که مادر اینجا بهترین گفته ها و مطالب خود را از مدارک و مآخذ مخالفین دکتر مصدق و نهضت ملی می آوریم تا شبهه کوچکترین تعصب و غرضی نرود .

سپیده دم روز دوشنبه ۱۳۳۱/۴/۳۰ هنوز ستاره هادر آسمان نمایان بود و هوا روشن نشده بود که صدای زنجیر تانک ها و غرش موتورهای زره پوشها در فضای آرام و ساکت میدان بهارستان پیچیده و مردم آنجا را از خواب بیدار کرد . نزدیک ساعت ۷ صبح کامیون های نظامی از پادگان های مختلف و اطراف شهر وارد بهارستان شدند و پاسبان ها و سربازان را پیاده کردند . از دو روز پیش که احتمال وقوع حوادثی می رفت مرتباً " به نیروی نظامی در شهر به ویژه اطراف مجلس افزوده می شد . نظامیان در سپیده دم روز سی تیر همه جای شهر را اشغال کرده بودند و روی پشت بام ها سنگر بندی شده بود و سربازان دورادور میدان را در محاصره داشتند .

امام جمعه تهران ( رئیس مجلس ) که طرز انتخابش از مهاباد داستان شنیدنی دارد ! در حالیکه آثار ناراحتی خیال و پریشانی حواس از وجناتش کاملاً " پیدا بود صبح زود به مجلس آمد و رئیس گارد مجلس را که بعد از اجزای قاتلین افشار طوس از آب درآمد به نزد خود خواند و دستورات لازم و کافی را صادر کرد .

اکثر نمایندگان نهضت ملی نیز شب را در مجلس مانده بودند و آن هائی



هم که نبودند صبح زود آمدند اما از آن ۴۱ نفری که به قوام السلطنه رأی دادند هیچکدام در مجلس نبودند .

در میان مردم سخن از حوادث و رویدادهای قریب الوقوع بود و احتمال کشت و کشتار را می دادند . هرکس که وارد مجلس می شد خبر از زد و خورد مردم با مأموران در یکی از نقاط شهر می داد . خبرهای وحشت آور پشت سرهم به مجلس می رسید . در نخستین ساعات روز سیل جمعیت شروع به آمدن کرد آنان نخست در اطراف و سپس داخل میدان بهارستان جای می گرفتند . همه در وحشت و اضطراب بودند که ناگهان فریادهائی از گوشه جنوب غربی میدان بهارستان به هواخواهی دکتر مصدق برخاست و بلافاصله پلیس با جیب بدان سوی حمله برد و زد و خورد شروع شد . حدود ساعت ۹ سیل جمعیت دیگری از سوی خیابان شاه آباد نمایان شد . هرچه مردم جلوتر می آمدند فریاد آن ها شدیدتر می شد . نعش نخستین شهید راه وطن ساعت ۹/۵ وارد میدان بهارستان شد . مردم جنازه جوانی را که در بازارچه مروی نزدیک شمس العماره کشته شده بود روی تخته چوبی گذارده و پیشاپیش جمعیت حرکت می دادند . ورود چنین جمعیتی با این ترتیب برشور و هیجان دیگران افزود پلیس و سربازان به مردم حمله بردند اما مردم نیز با مقاومت درخور تحسین و ستایشی سربازان را از روی اسب ها پیاده می کردند و جیب های شهربانی و ارتشی را آتش می زدند . حملات مردم سینه چاک و از جان گذشته به مأموران مسلح هیجان را در درون مجلس به منتها درجه رسانید . عده ای به طرف اطاق رئیس مجلس و جمعی بطرف دفترگارد مجلس دویدند آثار ترس و وحشت از قیافه همه کاملاً مشهود بود . در این اثناء یکی از افسران بدنام گارد مجلس برای حمله به طرفداران نهضت ملی خود را به باغ مجلس رسانید و با فریاد گفت ( افراد آماده به خط . . . ) سرباز ها مثل مور و ملخ از پاسدار خانه بیرون ریختند و پشت نرده ها و دیوار مجلس و بالای شیروانی ها سنگر بندی کردند . از این طرف نیز جمعیت همه خیابان ها و میدان مجلس را پر کرده بسوی نرده ها به جلو می آمدند . به گفته روزنامه های اطلاعات و کیهان فریاد مرده باد قوام و زنده باد دکتر مصدق رهبر ملت ، میدان بهارستان را به لرزه در آورده بود .

عده‌ای از درب آهنی مجلس بالا رفتند تا خود را به داخل برسانند که صدای گلوله بلند شد و به دنبال آن صدای رگبار مسلسل‌ها از تانک‌ها و زره پوش‌ها برخاست . سیل جمعیت ناچار فریاد کنان به اطراف سرچشمه و سه راه ژاله و شاه آباد عقب نشست و قوای نظامی به جلو آمد و شروع به حمله کرد و پلیس سوار نیز برای پس راندن جمعیت به طرف اکباتان و صفی‌علیشاه وارد کار شد . صدای انفجار نارنجک‌ها و ترکیدن گازه‌های اشک‌آور و صدای رگبار مسلسل و شلیک تفنگ و فریادهای بی‌دری مردم وضع جنگی کاملاً " عیاری را به وجود آورده بود . صدای مهیب چرخ تانک‌ها و سوت زره پوش‌ها و صدای سهمگین انفجار نارنجک‌ها و رگبار مسلسل‌ها میدان بهارستان را به میدان جنگ تمام عیاری تبدیل کرده بود . دیگر بار جوانان از جان گذشته " میهن مادست به یورش زدند و به سرعت حمله کردند این بار تانک‌ها در محاصره مردم قرار گرفت و برخی نیز از کار افتاد و مبارزان راه آزادی در تیررس نظامیانی که سنگر بندی کرده بودند قرار گرفتند . آن‌ها می‌کشتند و این‌ها پیش می‌رفتند .

تمام کارکنان و کسانی که در داخل باغ مجلس بودند خود را از آن طرف به پای نرده رسانیده و شروع به همدردی با مردم می‌کردند . داخل و خارج مجلس یک پارچه احساسات شده بود . همه فریاد می‌زدند و زنده باد و مرده باد می‌گفتند . رئیس مجلس وحشت زده کنار پنجره ایستاده و ناظر کردار شرم‌آور و خیانت آمیز خود و . . . . . بود ( یک طرف نیروی اضیل توده " مردم و طرف دیگر قدرت یک مشت جنایت‌کار که می‌رفت به مدت سی سال دیگر سلطه " ضد انسانی خود را به باری بیگانگان تحکیم بخشند ) . مردم در حال جنگ و گریز و گروهی فداکار نیز در حال جان دادن و شهید شدن وعده انگشت شماری هم در حال کشتن و ایجاد وحشت کردن .

عده‌ای از نمایندگان نهضت ملی به طرف اطاق رئیس مجلس هجوم بردند و فریاد زدند این چه وضعی است ؟ چرا مردم را به گلوله می‌بندید ؟ چرا ساکت نشسته‌اید ؟ . در این هنگام مردم مجدداً " به یورش بعدی دست زدند و از سوی شاه آباد ، صفی‌علیشاه ، خیابان ملت ، سرچشمه ، ژاله و

دیگر کوجه‌ها حمله کردند و خود را برق آما به تانک‌ها و زره‌پوش‌ها رساندند و با فریاد جلو آمدند. در یک سو مردم بی‌اطلاع از تاکتیک‌های نظامی اما با ایمان و اخلاص و عشق به وطن و در سوی دیگر مثنی اوباش خود فروخته و حر تاها مسلح به عنوان فرماندهان با آتش بیمار معرکه، مردم در وضعی از هیجان روحی و احساسی قرار گرفته بودند که دیگر ارزش جان برایشان مطرح نبود با یک یورش تند و سریع خود را به مجلس می‌رساندند و آنگاه که با رگبار نظامیان (ارتش شاهنشاهی) مواجه می‌شدند با دادن کشته عقب می‌نشستند و بار دیگر از خستگی نظامیان استفاده کرده مجدداً حمله می‌کردند.

هیچ وسیله دفاعی به جز چوب، سنگ، آجر نداشتند. چیز عجیبی که آن روز تأثیر هنگام بکرات دیده می‌شد و هرگز فراموش نمی‌شود این بود که بهیچوجه هیچکدام از مردم حاضر نبودند شهیدان را تحویل نیروهای نظامی بدهند بلکه برادران کشته یا زخمی خود را چون جان شیرین در آغوش می‌فشریدند و با خود به کناری می‌کشیدند. نمی‌دانم چه احساسی به افراد نظامی (فرمانبردار) در آن روز دست می‌داد ولسی برای توده مردم دیگر ارتش ایران با نیروی بیگانه فرقی نداشت. درگرم‌گرم مبارزه و کشت و کشتار مردم بی‌دفاع و دست از جان شسته و هنگامی که به جز صدای گلوله و رگبار مسلسل و ترکیدن نارنجک صدائی دیگر بر نمی‌خاست و زمانی که مردم به جنگ و گریز پرداخته بودند و از هر سو کشته‌ها چون برگ خزان به زمین می‌ریخت ناگهان یک تا کسی که با زحمت بسیار زیاد خود را به درب مجلس رسانیده بود ایستاد و از آن آقای مهندس حسینی با لجه برافروخته و خشمگین و دهان کف‌کرده فریاد زنان پیاپی شد و سراسیمه بسوی اطاق رئیس مجلس دوید.

در اطاق رئیس مجلس محشری برپا شده بود نمایندگانی که وارد می‌شدند با تعرض و فریاد از حوادث خونینی که خود شاهد آن بودند سخن می‌گفتند و دیگران را بیشتر ناراحت و وحشت‌زده می‌کردند.

حتی روزنامه‌های مزدور و اجنبی خواه پنجاه ساله که در این روز توانستند منتشر شوند هر یک به نحوی تحت عنوان یک اقدام متهورانه جزایان مبارزات توده مردم را توصیف و تشریح کردند، نزدیک به ساعت ۱۱ که در میدان

بهارستان جز سرباز و تانک چیز دیگری نبود گروهی از مردم فداکار و از جان گذشته از سوی غرب به شدت هجوم آوردند . اقدام این گروه آنقدر شجاعانه بود که باعث شگفتی و تحسین حاضرین درباغ مجلس شد . این عده در زیر باران گلوله و انفجارهای بی‌دری خود را به پشت نرده‌های مجلس رساندند و فریاد می‌زدند که ما انتقام خون شهدای خود را خواهیم گرفت . . . . و به دنبال آن گروهی از زنان که فرزندان خود را از دست داده بودند شیون‌کنان و سرو سینه زنان به مجلس رسیدند و منظره‌ای تأثر انگیز به وجود آوردند به حدی که همه گریستند و جوانان آتشی با احساسات تندتری به حمله مبادرت می‌ورزیدند . یکی از زنان خود را به رئیس مجلس رساند و به شدت وی را مخاطب قرار داده و شروع به دشنام دادن کرد . رئیس مجلس ( امام جمعه تهران ) به‌تندی تصمیم گرفت که به سعدآباد برود و با اتومبیل خود حرکت کرد اما چند قدمی نرفته بود که مورد حمله مردم قرار گرفت و شیشه‌های اتومبیلش با سنگ و چوب خرد شد و ناچار برگشت .

در حدود ساعت ۱۱ صبح خبر رسید که بیش از دوهزار نفر از اهالی خیابان گرگان در محیت آیت‌الله کاشانی درحالی‌که همه کفن پوشیده‌اند آماده حرکت به سوی میدان بهارستان هستند . این خبر هیجان انگیز بود و بلافاصله به دستور مقامات ارتشی شش تانک و چندین زره پوش و کامیون سرباز به سوی خیابان گرگان حرکت داده شد .

پتدریج مردم در اثر دیدن کشته‌ها و جنازه‌ها جری‌تر شده و با هیجان شدیدتری جلو می‌آمدند . کم‌کم حمله مردم جسورانه‌تر و بی‌باکانه‌تر می‌شد . دیگر مردم سینه‌ها را جلوی تانک‌ها می‌دادند . از ساعت ۱۱/۵ به بعد بر تعداد کشته‌شدگان لحظه به لحظه افزوده می‌شد و مردم که نعش‌ها را به ما موران نمی‌دادند آن‌ها را در خیابان اکباتان جمع کرده بودند . این نعش‌ها بر تهنیج مردم می‌افزود . مردم به‌راهن خونی کشته‌شدگان را بر سرچوب‌ها کرده و فریاد می‌زدند این‌ها شهدای وطن هستند . جوانان از جان گذشته در لحظات واپسین حیات نیز دست از آرمان خود بر نمی‌داشتند و با خون خود به‌پام آزادی به‌درو دیوار می‌نوشتند . جوانی با خون گرم خود به کف خیابان

داغ چنین نوشته بود : این خون زحمتکشان ملت ایران است ، زنده باد مصدق  
مرگ بر قوام ها . . . . . ( عکس این جوان موجود است )  
زنی پنجاه ساله با دختر ۱۶ ساله خود جلوی سربازان ایستاده بود و  
بهیچوجه از برابر آنان کنار نمی رفت ، بچه ها و نوجوانان با سنگ و آجر از حرکت  
و کار کردن هر نوع وسیله ای جلوگیری می کردند و گوششان به حرف احدی  
بدهکار نبود .

بنابه نوشته روزنامه کیهان ( که در آن زمان سه وکیل مخالف نهضت  
ملی در مجلس داشت ) « از موضوعات بی سابقه ای که در حوادث سی تبر تهران  
جلب توجه می کرد یکی هم احساسات زن های پیرو جوان و تظاهرات شدید آن ها  
بر له دکتر مصدق بود . در میدان بهارستان یک خانم چهل ساله بالای دوش  
چند زن جوان رفته و طی نطق خود توده مردم را سخت تهیج می کرد و چون  
لحظه به لحظه به تعداد مردم افزوده می شد ، مأمورین به سرعت یورش بردند  
و در نتیجه یک پسر بچه ده - دوازده ساله گلوله خورد و به قتل رسید . »  
زن ها در سایر نقاط شهر مخصوصاً " بعد از ظهر در میدان بهارستان  
سخت ابراز احساسات می کردند و این امر تا آن زمان ( و حتی تاکنون ) بی سابقه  
است .

مأموران برای گرفتن نعش ها از مردم تلاش بسیار می کردند ولی موفق  
نمی شدند . مردم نعش ها را در خیابان ها می گرداندند و به همه کامیون های  
نظامی حمله می کردند .

تا آنجا که به یاد مانده است در آن روز افراد فرومایه و تبهکاری چون  
سرهنگ قربانی ، سرهنگ برخوردار ، سرهنگ گیلانشاه ، سرگرد صیرفی ،  
سرگرد شهرستانی ، ستوان فاطمی در بهرون مجلس در کشتن مردم پیشقدم  
بودند و ترس و هراسی از کشتن افراد بی دفاع و هموطنان شرافتمند به خود  
راه نمی دادند و با اینگونه درندگی ها نفرین ابدی را برای خود و سرافکنندگی  
را برای خانواده خود می خریدند در باغ مجلس نیز اشخاص تبهکاری چون  
سرهنگ زاهدی و . . . . مشغول خوشرقصی و خوش خدمتی بودند تا آنجا که  
هدهای از نمایندگان در داخل مجلس به روی سرهنگ قربانی ریختند و با

مشت و لگد او را زدند .

نام افراد پستی که در آن روز به خدمت بیگانه بودند اکنون پیش روی ما است . ای کاش امکان داشت تا نام همه آن ها را می نوشتیم که مردم بدانند و آنان را بشناسند و ننگ و رسوائی برای همیشه برایشان بعاند . از ساعت سه بعد از ظهر رفته رفته ازدیاد جمعیت به اندازه ای شد که دیگر هیچگونه وسیله ای قادر به حرکت نبود . شعارهای زنده باد دکتر مصدق . مرگ بر قوام خائن و . . . . مرتبا " شنیده می شد مرحوم کریم پور شیرازی مدیر روزنامه شورش می گفت : " برادران و قهرمانان عزیز . این نهضتی را که امروز شما برای آزادی و استقلال ایران شروع کرده اید در تاریخ مشروطیت ایران و کشورهای خاور میانه بی مانند است . هیجان و ابراز احساسات توده مردم به اندازه ای بود که ما توانائی وصف آن را نداریم .

مثلا " یکی از نخستین مراکزی که تظاهرات را شروع کرد دانشگاه تهران بود . اندکی پس از شروع تظاهرات عده ای پاسبان و سرباز مغول وار به آنجا رسیدند تا از تظاهرات جلوگیری کنند اما کاری از پیش نبردند . دانشجویان موج به موج جلو می رفتند و سبکبال با " فرار " و " قرار " نیروی نظامی را این سو و آن سو به دنبال می کشیدند و بینشان فاصله می انداختند و با جنگ و گریز توده مردم را به شیوه درست و آگاهانه مبارزه خیابانی آشنا می ساختند . بنا به نوشته روزنامه کیهان ( ۱۳۳۱/۴/۳۰ ) عناصر چپی از لحاظ " فرار " و " قرار " از سایر دستجات با تجربه تر بودند و به همین جهت در بسیاری از خیابان ها ابتکار عملیات ( در برابر مأموران نظامی ) در دست آن ها بود زیرا وقتی که مأموران برای تفرقه تظاهرکنندگان دست به حمله می زدند اینان مردم را تشویق به مقاومت و رفتن به کوچه ها می کردند . افراد ورزیده احزاب ملی در آن روز در مقاومت در برابر مأموران نظامی و مسلح پشت سرهم به معابر گوناگون می گریختند و سپس باز می گشتند و حملات خود را از نقطه نخستین شروع می کردند .

از سایر نقاط شهر نیز مردم دسته دسته به طرف خیابان های اصلی شهر مخصوصا " بهارستان هجوم می بردند و همه برای برخورد با یک رویداد

شهر منتظره خود را آماده می‌کردند ، مردمی که از سمت بازار به سوی سرچشمه و مجلس به راه افتاده بودند شهیدان بازار را روی دست می‌بردند .  
روزنامه های عصر زیر عنوان قتل و خونریزی اشاره به فشرده‌ای از کشت و کشتارها در خیابان های شهر کرده‌اند . در ناصر خسرو و بازار شدت تیراندازی و حمله به مردم خیلی شدید بود و چندین نفر کشته شدند که مردم جنازه‌ها را روی تخته می‌گذاشتند و بسوی پزشک قانونی به راه می‌افتادند .  
در برابر زندان دادکستری و روبروی روزنامه ، اطلاعات نظامی ها بی رحمانه به مردم بی سلاح حمله می‌کردند . حتی روی ستون های پارک شهر و باغ ملی زد و خورد شدیدی میان نظامی ها و مردم درگرفته بود . در خیابان هائی که به کاخ اعلیحضرت منتهی می‌شد مقاومت نظامی ها بیشتر و تعدادشان هم فزونی داشت در برابر منزل قوام نیز زد و خورد شدیدی درگرفته بود و فریاد مصدق را می‌خواهیم به آسمان بلند بود در اینجا سرهنگ گیلانشاه در اثر حمله مردم با پاره آجر مجروح شد ( و بعداً " هم برای این شجاعت و رشادت در میدان جنگ امدال گرفت ) با همه کشت و کشتار و رگبار مسلسل ها و انفجارات گوناگون از احساسات و مقاومت و سرسختی توده مردم چیزی کاسته نمی‌شد بلکه هر آن به نیروی پایداریشان افزوده می‌شد .

در خیابان اکباتان مقاومت و ایستادگی بی‌مانندی از طرف مردم می‌شد . انتشار روزنامه‌های شاهد ( ارگان حزب زحمتکشان ) سرچمدار ( ارگان پان ایرانیست‌ها ) جوانان دموکرات و بسوی آینده ( حزب توده ) و پخش فوق‌العاده‌های حزب ایران و سایر دستجات یک اتحاد بی‌مانندی در مقاومت توده مردم به وجود آورده بود . در حوالی شمس‌العماره مردم به کامیون های ارتشی حمله می‌کردند و حتی هنگام تصرف یک اتومبیل از میکرفن داخل آن استفاده کرده و دیگران را به مبارزه تشویق می‌کردند . نزدیکی های ظهر اوضاع چهار راه مخبرالدوله بسیار وخیم گزارش شده بود و مردم خشمگین حالت حمله به خود گرفته بودند و در نخستین پورش خود سرگرد صیرفی مسئول انتظامات این ناحیه را مجروح ساختند .

این سرگرد پلیس در ساعت ۱۲ و ۲۰ دقیقه با بی سیم خود به فرماندار

نظامی چنین می‌گوید: چنین به نظر می‌رسد که مردم تصمیم دارند مجتمع شده ضمن استفاده از خستگی افراد حمله شديدي را شروع کنند. به نظر اینجانب نیروی تازه نفس لازم است... فضا " خود اینجانب بطوری مجروح شده‌ام که نیم ساعت دیگر قادر به ایستادن نیستم ولی اینجانب از مرگ باک ندارم و نره‌ای فروگذار با سستی نخواهم کرد.

(ملاحظه می‌فرمائید که با فرور اقرار می‌کند که در کشتن مردم ذره‌ای سستی نمی‌کند).

در ساعت یازده و نیم از طرف یک جیب خودکار با بی‌سیم به شهربانی اطلاع داده شد که در خیابان ژاله یکی از اتومبیل‌های بی‌نمره دربار که متعلق به یکی از شاهپورها (شاهپور علی‌رضا) بود مورد هجوم مردم قرار گرفته‌است فوراً به کمک بشتابید. به مجرد وصول این خبر چند کامیون سرباز و چند تانک از مخبرالدوله بطرف خیابان ژاله حرکت کرد و لحظه‌ای بعد اتومبیل بی‌نمره دربار با این طرز و تفصیل و پیروزمندانه با بطرف شیران حرکت کرد. بهانه نوشته روزنامه (اطلاعات، کیهان، شهباز...) "قبلاً برای حرکت دادن و کمک به این ماشین بی‌نمره دربار که حامل شاهپور علی‌رضا بوده است (و ظاهراً "ا" معلوم نبود که از کجا و برای چه کار آنجا آمده است) از سرگرد صیرفی کمک خواسته بودند و وی گفته بود که اگر سربازان را جهت مشاقت شاهپور علی‌رضا جمع کنیم مردم به ما حمله خواهند کرد و بالاخره از میدان شاه‌آباد کمک فرستادند. یک جیب شهربانی در جلو بود و چندین پاسبان نیز با هفت تیرهای لخت به دنبال و اتومبیل شخصی سرهنگ برخوردار نیز پشت سر آن‌ها و درحالی‌که مرتباً "شلیک می‌کردند و چند کامیون سرباز نیز از پشت سر و طرف آن را احاطه کرده بودند شاهپور علی‌رضا را (پس از تیراندازی‌های زیاد به سوی مردم) از میدان بدر بردند.

لحظه‌ای پس از عزیمت شاهپور علی‌رضا مشاهده شد که عده‌ای از سمت خیابان و سه راه ژاله اجساد چند جوان را که به روی تخته گذارده بودند به میدان بهارستان آوردند سربازان نخست می‌خواستند مانع شوند اما از اتفاق نادر و استثنائی این که هنگامی که افسران برای جلوگیری پیش رفتند در اثر



مشاهده وضع اجساد وزخمی‌ها و لاشه‌جوانان تکه‌وپاره شده و نیز مشاهده مردمی که به شدت شهیج شده بودند و گریه می‌کردند بی‌اختیار روی برگرداندند .  
 بتدریج آثار نافرمانی از دستورهای فرماندهان نظامی مبنی بر کشتن توده مردم در میان نظامیان آشکار می‌شد . نگارنده به خاطر دارد که آن روز برخی از سربازان و درجه‌داران کم کم بانگ‌اعتراض نسبت به دستورات افسران برآورده بودند . آسوشیت‌پرس در این باره گزارش داده بود که :  
 نزدیک میدان توپخانه سه هزار نفر از مردم به طرف یک‌تانک حمله ور شدند ولی سربازان و مردم به جای حمله ، یکدیگر را در آغوش کشیدند و بوسیدند . بازی همه نیرنگ‌ها و تدبیرها کارگر نیفتاد و با وجودی که امراء و فرماندهان جنگ لحظه به لحظه همه دستورات و فرامین صادره را موبه‌مواجرا کردند مع‌الوصف به جز کشتن وزخمی کردن بیش از صد هانفر از مردم تهران کاری از پیش نبردند و ناچار مانند دیگر موارد پنجاه ساله آهنگ هزیمت و عقب‌نشینی اختیار کردند .

بی‌اغراق تاکنون ماجزئی از حوادث سی‌تیرا ننوشته‌ایم و هم‌ايش از رویداد چند ساعته برابر مجلس سخن گفته‌ایم . مانند این حوادث و شدیدتر از آن در سبزه‌میدان تهران ، میدان شاه ، میدان سپه ، شاه‌آباد ، سعدی ، فردوسی و . . . . بگونه‌ای دیگر در همه شهر جریان داشت که امکان نشر همه این‌ها نیست و از همه این‌ها مهمتر حوادثی بود که در شهرستان‌های گذشت و متأسفانه مانند تهران هیچگاه منعکس نشده است و جوانان و شهیدان حماسه آفرین نهضت ملی ایران که به خاک رفته‌اند در گمنامی باقی مانده‌اند .  
 در قیام سی‌تیر تمام مردم از هر حزب ، دسته ، جمعیت و از هر صنف و طبقه با هم آهنگی و یگانگی کامل و قابل ستایشی شرکت داشتند و شعار اصلی آن‌ها « مرگ بر حکومت ننگین قوام » و « زنده باد دکتر مصدق » بود .  
 در سی‌تیر بدون تردید حتی یک خبرنگار داخلی یا خارجی به زشتی از قیام حماسه آفرین ملت ایران یاد نکرد . بنابه گزارش همه خبرنگاری‌های خارجی مردم دنیا با شگفتی و علاقه و احساس خاص استثنائی قیام ملت ایران را بی‌گیری می‌کردند .

روزنامه اطلاعات ۱۳۳۱/۵/۱ نوشت . . . . . حوادث خوبی که در برابر مجلس روی داد و منتهی به پیروزی ملت و ابراز تمایل به دکتر مصدق شد در تاریخ معاصر ایران حائز اهمیت می باشد .

قیام سی تیر که تظاهر درختان و پرشکوه اراده و ایستادگی مردم در برابر اهریمن و بیگانه بود دکتر مصدق را دوباره به نخست وزیری رساند و شکست و سکوت موقت دربار و عوامل استعمار و ارتجاع و بیگانه پرستان را باعث شد و ما در برابر این همه شجاعت و از جان گذشتگی سر تعظیم فرود می آوریم . بنا به گفته ارسنجاسی ، آقای قوام روز سی تیر که مانند برگ خزان جوانان ما را به زمین می ریختند در باغ سفارت آلمان استراحت می کرده است و یادو ها و دلالان معتبر بیگانه و نمایندگان دربار و فئودال ها نیز مرتباً به آنجا رفت و آمد داشته اند که اساساً موجود است . مثلاً " ناصر ذوالفقاری ( برادر محمد ذوالفقاری که هر دو به قوام رأی تمایل داده بودند ) هرقریزان می رسد و می گوید شهر خلوغ شده است ولی ما مورس مثل اینکه میل ندارند جلوگیری کنند ( با آن همه گشت و گشتار ) اینکه کار نمی شود ما با همه چیز خودمان بازی کرده ایم . اگر قرار باشد با سهل انگاری کار صورت دیگری پیدا کند وضع ما به خطر خواهد افتاد . . . . . دیگری خبر آورده بود که در میدان سه یک سرهنگ از تانک بیرون آمد و پاکون خود را کند و نعره زد که من بطرف مردم شلیک نمی کنم و خود را تسلیم مردم می کنم . . . . . و باز خبر می رسد که مردم در شهر شعارهای ضد شاه و ضد قوام می دهند . . . . .

آقای ارسنجاسی می نویسد در این اثنا آقایان علاء و سپهبد بزدان پناه آنجا آمدند . . . . . علاء به قوام می گوید جناب اشرف لابد از اوضاع شهر استحضار دارید . قوام می گوید : تظاهرات مختصری شده و چند نفر مجروح شده اند . علاء می گوید : خیر قربان نزدیک پانصد نفر کشته شده اند وضع خیلی خطرناک است . قوام می پرسد : شما از کجا می دانید ؟ . علاء می گوید : فرماندار نظامی اطلاع داده است . قوام با قیافه برافروخته می گوید :

فرماندار نظامی چرا به من که رئیس دولت هستم اطلاع می دهد ؟ این چه برتری است ؟ یعنی چه ؟ . . . . . پس معلوم می شود که آقایان هر چه خواسته اند

کرده‌اند و به حساب من گذارده‌اند . . . . علاء می‌گوید : در هر حال مسلما " در تهران جوی خون جاری شده است .

آقای ارسنجانی می‌افزاید : نزدیک ساعت چهار بعد از ظهر از شهر خبر آوردند که نیروهای انتظامی شهر را ترک کرده‌اند و مردم کلانتری‌های را اشغال کرده‌اند و برای اشغال ادارات دولتی تلاش می‌کنند . ساعت پنج بعد از ظهر قوام السلطنه به دربار رفت و استعفا داد در حالیکه در آن موقع اداره راديو در اشغال اعضای حزب ایران ، زحمتکشان ، جبهه ملی بود . در حدود ساعت پنج ونیم حسین علاء وزیر دربار تلفنی به آقای مهندس احمد رضوی رئیس فراکسیون نهضت ملی اطلاع می‌دهد که قوام استعفا داده است و ضمنا " ( واز طرف دربار ) دستور اکید داده شده که نظامی‌ها فوراً به سربازخانه‌ها برگردند . پس لازم است که آقایان فراکسیون نهضت ملی خودشان امنیت شهر را مورد توجه قرار دهند .

فراکسیون نهضت ملی برای حفظ نظم و امنیت شهر و انتشار استعفای قوام فوراً طی جلسه‌ای ترتیباتی اتخاذ کرد . آقایان حسین مکی ، مهندس حسینی ، پارسا خبر استعفای قوام را به اطلاع مردم رساندند . . . .

آقای ارسنجانی در دنباله اظهارات با بهتر است که گفته شود اعترافات خود می‌افزاید : " در قیافه جوان‌ها ، پیرها ، غرور و افتخار فوق‌العاده‌ای می‌دیدم و از این نیروی زنده‌کننده‌ای که مردم را به حرکت درآورده بود لذت می‌بردم . . . . آیا اینها همه مایه غرور و افتخار نمی‌تواند باشد ؟ مسلما " چرا . . . .

ساعت ۷ بعد از ظهر روز سی‌تیر مردم به سوی خانه دکتر مصدق رهسپار شدند . . . . دکتر مصدق در حالیکه به شدت می‌گریست گفت ای کاش من مرده بودم و ملت ایران را اینطور عزادار نمی‌دیدم . . . . و سپس افزود ای مردم من به جرأت می‌گویم استقلال ایران از دست رفته بود ولی شما بارشادت خود آن را گرفتید . . . .

روز ۱۳۳۱/۴/۳۱ دیگر از افراد پلیس و سرباز در خیابان‌های تهران خبری نبود . زیرا نیروهای پلیس و نظامی جرأت آشکار شدن را نداشتند .

حفظ نظم شهر به عهده یک عده از جوانانی بود که به سینه خود نوار سیاه رنگی نصب کرده بودند با وجود اجتماعات بیش از اندازه‌ای که در این روز در گوشه و کنار تهران تشکیل شد و سخنان تنیدی که ایراد گردید کوچکترین بی‌نظمی دیده نمی‌شد. حتی ترتیب عبور و مرور و سائل نقلیه نیز به صورت منظم و توسط جوانان انجام می‌گرفت.

ساعت نه صبح جلسه سری مجلس تشکیل شد و از ۶۴ نفر عده حاضر در جلسه ۶۱ نفر به دکتر مصدق رأی اعتماد دادند.

جالب است که روزنامه اطلاعات مانند همه بیگانه‌پرستان در روز ۱۳۳۱/۴/۲۹ که مردم به مؤسسه‌اش حمله بردند آنان را آشوبگران و عناصر ماجراجو که به دنبال اغراض شخصی هستند نامید و روز قیام ۱۳۳۱/۴/۳۰ خاموش شد و روز ۱۳۳۱/۵/۱ در سرمقاله خود تحت عنوان ماتم عمومی آنان راجوانان پرشور و مردانی که شوری وطن‌پرستانه در سرداشتند خواند و نوشت که افتخار جاویدان برای خود و خانواده خود ذخیره ساختند.

در این باره در تسلیتی که به امضاء وزیر دربار (نه اعلیحضرت همایونی) صادر شد از قیام درخشان سی‌تیر به نام وقایع تأسف‌آور یاد شده است.

بالاخره در سی‌ام تیرماه ۱۳۳۱ پیروزی دیگری برای ملت ایران به دست آمد و اوایل شب خبر اعلام رأی دیوان دادگستری لاهه مبنی بر عدم صلاحیت آن دادگاه در رسیدگی به مسئله نفت به تهران رسید. این رأی که حقانیت ملت ایران را در مبارزه با استعمار انگلیس ثابت کرد پیروزی سی‌تیر را کامل کرد تا آنجا که اعلیحضرت همایونی هم شخصاً "زبان به ستایش گشودند.

موفقیت ایران را در دادگاه لاهه به عموم هموطنان عزیز از صمیم قلب تبریک می‌گویم و بدینوسیله از اهتمام جناب آقای دکتر مصدق نخست‌وزیر و تمام ملت ایران که در این راه همصدا بوده‌اند قدردانی و تشکر می‌نمایم. این پیروزی قدم مهمی است در راه توفیق نهائی و رسیدن ایران به آمال و

آروزهای ملی محمد رضا پهلوی ۱۳۳۱/۵/۱

نظر شاه ایران در مورد سی‌تیر و رأی دادگاه لاهه و انشاء دومتن، حاوی

یک دنیا معنی است که نمی‌شود به تنیدی از آن گذشت.

رویتر بلافاصله پس از این دو حادثه گزارش داد که انگلستان مأیوس است و در لندن بطور کلی نظر بر این است که با صدور این رأی موضعیت دولت دکتر مصدق برای مذاکره و معامله محکوم شده است.

روزنامه سوانسیمن ( ۳۱/۵/۱ ) ضمن اشاره به قیام سی‌تیر نوشت :  
حوادثی که اخیراً در ایران روی داده است مراجعت شرکت نفت انگلیس را به ایران غیر ممکن می‌سازد.

روزنامه پی‌صاح چاپ ترکیه ( ۱۳۳۱/۵/۴ ) پس از این حادثه نوشت : . . . خوب بود رادیو آنکارا که از آغاز ملی شدن نفت در ایران بهیوست علیه ایران و به نفع انگلیس تبلیغ و تفسیر می‌کرد از قاضی انگلیسی ( که در دادگاه لاهه به زبان دولت خود رأی داد ) درس عبرت می‌گرفت.

و روزنامه سوسیالیستی شن و لک نیز نوشت که سیاستمداران قدیمی ایران هر یک به نوبه خود امتحان خویش را داده‌اند و تا کنون نتوانسته‌اند بر قلوب مردم حکومت کنند قوام هم یک عامل استعمار انگلیس بود.

خبرگزاری فرانسه در تاریخ ۱۳۳۱/۵/۱۵ گزارش داد که : عوامل سوسیالیست جبهه‌طلبی با تمام قوا تلاش می‌کنند که اوضاع را به نفع طبقه بیوا تغییر داده و از فشاری که بر دوش توده مستمند وارد می‌شود بکاهند . تحت تأثیر قیام سی‌تیر ملکه مادر و شاهدخت اشرف به علت تحریکات و کارشکنی‌هایی که در راه پیشرفت نهضت ملی مقدس ایران می‌کردند و به دلیل دخالت مستقیم در این ماجری از ایران تبعید شدند .

دفاتر مخصوص شاهدخت‌ها و شاهپورها بسته شد و اجازه تماس مستقیم با ادارات دولتی از آنان گرفته شد .

بنا به گزارش رویتر شاهدخت اشرف پهلوی که برای فراهم کردن مقدمات سقوط دکتر مصدق در تاریخ ۱۳۳۱/۴/۱۵ به تهران آمده بود روز ۱۳۳۱/۵/۹ وارد رم شد . این خبرگزاری به نقل از روزنامه باخترا امروز می‌افزاید اناتیه شاهدخت اشرف بیست‌جامه‌دان بود که برای نخستین بار بوسیله مأمورین ایرانی گمرک بازرسی شده است . . . .

آقا، دکتر عبدالله عظمی در جلسه فوق‌العاده ۳۱/۵/۲ مجلس شورای

ملی که پس از قیام سی‌تیر تشکیل شد چنین گفت: «..... با کمال خضوع و فروتنی به روان پاک شهیدان راه آزادی و حریت و استقلال و شرافت ایران درود می‌فرستم و از درگاه خداوند متعال مسئلت می‌کنم که به ملت ایران در این مصیبت صبر و اجر کرامت و عنایت فرماید. و این جنبش و قیام ملی ثابت کرد که در مقابل اراده ملت هیچ قوه و قدرتی را تاب مقاومت و پایداری نیست و این نیروی عظیم هر مانع و رادعی را از میان برخواهد داشت..... روز سی‌تیر ماه سرزمین ایران عرصه این آزمایش بود. ملت ایران در این روز با خون خود و خون عزیزان خود به روی زمین ایران چند جمله نوشت که برای همیشه باید سرمشق فداکاران و وطن‌پرستان باشد.

اول نوشت در مقابل اراده ملت هیچ نیروی تاب مقاومت و پایداری نخواهد داشت پس از آن نوشت تسلیم و تمکین و رضا در برابر شادند و حوادث شیوه مردان غیرتمند نیست و باز نوشت ما با قطرات خون گرم خود درخت آزادی و عظمت ایران را که از شادابی و سرسبزی افتاده بود آبیاری کردیم تا تازگی و طراوت از سرگیرد و بارور و سایه‌گستر شود..... آخرین جمله‌ای که شهیدان راه آزادی با خون خود نوشتند این بود که همت کنید تا این شعله مقدس را که ما برافروخته‌ایم خاموش نشود.

در جلسه علنی ۱۳۳۱/۵/۵ نیز آقای مهندس حسینی در حالیکه به شدت می‌گریست و فریاد می‌زد چنین گفت: «آقایان ملت ایران بیدار است و حق خود را می‌گیرد و لو به هر قیمتی که باشد. روز سی‌تیر این مردم حتی چوب در دست نداشتند و با دست خالی جلوی گلوله و توپ می‌رفتند..... آقای حسینی به حال گریه گفت روز سی‌تیر واقعه‌ای اتفاق افتاد که دلم را ریش کرد و آن این بود که مردی لخت را که فقط یک پیراهن پاره پاره به تن داشت هدف گلوله قرار دادند و وقتی به زمین خور دو جان سپرد بدن او را واریسی کردند و دیدند که فقط یک تکه نان خشک در لای آستین پیراهن پاره خود دارد و او با این تکه نان که نهارش بود برای حفظ حیثیت و استقلال کشور آمده بود تا سینه خود را هدف گلوله قرار دهد (در این موقع عده زیادی از نمایندگان و تماشاچیان به صدای بلند به گریه درآمدند) حسینی فریاد می‌زد آقایانی که

اینجا نشتناید او با یک تکه نان خشک برای آن آمده بود که استقلال صیون  
خود را حفظ کند و هم او بود که برای شما شرافت خرید و آبروی شما را حفظ  
کرد تا بتوانید امروز اینجا بنشینید. ما که همه چیز داشتیم لیاقت این شهامت  
را ندانستیم.

مهندس حبیبی که کاملاً "تحت تأثیر احساسات بود مشت روی تریبون  
می‌کوبید و می‌گفت . . . . . لاقلاً این پشه را از گوش بیرون بکشید و بفهمید  
که دیگر ملت ایران خواب نیست . . . . . سرانجام مجلس شورای ملی در جلسه  
فوق‌العاده ۱۳۳۱/۵/۲ طی ماده واحده‌ای قیام سی‌تیر را که در سراسر کشور  
برای پشتیبانی از نهضت ملی ایران انجام پذیرفته بود قیام ملی و شهدای  
آن روز را شهدای راه آزادی‌شناخت و سبز قانون اختیارات دکتر مصدق را تصویب  
کرد.

(قانون قیام سی‌ام تیر و قانون اعطاء اختیارات)

با تأیید خداوند متعال . ما . پهلوی شاهنشاه ایران محل امضاء  
نظر به اصل بیست و هفتم متمم قانون اساسی مقرر می‌داریم :

ماده اول - قانون مربوط به شناسائی قیام روز سی‌ام تیر ماه ۱۳۳۱ به نام  
قیام مقدس ملی که در جلسه ۱۳۳۱/۵/۱۶ به تصویب مجلسین سنا و شورای  
ملی رسیده و منضم به این دستخط است به موقع اجراء گذارده شود.

ماده دوم - هیئت دولت مأمور اجرای این قانون هستند  
بتاریخ ۱۳۳۱/۵/۲۱ با تأیید خداوند متعال . ما . پهلوی شاهنشاه ایران

محل امضاء نظر به اصل بیست و هفتم متمم قانون اساسی مقرر می‌داریم :

ماده اول - قانون مربوط به اعطای اختیارات برای مدت شش ماه به شخص  
جناب دکتر مصدق نخست‌وزیر که در جلسه بیستم امرداد ۱۳۳۱ به تصویب  
مجلسین سنا و شورای ملی رسیده و منضم به این دستخط است به موقع اجراء  
گذاشته می‌شود .

ماده دوم - هیئت دولت مأمور اجرای این قانون هستند

بتاریخ ۱۳۳۱/۵/۲۱

(پهروز باد ملت)

(جاوید باد ایران)

تحلیلی از بیست و هشت ماه حکومت:

# دکتر مصدق

[www.iran-archive.com](http://www.iran-archive.com)



امید است نیندازید که مانند ما به گذشته می پردازیم و هدفی را در آینده دنبال نمی کنیم . هدف آینده ، تحقق آرمان های انسانی است که با يك مبارزه پی گیر و بی امان و همه جانبه امکان پذیر میگردد . منتها آنگاه نسل جوان می تواند درباره هدف های انسانی خود آگاهانه گام بردارد که حوادث و رویداد های مهم گذشته را که بی شك با آیند ما شبیهیوند ناگسستی دارد ، بداند و اکنون این را دنبال میکنیم با این تفاوت که می دانیم پژوهش درست و مستند کار دشواری است و در کشور ما دشوارتر و در شرائط کنونی دشوارترین کارهاست .

روز ۱۳۳۰ / ۲ / ۷ در مجلس شورای ملی به دکتر محمد مصدق رأی تمایل داده شد و ایشان هم به شرط تصویب قانون نهادهای خلعید از شرکت نفت انگلیس این پیشنهاد را قبول کرد و سه روز بعد رسماً به نخست وزیری منصوب شد و بدینوسیله حکومت جنبه ملی در شرائط طوفانی شروع به کار کرد . در اینجا باید نسل جوان را فقط به این نکته توجه داد که دکتر مصدق آخرین نخست وزیری بود که با رأی تمایل مجلس مصدر کار شد . نخست باید بدانیم که دکتر مصدق رهبر نهضت ملی کیست ؟ و سپس می پردازیم به اینکه حکومت جنبه ملی از ۱۳۳۰ / ۲ / ۱۰ تا ۱۳۳۲ / ۵ / ۲۸ چه کار کرده است .

#### ( دکتر مصدق کیست ؟ )

..... به من گناهان زیادی نسبت دادند ولی من خود می دانم که يك گناهی بیشتر ندارم و آن این است که تسلیم بیگانگان نشده و دست آنها را از منابع طبیعی ایران کوتاه کردم و در تمام مدت زمامداری در سیاست خود يك هدف داشتم و آن این بود که ملت ایران بر مقدرات خود مسلط شود .....  
دکتر مصدق در دادگاه فرمایشی سلطنت آباد

#### الف - مصدق از نظر دوستان

- ۱ - دکتر مصدق مردی است که در تاریخ ایران نظیر ندارد .  
مهندس احمد رضوی
- ۲ - ما در بین رجال ایران از همه بیشتر نسبت به دکتر مصدق خوش بین تریم  
محمد مسعود مدیر مرد امروز
- ۳ - اساساً شخصیت دکتر مصدق در آمریکا يك شخصیت بین المللی بود . همه

ماهل بودند این مرد آسپائی را که وارد يك مبارزه حیاتی با امپراطوری انگلستان شده است از نزدیک ببینند و با او آشنا شوند .

دکتر کسرم سنجابی ۱۳۳۰ / ۸ / ۱۹

۴- دکتر مصدق با نیروی ملت به روی کار آمده است

کشاورز صدر ۱۳۳۰ / ۸ / ۳۰

۵- ملت ایران پشتیبان سر سخت و فداکار دکتر مصدق است

ناظرزاده کرمانی ۱۳۳۱ / ۵ / ۹

### ب- نظر مخالفان و دشمنان

۶- چند سال پیش شخصی به نام دکتر مصدق بیش از هر ایرانی دیگر در تاریخ ایران موضوع مقالات و مندرجات روزنامه‌های آمریکائی و انگلیسی قرار گرفته بود . . . بیشتر افراد تصدیق میکنند که مصدق شخصاً مرد درست کاری بوده است .  
ماموریت برای وطنم صفحات ۱۰۴ ، ۱۰۵ ، ۱۲۷

۷- در آن موقع بحرانی میهن پرستی مصدق و محبوبیتی که بین مردم داشت برای کشور مغتنم بود .  
اعلیحضرت همایونی

۸- مصدق ، شاه شاهان را از صحنه سیاست کنار گذاشت و در واقع شروع به کندن دم شیر انگلیس کرد .

اندروتالی ( فصل هفتم سیا )

۹- انگلستان هنگامی مسئله نفت را حل شده می‌داند که دکتر مصدق ساقطشود  
کارل تالر ، یونایتد پرس ۱۳۳۰ / ۵ / ۳۱

۱۰- ما دکتر مصدق را از کار می‌اندازیم و بعد با جانشین او مسئله نفت را حل می‌کنیم  
وینستون چرچیل

۱۱- . . . خبر سقوط دکتر مصدق از اریکه قدرت زمانی به من رسید که با همسرم و پسرم در کشتی در میان جزایر یونان در درهای مدیترانه مشغول استراحت بودیم . پس از مدت‌ها آن شب خواب بسیار خوشی کردم . . .

آنتونی ایسدن نخست وزیر اسبق انگلیس

۱۲- دکتر مصدق هرچمدان پکسره کردن تکلیف شرکت نفت انگلیس و ایران شد و سپس به ابتکار وی قانون معروف به ملی شدن نفت تصویب شد .

جرج لنجانفسکی ، نفت و دولت در خاور میانه

۱۳- ما می‌توانیم با یک گارد مسلح و خطرناکی معامله بکنیم ولی معامله کردن با یک نفر شخصی متمصب و درستکار چون مصدق برای ما امکان ندارد . یکد پهلما  
انگلیسی در تهران ۱۲/۳/۱۳۳۰

۱۴- در صفحات تاریخ نیم قرن مبارزات سیاسی ، مصدق کوچکترین لکه غفلت و قانون شکنی مشاهده نمی‌شود و با کسانی که به ضرر ملت و مملکت کار می‌کردند مبارزه نموده و اندک توجهی به خطراتی که او را تهدید میکرد ، است نداشت .  
سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا ۱۷/۴/۳۰

۱۵- زمینه ذهنی مردم فعلاً طوری است که اگر کسی نود و نه و نیم درصد با مصدق همفکر باشد و نیم درصد نباشد مخالف و دشمن محسوب می‌شود .۰۰۰ من اعتقاد زیادی به این رجل استخواندار دارم و از ده سال قبل تا کنون مکرر وطن پرستی غیر قابل انکار و شهادت و ایمان راسخ او را ستودم .

خواجه نسوری ۱۶/۴/۱۳۳۰

۱۶- جناب آقای دکتر مصدق مرد هشیاری است .۰۰ در این مبارزه مرگ و زندگی احدی جز دکتر مصدق نمی‌تواند نقش رهبری را بعهده بگیرد .

ناصر ذوالفقاری ۹/۵/۱۳۳۱

۱۷- وقتی پرده‌ها بالا رفت معلوم شد که دکتر مصدق مثل کوه در مقابل بیگانگان ایستاده و زیر بار پیشنهادات آنها نمی‌برود .

حائز زاده ۱۰/۶/۱۳۳۰

۱۸- من از نظر سر سختی و از خود گذشتگی که دکتر مصدق برای احیای حقوق ایران و گسیختن زنجیر اسارت و بدبختی این ملت باستانی دارد با او همصدا هستم .  
عباس اسلامی ۹/۷/۱۳۳۰

۱۹- خدمات دکتر مصدق به اندازهای است که زبان لغتی ندارد که از ایشان تشکر کند .

قائم مقام الملک رفیع ۱۱/۷/۱۳۳۰

۲۰- دکتر مصدق مخلوق ملت است . من معتقدم که مردم به دکتر مصدق اعتقاد دارند .  
عبدالرحمن فرامرزی ۲۹/۷/۱۳۳۰

۲۱- دکتر مصدق شخصی است با ایمان ، وطن پرست ، صحیح العمل ، با شهادت سید مهدی فرخ ۲۲/۸/۱۳۳۰

۲۲- دکتر مصدق تمام اوقات خود را با وجود کسالت مزاج برای تجدید عظمت و عزت ایران و سعادت ملت مصروف می‌دارد .

آیت‌الله کاشانی ۱۳۳۰/۲/۲۹

۲۳- دکتر مصدق با افکار عمومی روی کار آمده است

دکتر بقائی ۱۳۳۱/۸/۶

۲۴- دکتر مصدق برگزیده مردم است و با طبقات مختلف پیوسته تماس دارد .

اطلاعات ۱۳۳۰/۲/۹

۲۵- دکتر مصدق ، تنها نخست وزیر ایران نیست بلکه وی مظهر تعالیات ملی و افکار عمومی است

اطلاعات ۱۳۳۰/۷/۱۰

۲۶- ملت به مراد و مقصود خود رسید . دکتر مصدق رهبر مبارزات ملی ایران بار دیگر زمام امور را به دست گرفت .

کیهان ۱۳۳۱/۴/۳۱

۲۷- دکتر مصدق شخصیتی است که به افکار عمومی تکیه دارد و بیش از هر کس به نظریات و عقاید ملت ایران واقف و آشنا می‌باشد

اطلاعات ۱۳۳۱/۶/۱۲

۲۸- امروز ملت ایران دارای دولتی است که در رأس آن شخصیت میهن پرست و اصلاح طلبی مانند دکتر مصدق قرار گرفته است

صدای آمریکا ۱۳۳۰/۲/۱۰

۲۹- دکتر مصدق پیروز شد و بدین ترتیب آخرین فصل کتاب عملیات شرکت نفت در ایران پایان یافت

رادیو لندن ۱۳۳۰/۷/۱۰

ج - نظر دیگران .

۳۰- دکتر مصدق بر اثر مبارزات آزاد یخواهی در مشروطیت ایران و بر اثر فشار محمد علی میرزا ناگزیر به ترك ایران و تبعید به اروپا شد .

انسیکلوپدیا بریتانیکا ( ۱۸۴۵ )

۳۱- ۰۰۰ هنگامی که مصدق در ایران به اصلاحات اساسی دست زد ما به وحشت افتادیم . این مرد که من بر خود می‌بالم که او را دوست خود بخوانم مردی دمکرات بود . ۰۰۰ ما با انگلیس‌ها همدست شدیم تا او را از میان برداریم .

در این راه توفیق یافتیم ولی از آن روز دیگر در خاور میانه از ما به نیکامی پسا د  
نشده است. . . .

- ویلیام دوگلاس قاضی دیوان عالی ایالات متحد ه  
۳۲- باید به ملت ایران تبریک بگویم که بعد از مدت‌ها یک شخص مخلص و با تدبیر  
زمام دولت را در دست گرفته و موجبات ترقی ایران را فراهم کرده است.  
مولانا ابوالکلام آزاد ۱۶ / ۲ / ۱۳۳۰
- ۳۳- دکتر مصدق مردی است که در امور سیاسی استعداد خارق العاده‌ای دارد.  
دکتر گردی آبان ۱۳۳۰
- ۳۴- ما جرأت بی‌پیرایه و مقرون به بدبختی یک مرد شریف همچون دکتر مصدق را  
که قربانی نفتی‌های بین‌المللی شد می‌ستائیم و به تقدیم احترامات خودمان اکتفا  
نمیکنیم.  
پیر فونتن کتاب جنگ سرد نفت
- ۳۵- من در واقع عاشق دکتر مصدق هستم و در تمام مدت عمر خود در عالم  
سیاست شخصی را به شایستگی او ندیدم. دکتر مصدق یک زمامدار آید مآلوسی  
است که برای ملت خود فداکاری می‌کند. . . . نخست وزیر ایران یکی از سیاستمداران  
بزرگ قرن بیستم است. . . .

غضنفر علیخان سفیر پاکستان در ترکیه

- ۳۶- با کمال صراحت می‌گویم که افزایش عایدات نفت (عراق) مرهون تلاش و -  
همت دکتر مصدق است. . . . ما عراقی‌ها برای نهضت ملی ایران ارزش بسیار قائلیم  
بدون شك این نهضت در بیداری ملل شرقی موثر واقع شده است.  
آقای صالح جبر لیدر حزب ملی عراق ۱۶ مه ۱۹۵۳
- ۳۷- در کشوری که تهمت سیاسی رواج کامل دارد این مرد شرافت و عزت نفس  
خود را حفظ کرده است. آقای دکتر مصدق مخالف هرگونه نفوذ بیگانه است.  
مجله تایم ۱۸ / ۲ / ۱۳۳۰
- ۳۸- دکتر مصدق پدر ملت ایران یکی از اشخاص وطن پرستی است که منافع ملی  
کشور خود را بر همه چیز ترجیح می‌دهد. روزنامه ابزرور ۲ / ۳ / ۱۳۳۰
- ۳۹- مردم اسکاتلند همه از کلیه اقدامات وطن پرستانه دکتر مصدق تعریف و  
تمجید میکنند.  
روزنامه گلا سکوه‌رالد ۸ / ۳ / ۱۳۳۰
- ۴۰- وجود نحیف دکتر مصدق از کوه البرز محکمتر و از نفت آبادان آتشی تر و

سوزانتر است .

مجله تایم ۱۹۵۱

۴۱- تاریخ عالم نشان خواهد داد که دکتر مصدق بزرگترین خدمتگزار بشر

بوده است . روزنامه بیونوس آیرس هرالده ۲۳ / ۳ / ۱۳۳۰

۴۲- صریحاً می گوئیم که ایران در قرون اخیر تاریخ استقلال خود چنین نخست

وزیر با شهامتی ندیده است . روزنامه ثروت چاپ لندن

۴۳- دکتر مصدق استاد فن ملی شدن در شرق است تمام رهبران نهضت های

خاور میانه در مکتب مصدق درس خوانده اند . دکتر مصدق مرد سالخورده و پیری

است که فعالیت و نشاط او جوانان را تحت الشعاع خود ساخته است . دکتر -

مصدق قدرت و حیرت آور و سرسختی بی نظیر خود را به انگلیس ها نشان داد

و آنان را مجبور ساخت در برابر این قدرت و نیروی معنوی زانو به زمین بزنند .

موسسه مطبوعاتی دارالهدایه مصر ۱۷ / ۷ / ۱۳۳۰

۴۴- باید صریحاً گفت که دکتر مصدق بهترین و با تجربه ترین سیاستمدار خاور

میانه بشمار می رود و پشتیبانی ملت ایران از دولت وی در تاریخ خاور میانه و بلکه

دنیا سابقه نداشته است . فوتنیگس گارت چاپ اریزونا ۹ / ۸ / ۱۳۳۰

۴۵- دکتر مصدق دشمن سرسخت انگلیس بود .

آسوشیتد پرس ۲۸ / ۴ / ۱۳۳۱

۴۶- دکتر مصدق دشمن قسم خورده انگلیس ها است . نیوزویک ۱۶ / ۵ / ۱۳۳۱

۴۷- در نیم قرن اخیر در دنیا سیاستمداری با چنین خصوصیات وجود نداشته

است . روش دکتر مصدق در حکومت و سیاست محکم و تغییر ناپذیر بود و این در

کمتر نخست وزیری دیده شده است . مصدق کشور ضعیف و تنهائی را به یک

امپراطوری قوی و کهنسال غالب کرد و تمام نقشه های امپریالیسم انگلیس را نقش

بر آب کرد . ریوارول پاریس

۴۸- مصدق با اشک های تیزی خود پایه های عظمت امپراطوری انگلستان را

لرزانید با دست او چرخهای بیداری مردم در خاور میانه علیه امپریالیسم روغنکاری

شد . سر موفقیت دکتر مصدق در مهارت او در تهییج افکار عمومی است . تایم

۴۹- مصدق بزرگترین مرد سیاسی دنیا ، نقطه تحولی در تاریخ ملل مسلمان -

خاور میانه بوجود آورده است . زیرا تحولی که او در افکار صدها میلیون نفر از

مردم جهان بوجود آورده کمتر از تحولی که . . . بوجود آورده نیست . نام مصدق

در تاریخ برای همیشه جاویدان خواهد ماند . . . و در ردیف قهرمانان بزرگس  
مانند واشنگتن ، سیمون بولیوار ، گاریبالدی ذکر خواهد شد .

گوریه سوئیس

۵۰- مخالفین مصدق ، او را انگلیسی خواندند . روسها او را نوکر امپریالیسم  
آمریکا لقب دادند . انگلیسها او را کمونیست نامیدند . ولی بالاخره معلوم شد  
که مصدق يك قهرمان ملی است و بدون پشتیبانی هیچ دولت بیگانه ای برای  
استقلال و آزادی وطن خود می کوشد . ریوارول پاریس

( حکومت نهضت ملی ایران چه کرد؟ )

پس از روی کار آمدن حکومت جبهه ملی بلافاصله دکتر مصدق به اداره کل تبلیغات صریحاً دستور داد هنگامی که درباره ایشان مطالبی از رادیو پخش می‌شود از لفظ جناب و القاب و عناوین و الفاظ مشابه آن خودداری شود .  
دکتر مصدق در تاریخ ۱۱ / ۲ / ۱۳۳۰ نیز به شهربانی چنین نوشت: " شهربانی کل کشور، در جرائد ایران آنچه راجع به شخص اینجانب نگاشته می‌شود هر چه نوشته باشند و هر کس نوشته باشد بهیچوجه نباید مورد اعتراض و تعرض قرار گیرد لکن در سایر موارد بر وفق مقررات قانون باید عمل شود . به مامورین مربوطه دستور لازم در این باب صادر فرمائید که مزاحمتی برای اشخاص فراهم نشود .  
نخست وزیر دکتر محمد مصدق

در تاریخ ۱۶ / ۲ / ۱۳۳۰ چون مردم می‌خواستند دسته جمعی ( به خرج خود) مجسمه‌ای از ایشان بسازند و در یکی از میدان‌ها برپا کنند دکتر مصدق طی اطلاعیهای چنین گفت: " به صدائی رسا که تا پایان حیات و بلکه بعد از مرگ من نیز اثر خود را در ضمیر وطن پرستان باقی بگذارد اعلام می‌کنم که به لعنت خدا و نفرین رسول گرفتار شود هر کس که بخواهد در حیات و مماتم به نام من بتی بسازد و مجسمه‌ای بریزد . زیرا هنوز رضایت وجدان برای من حاصل نشده و آن روز هم که بخواست خداوند این مقصود حاصل شود تازه نشانه انجام وظیفه است که هر کس بدان مکلف می‌باشد و حقاً سزاوار خوشباش پاداش نیست .  
برنامه حکومت جبهه ملی نخست در دو ماده خلاصه می‌شد . یکی اجرای قانون ملی شدن نفت و دیگر اصلاح قانون انتخابات .  
دولت دکتر مصدق بلافاصله با شدت و سرعت به کار پرداخت و مقدمات یکسره



کردن کار نفت را فراهم ساخت انگلیس‌ها نیز بی کار نشستند از طرفی شکایت به سازمان ملل متحد و دیوان دادگستری لاهه بردند و از طرف دیگر به محاصره اقتصادی ایران و ایجاد مزاحمت‌ها و کارشکنی‌های گوناگون پرداختند و هنگامی که ما قانون خلع‌ید را اجرا کردیم و انگلیس‌ها را بیرون راندیم آنان نیز جلو فرآورده‌های صنعتی را گرفتند • طلب‌های ما را نمی‌دادند و درد داخل ایران جاسوس‌های شناخته شده و ناشناخته مانده خود را به فعالیت شدید واداشتند •

www.iran-archive.com

### (انتشار اوراق قرضه ملی)

دولت ایران نیز با برد باری و شکیبائی و اتحاد و اتفاق به تلاش و مبارزه بی گهر خود ادامه می‌داد و برای مقاومت در برابر انگلستان از مردم یاری جست و شروع به انتشار اوراق قرضه ملی کرد.

دکتر مصدق در تاریخ ۱۲/۱۰/۱۳۳۰ طی نطقی گفت: «۰۰۰ آئین مقدس ما جهاد مالی را مقدم بر جهاد نفس دانسته است و اینک آن روز فرا رسیده که اتحاد و افراد ملت ایران در این جهاد حیاتی خود را سهیم کنند. دولت فقط به یاری شما کارگران و کارمندان و دانشجویان و بازرگانان و مالکین و بالآخره همه زنان و مردان این آب و خاک و پشتیبانی افکار و نظریات فرد فرد ملت ایران توانست قانون ملی شدن نفت را اجرا کند و به اخراج کارشناسان بیگانه که حساس‌ترین و زرخیزترین نقطه مملکت ما را اشغال کرده بودند توفیق یابد. هموطنان عزیز اکنون شما مراحل نهائی این جهاد تاریخی را به پایان می‌رسانید و با شرکت در خرید قرضه ملی آخرین فداکاری را برای حصول به مقصود مقدس خود ظاهر می‌سازید.»

اوراق قرضه ملی با استقبال بی مانند مردم روبرو شد مثلاً مرحوم حسن شمشیری پیشه ور شرافتمند در آن زمان با خرید بیش از دو میلیون ریال سر مشق سایرین شد تا تاریخ ۱۲/۱۰/۱۳۳۰ یعنی ۱۵ روز پس از انتشار قرضه ملی در حدود ۷۰ میلیون اوراق قرضه ملی فروخته شد ولی با کمال تأسف فروش این اوراق با عکس‌العمل منفی ثروتمندان مواجه شد.

حزب توده نیز در این باره هیچ کمکی نکرد. حزب توده در بهمنوم چهارم خود اقرار کرده است که در مورد عدم استقبال از خرید قرضه ملی دچار اشتباه شده است. در ۲۳/۹/۱۳۳۰ روزنامه‌تایم اند تایید (تحت عنوان برد باری عجیب) چنین نوشت: «اکنون چندین ماه است از تاریخ ملی شدن و نیز خلق پد تأسیسات نفت جنوب ایران می‌گذرد و اهر خلاف برآورد های کارشناسان مالی دال بر اینکه پس از اخراج انگلیس‌ها ایران فقط

يك يا دو ماه در برابر مخارج سنگين اداره مؤسسات نفت ايستادگي كرده و سپس بكلي از بين خواهد رفت دولت ايران در مقابل كلييه مشكلات بردباري و تاب آورده و همچگونه نشانه اي كه حاكي از شكست مالي آن دولت باشد ديد منفي شود دولت ايران ضمناً بودجه سال جاري را كه در آن توازن كامل بين هزينه و درآمد موجود است به كميسيون بودجه تسليم كرده است. ۰۰۰ در اين بودجه درآمد نفت منظور نشده و حتي جزء ليست هزينه ذكر شده است و با اين وصف تصور مي رود كه دولت ايران تا يكي دو سال بدون اينكه حتي يك تن نفت به خارج بفروشد هزينه كارمندان و كارگران نفت را به خوبي تأمين كند. ۰۰ در اين باره مجله اكونوميست لندن (۲۳ فوريه ۱۹۵۲) نوشت: تفاوت بين ايران و انگلستان از لحاظ اشكالات اقتصادي و مالي اين است كه مردم ايران اصولاً بردبار و صبور هستند و با زندگي مختصر و بي آلايش عادت دارند و لذا اگر در مشكلي قرار گيرند ناراحت نخواهند شد و حال آنكه وضع در انگلستان عكس اين است و مردم آنجا اصولاً به زندگي تجملی مقيد هستند و به زندگي پائين تر حتي براي مدت كمی نيز تن در نمي دهند. ۰۰۰ خبرگزاري عرب در ۲۷/۲/۱۳۳۱ - حاضر نيستند كه طلاهاي ايران (در حدود ۱۲ تن) را بسيدهند تا بدین وسيله گشایش در كار دولت ايران بشود.

(در حاليكه دولت شوروي طلاهاي ايران را به هنگام زمامداري سر لشكر زاهدی كه با كودتاي ۲۸ مرداد آمريكائيان روي كار آمده بود تحويل ايران داد) .  
(قطع رابطه با انگليس)

براي اينكه مطلب درست به ذهن نسل جوان بنشيند ناچار از رعايت سلسله تقدم تاريخي قضایا مي گذريم از اينروي مطالب را در مواضعي جا مي گذاريم و دنبال نکات ديگري مي رويم .  
همه سياسنمداران ايران حتي فرومايه ترينشان قبول دارند كه دولت انگليس در كارهاي ايران مداخله مي كند . دخالت هاي بيجاى انگليس در مورد ايران در زمان حكومت دكتر مصدق از حد گذشته بود و همانطور كه تحرير رفت پنهان و آشكار به خرابكاري و اخلال و جاسوسي و تحريك مي پرداختند و چون علاوه بر سفارت خانه خود در تهران برعكس اغلب كورها در شهرهاي مانند

اهواز، خرمشهر، شيراز، مشهد، اصفهان، رشت، تبريز، بوشهر، و... کسولگری  
نيز داشتند دامنه تحريکاتشان گسترده تر بود.  
دولت ايران در تاريخ ۱۸ / ۱۰ / ۱۳۳۰ اين يادداشت را تسليم سفير انگليس  
در تهران کرد.

آقای سفير کبير: با نهايت توقير به استحضار آن جناب می‌رساند که طبق  
گزارش‌های واصله فعاليت‌ها و مداخلات صريح مأمورين انگليسی در ايران در  
این او اخير شدت یافته و دولت متبوع دستدار حاضر نيست بيش از این تحمل  
این رویه نامطلوب را که بر خلاف اصول دوستی و مقررات جاريه بين المللی است  
بکند و شدیداً به آن اعتراض می‌نماید و لزوماً يادآور می‌شود که چنانچه مأمورين  
آن دولت در ايران رفتار خود را تغيير ندهند دولت متبوع دستدار ناگزير  
خواهد شد تصميمات جدی برای خاتمه دادن به این وضعيت نامطلوب اتخاذ  
نماید. موقع را برای تجديد احترامات فائقه مغتنم می‌شمارد. (وزير خارجه)  
و سه روز پس از این تاريخ کسولگری‌های انگليس در ايران بر چيده شد.  
شماره ۶۳۶۶۱ تاريخ ۲۱ / ۱۰ / ۱۳۳۰

دولت شاهنشاهی ايران که بيش از این طاقت تحمل رویه نامطلوب دخالت  
مأمورين دولت انگليس را در امور ايران ندارد از لحاظ حفظ مصالح عاليه کشور  
خود را محق و موظف می‌داند به دلائل ذيل انحلال کليه نمايندگان کسولي  
انگلستان را در خاک ايران تقاضا نماید. باقر کاظمی وزير امور خارجه.  
په چه دليل دولت دکتر مصدق به دولت انگليس اعتراض می‌کرد؟ و چرا می‌گفت  
که سفارت انگليس در ايران دخالت بی‌جا می‌کند؟ و چرا دستور داد نخست  
کسولگری‌ها و سپس سفارت انگليس بسته شود؟ هيئت حاکمه فعلی ايران مايل  
است که هيچگاه ملت ما به ویژه نسل جوان به چند و چون کارهای سياسی  
آگاهی نياهد ولی نگارنده می‌خواهد که نسل آینده به مبارزات حماسی نهضت  
ملی آگاهی کامل داشته باشد از اين روی به جوانان آزاده توصیه می‌شود که هر  
نکته‌ای را که می‌شنوند يا می‌خوانند برایش دليلی بخواهند و بگویند چرا؟  
در تاريخ ۳۰ / ۱۰ / ۱۳۳۰ وزارت امور خارجه ايران اسنادی از مداخله  
وقيهانه مأمورين انگليسی در امور داخلی ايران منقش کرد و در تاريخ  
۲۸ / ۱۲ / ۱۳۳۰ نیز دکتر مصدق طی نطقی در برابر روزنامه نگاران آمريکا

بطور کلی وضع ایران را در قبال این مسئله و دیگر مسائل تشریح کرد که به خلاصه هائی از آن مداخلات مبادرت می ورزیم .  
نامه سرکنسولگری انگلیس به رئیس دادگستری اهواز :

شماره ب ۳۰ / ۲ / ۲۲ / ۱ جناب آقای رئیس دادگستری اهواز به خاطر دارند که سید محمد علی کازرونی دستگیر و دو ماه زندانی گردید . . . و با موافقت اولیای نظامی انگلیس به قید ضامن مستخلص شده . . . چون از موقعی که آقای کازرونی مستخلص شده علناً تهدیداتی نموده که . . . بنا بر این خواهشمند است که آقای کازرونی فوری حبس بشود و بعد از محکومیت در زندان بماند و تا نتیجه فرجامی معلوم نشده بهیچوجه مرخص نشود .

سرکنسول دولت انگلیس ۱ - و - فلیچر  
نامه سرکنسولگری اصفهان در ۲۰ شوال ۱۳۳۶ قمری به رئیس دادگستری اصفهان . . . د پرویز به جنابعالی اخطار شد سید محمد وکیل که نسبت به آقای عطادش و اسفندپارخان بی احترامی کرده باید اقلأ تا شش ماه به عنوان وکالت در عدلیه داخل نشود . اینک تکرار می نماید که هرگاه مشارالیه در عرض این مدت داخل عدلیه شد این جنرال کنسولگری جنابعالی را مسئول خواهد دانست .

محل امضاء

تهران ۱۹ نوامبر ۱۹۲۰ رئیس الوزرا عزیزم سردار معظم ( تیمورتاش ) منزل من بود و آنچه را که بین حضرت اشرف و او روی داده است برایم نقل کرد . . . سفارت انگلیس ۲۹ نوامبر ۱۹۲۰ رئیس الوزرای عزیزم . در باب تصدی نسبت وزارت امور خارجه بنظر می رسد که اگر اعتلاء الملک به این مقام منصوب شود ما فهمیم الدوله را که به عقیده من صاحب منصب و وظیفه شناس و لایقی ! است از دست خواهیم داد و از دست رفتن او باعث اتهام و رسوائی خواهد شد . . .

امضاء نورمان

دکتر مهدق روز ۲۸ / ۱۲ / ۱۳۳۰ به روزنامه نگاران آمریکائی اظهار داشت که . . . کشورهای نیرومند خارجی وسائلی فراهم کردند تا ملت ما را همواره اسیر پنجه قدرت خود کنند و در اجرای این نقشه بعضی از رجال خائن را خریدند و رشته الفت و دوستی را در بین افراد این ملت به وسائلی مختلف گسستند و - بپردند و همه را نسبت به هم بد بین و بی اعتماد کردند و وسائلی تشدید فقر و

مسکنت را فراهم آوردند و یأس و ناامیدی را در مردم رواج دادند تا بتوانند کشور ما را غارت کنند و به بهانه مسائل اقتصادی مقاصد سیاسی خود را انجام دهند . . .

طی سندی که در دست است مستر نورمان سفیر وقت انگلیس در تهران به سردار منصور رئیس الوزرا وقت نوشته است چهار صد هزار تومان رشوه ای که برای تصویب و اجرای قرارداد ۱۹۱۹ و توثق الدوله و دو وزیر کابینه او ( نصرت الدوله و صارم الدوله ) گرفته بودند و بواسطه مخالفت ملت ایران قرارداد اجرا نشده بود به دستور دولت انگلیس وجوه رشوه را مطالبه می کردند ( حتی انگلیسها پس از مرگ نصرت الدوله فرمانفرما فشار آوردند و مبلغ رشوه را به اقساط از فرزندانش وصول کردند ) .

دکتر مصدق افزود در شهریور ۱۳۲۰ ما به چشم خود دیدیم افرادی که به نام متخصص فنی در شرکت سابق نفت ( انگلیس ) کار می کردند اسلحه به دست گرفته و لباس نظامی پوشیدند و از داخل ایران شکست و تصفیه ارتش ما را فراهم کردند و ما تا آن وقت نمی دانستیم که این کارشناسان ، جاسوسان تعلیم یافته ای بیش نیستند . . . دولت اینجانب با تمام فشارهایی که از هر طرف وارد میشود حاضر نیست به هیچ قیمت و تحت هیچ عنوان بار دیگر این جاسوسان تعلیم یافته انگلیسی را به عنوان کارشناس فنی در کشور بپذیرد .

عواید مختصری هم که به عنوان حق السکوت به دولت ایران داده می شد به مصرف واقعی مردم ایران نمی رسید بلکه صرف خرید اسلحه می شد که آن را در سال ۱۹۲۱ موقع ورود متفقین به ایران به غارت بردند . . . پس ملل ضعیف باید برای خود فکری بکنند و راهی بیندیشند . . . اکنون ای نمایندگان محترم جرائد آمریکا يك سال تمام است که ملت ایران در زیر فشار سیاسی و اقتصادی که به او تحمیل می شود قرارداد و با کمال صبر و شکیبائی استقامت می ورزد و پایداری می کند و محال است که مبارزات گذشته خود را ندیده گرفته و تن به پارامای تحمیلات بدهد ما نمی توانیم ببینیم که بعضی از کشورهای ثروتمند منابع ملی ما را ببرند و مردم ایران روی این گنجهای خداداد برهنه و گرسنه بسر ببرند . در این شرائط کنسولگری های انگلیس و یا به گفته دکتر مصدق آشیانه های جاسوسی انگلیس پس از نیم قرن در روز ۲۵ / ۱۰ / ۱۳۳۰ تعطیل می شوند و

روز ۱ / ۱۱ / ۱۳۳۰ در تهران و شهرستانها تظاهرات عمومی بر پا می‌شود و مردم شادی و خوشحالی خود را از بستن کنسولگری‌های انگلیس نشان می‌دهند. شاید درست باشد که در اینجا شمه‌ای از دسیسه‌های پنهانی بیگانه را که از برده برون افتاده است بیان کنیم.

مستر راس که در موقع خلع‌ید از شرکت نفت انگلیس وزیر پالایشگاه آبادان بود در ۲۴ / ۷ / ۱۳۳۱ طی مقاله‌ای در یکی از جراید لندن می‌نویسد: «ما از دولت حزب کارگر انگلیس قبل از خلع‌ید تقاضای دو میلیون لیره کردیم که برای پیشرفت کار در اختیار شرکت نفت بگذارد. تا هم کف دست بعضی از ایرانیان را که به درد ما می‌خورند چرب کنیم و هم... ما در آن موقع حتی تقاضای دولشگر برای حفظ آبادان کردیم... که از تحویل پالایشگاه نفت خود داری کنیم...»

این خلاصه از مقاله راس حاوی یک دنیا معنی برای پژوهندگان تاریخ و اهل بصیرت است و ما فقط یک نکته را در توضیح و تفسیر این مطلب می‌گوئیم و آن اینکه این چگونه شرکت تجارتي است که برای مخارج خود و رشوه دادن محتاج به کسب اجازه از دولت انگلیس است نه از هیئت مدیره و مدیرعامل و این چگونه شرکت تجارتي است که برای حفظ خود تانک و توپ می‌خواهد و مقدمات سقوط دولت‌ها را فراهم می‌کند.

#### (فعالیت جاسوسان)

روز ۱۰ / ۳ / ۱۳۳۲ موريس ژول فرانسوی که از زمان جنگ در قیام‌های مختلف انجام وظیفه می‌کرده است دستگیر شد و در ۲۵ / ۳ / ۱۳۳۲ به شیخ صالح هندی تبعه دولت انگلستان دستور داده شد که از ایران خارج شود، این شخص سابق بر این تاریخ سه سال زندانی بود ما است...

روز ۲۸ / ۳ / ۱۳۳۲ به يك بانوی فرانسوی بنام (ماری گالیشه) دستور داده شد ظرف پانزده روز ایران را ترك کند. خانم گالیشه فرانسوی با گذرنامه سوئیس وارد ایران شده بود و در کاخ والا حضرت عبدالرضا به عنوان پرستار مشغول کار بوده است.

در این زمان تحریکات اتباع بیگانه مقیم عراق بر علیه ایران شدت یافته بود لذا در تاریخ ۳۱ / ۳ / ۱۳۳۲ دولت ایران نامه‌ای درباره عملیات تحریک آمیز اینگونه افراد تسلیم وزارت خارجه عراق کرد. در همین روز از طرف شهرتانی همدان به

تاجر انگلیسی به نام کنگسل ( سرهنک ) ویلیام مورگان تا صوت دستور داده شد که فوری خاک ایران را ترك كنند .

روز ۲ / ۲ / ۱۳۳۲ از طرف فرمانداری شیراز از وزارت کشور درخواست شده بود که دستور اخراج يك پزشك انگلیسی به نام دکتر دلسوزا صادر شود و در همین اوان نیز به ویلیام جز تامسون کشیش انگلیسی مقیم اصفهان که پروانه اقامتش را لغو کرده بودند از طرف شهرستانی دستور ترك ایران داده می شود .

روز ۷ / ۲ / ۱۳۳۲ پس از گزارشاتی معلوم می شود شخصی به نام رابرت آلیس که چهل سال در ایران زندگی می کرده است در تهران جاسوس بوده است و وقتی که مأمورین برای ابلاغ اخراج وی می روند مفقود الاثر می شود .

روز ۱۴ / ۲ / ۱۳۳۲ یکی از مأموران مخفی شهرستانی برای دستگیری يك انگلیسی به نام جاك که کلاس تدريس زبان داشته است می رود و متوجه می شود که وی فراری شده است .

روز ۴ / ۵ / ۱۳۳۲ گزارشی به شهرستانی کل کشور می رسد دال بر اینکه يك پزشك آلمانی به نام دکتر وینتر مانل فعالیت های غیر عادی دارد . هنگامی که مأموران برای دستگیری وی به منزلش می روند پیدایش نمی کنند .

روز ۶ / ۵ / ۱۳۳۲ آشکار می شود که دکتر دلسوزا به کمک دکتر شارب انگلیسی در شیراز تحریکاتی بین عشایر بر علیه دولت کرد ماند و مقارن همین ایام نیز در شیراز اغتشاشی به وقوع می پیوندد و عدمای کشته و زخمی می شوند .

روز ۱۳ / ۵ / ۱۳۳۲ ( دو هفته به کودتای ۲۸ مرداد مانده ) مأموران موفق به دستگیری جاسوس انگلیسی به نام ( ریچنالد دوگلاس داویدسن ) می شوند . داستان فعالیت های جاسوسان بیگانه در اینجا پایان نمی یابد ولی دیگر به مدت بیست و سی سال حکایت درستی در این باره نخواهید شنید .

بهر حال هستن کنسولگری ها ، بیگانگان و بیگانه پرستان را سر جای خود نشانید و هسته مرکزی مخالفت با دولت دکتر مصدق تشکله و بر شدت تحریکات خود افزودند . در جلسه علنی ۲۵ / ۶ / ۱۳۳۱ مجلس شورای ملی به دولت دکتر مصدق رای اعتماد داده شد از ۶۱ نفر عده حاضر ۶۰ نفر موافق بودند . روز بعد هم مجلس سنا به اتفاق آراء یعنی از ۳۹ نفر عده حاضر در جلسه همه به دولت دکتر مصدق رای اعتماد دادند .



در این زمان مخالفین در جلسات مجلس شرکت نمی‌کردند مثلاً در همین جلسه سنا که تعدادشان ۶۰ نفر بود ۲۱ نفر از مخالفین دولت شرکت نکردند و برخی از شرکت کنندگان نیز که مخالف دولت و طرفدار دیار بودند از ترس افکار عمومی به دولت جبهه ملی رای موافق می‌دادند.

پس از اینکه دولت گزارشی در مورد قطع رابطه با انگلیس تنظیم کرد طرفداران شرکت نفت و هواخواهان انگلیس مجلس را از اکثریت انداختند ولی دولت دکتر مصدق هم جریان را به اطلاع مردم رسانید و به قطع رابطه اقدام کرد. دکتر مصدق در گزارش اعلام قطع رابطه با انگلیس گفت: «آقایان نمایندگان محترم مستحضرنند که جنبش ملی ایران در روز اول با کارشکنی‌ها و تحرکات - عوامل شرکت سابق و دولت انگلیس در داخل و خارج کشور روبرو گردید این تلاش‌ها و تشبثات که زحمات فوق العاده برای ما فراهم نمود ضمناً به آبروی خود آنها نیز لطمه زد زیرا هر یک از این تشبثات پرده تازه‌ای از روی رفتار ظالمانه زورمندان برداشت و چهره سیاست استعماری آنان را بیشتر نمایان ساخت. . . . با مختصر تاملی معلوم می‌شود که چه مشکلاتی در راه موفقیت ما بوجود آورد ماند و تا چه حد دامنه تحریک و آشوب و اغتشاش را توسعه داد ماند. . . و چون حربه ارباب بر اثر ثبات و مقاومت ملت ایران از کار افتاد دولت انگلیس تدبیری دیگر اندیشید. . . و با سرمایه باد آورد مای که محصول دسترنج کارگران با برهنه و گرسنه و مظلوم ایران بود سهمی برای مطبوعات و تبلیغات در پارامای از کشورها اختصاص داد. . . و با کمال وضوح بدون اعتناء به حقوق بین المللی و منشور ملل متفق، خود دولت انگلیس ضمن پیام رسمی ۸ / ۶ / ۱۳۳۱ به این تجاوزات آشکار اعتراف و اذعان نموده است که منظور از فشار اقتصادی و تضییقات مالی از قبیل توقیف وجوه و اموال دولت ایران که با هیچ قانونی وفق نمی‌دهد این است که دولت انگلیس بدینوسیله مردم این کشور را مستأصل و پریشان کند و اوضاع را به حال سابق درآورد. . . .»

قبلاً اینجانب صریحاً به عرض رساندم که روابط سیاسی بین دولت‌ها فقط وسیله‌ای است برای حفظ دوستی و همکاری متقابل و چنانچه این نتیجه حاصل نشود و این روابط سیاسی فقط وسیله حفظ منافع و مطامع یک طرف قرار گیرد مصلحت ایجاد می‌کند که با قطع روابط به تحرکات و تشبثات روز افزون خاتمه داده شود. . . .»

در این صورت ملت ایران جز قطع رابطه سیاسی با دولت انگلیس چاره‌ای ندارد .  
اکنون هر عموم افراد ملت ایران فرض و واجب است که بیش از پیش مراقب اوضاع  
باشند و با بیداری و استقامت راهی را که در پیش گرفته‌اند ادامه دهند و تردید  
ندارند که چون این مجاهدت در راه حق انجام می‌شود خداوند متعال مدد  
خواهد فرمود که به نتیجه مطلوبه برسد .

نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

روز چهارشنبه ۳۰ / ۷ / ۱۳۳۱ پس از ۹۳ سال روابط سیاسی ایران و انگلیس  
قطع شد .

یونایتد پرس در ۲۶ / ۷ / ۱۳۳۱ گزارش داد که وزارت امور خارجه انگلیس از  
اقدام دکتر مصدق دچار چنان حیرتی شده بود که در تاریخ آن کشور سابقه  
نداشت . همین خبرگزاری در گزارش خود افزوده بود که شاه ایران در آخرین  
دقایق برای جلوگیری از قطع رابطه سیاسی ایران و انگلیس کوشش‌هایی به عمل  
آورد و از دکتر مصدق خواسته بود که در قطع رابطه تجدید نظر کند .  
دکتر مصدق در یکی از نطق‌های خود گفت که به هنگام قطع رابطه سیاسی با  
انگلیس‌ها اعلیحضرت شاه تردید داشتند !!

(دکتر مصدق دشمن صهیونیسم و دوست اعراب)

حال به مطلب دیگری که بخصوص برای هم میهنان و همه مسلمانان بسیار جالب است و قطعاً توجه علماء محترم را جلب خواهد کرد و تا کنون درباره اش سخنی نرفته است می پردازیم \*

دولت های دست نشاندۀ ایران ضمن دیگر کارها با اسرائیل نیز رابطه برقرار کرده بودند و تنها در زمان حکومت دکتر مصدق بود که به لحاظ حفظ علائق مذهبی و دیگر عوامل ایدئولوژیکی و بنیادی این رابطه قطع گردید \*

در تاریخ ۲۷/۳/۱۳۳۱ سفیر کبیر ایران در قصر ضمن گلایه شدید از دول عربی گفت با آنکه دولت ایران به خاطر حفظ مناسبات خویش با کشورهای اسلامی روابط خود را با دولت اسرائیل قطع کرده است و ولت های عرب از یاری ایران کوتاهی کرده اند که برای اثبات نکته نیز دلیل محکمی در دست است \*

معتبرترین و مستندترین کتاب های دنیا، دائرة المعارفها و فرهنگ های علمی هستند که معمولاً دانشمندان و پژوهشگران برجسته هر رشته از علوم مأمور

تألیف آن می شوند \* یکی از این کتاب های معتبر (دائرة المعارف صهیونیسم - اسرائیل) است که با همکاری محققین بزرگ آمریکائی و اسرائیلی و به وسیله رافائیل پاتی و زهر نظر زالمان شازار رئیس جمهوری پیشین اسرائیل و به سال ۱۹۷۱ در نیویورک تألیف و منتشر شده است \*

این کتاب در جلد اول صفحه ۵۲۸ از فعالیت یهود و صهیونیسم در ایران سخن می گوید و وقتی در صفحه ۵۲۹ به بخش صهیونیسم در ایران می رسد می نویسد: در سال ۱۹۱۹ سازمان صهیونیسم در ایران تشکیل شد \* رئیس کمیته مرکزی آن شلمون کهن زاده و دبیر کل کمیته عزیزین یونا نعیم گردید \*

همپای صهیون‌نیم در ۱۲ شهر ایران دست به کار شد\* و بعد از معرفی افراد و عناصر برجسته سازمان و تشکیل دولت اسرائیل شرح می‌دهد\* ایران دومین کشوری بود که دولت اسرائیل را به رسمیت شناخت\* ما که تا آن روز دستمان از لحاظ فعالیت‌های صهیونیستی بسته بود با آزادی کامل در ایران دست به کار شدیم\* رفت‌آمد ها بین ایران و اسرائیل آغاز و سفارت ایران در اسرائیل باز شد تا اینکه در ۱۹۵۳ دکتر مصدق قهرمان ملی کردن نفت و دوستدار اعراب روی کار آمد\*

وی در آوریل و می ۱۹۵۳ آژانس یهود را در ایران تعطیل و فعالیت صهیونیسم را محدود کرد... گرچه از ۱۹۶۹ دوباره مناسبات ایران و اسرائیل آغاز شد ولی ما نتوانستیم روابط رسمی سیاسی بین ایران و اسرائیل برقرار کنیم\* در شرائط فعلی مناسبات ما با ایران بسیار خوب است ما کارشناسان و متخصصینی به ایران می‌فرستیم و بنیاد سیاست کمک خارجی در ایران به دست صهیونیسم بی‌ریزی می‌شود...\*

### ( انتخابات )

گفتیم که بر نامه دولت دکتر مصدق اجرای قانون ملی شدن نفت و اصلاح قانون انتخابات بود اما تحریکات بیگانگان دیگر مجالی برای سایر کارها باقی نمی گذاشت و چون شروع انتخابات دوره هفدهم نزدیک می شد مخالفین حکومت جبهه ملی امیدوار بودند عوامل بیگانه و ایادی داخلی بتوانند دوباره به مجلس راه یابند . شگفت اینکه تا این زمان و حتی تا سال های بعد از این زمان هم اعلیحضرت شاه انتخابات و کلاسه این دوره و دوره های دیگر را که با دخالت مقامات غیر-مسئول و ... انجام می پذیرفت ( و حتی دکتر مصدق نیز کتباً به مجلس نوشته بودند که صدی هشتاد و کلاسه تحمیلی می باشند ) درست و شایسته می دانستند تا آنجا که اکثریت قریب باتفاق نمایندگان این دوره ها را مورد تفقد قرار می دادند و اصلاً پس از کودتای مرداد ۳۲ تا کنون بافت حکومت های برگزیده شده از طرف پادشاه ایران را همان اشخاصی تشکیل داده اند که در زمان صدارت دکتر مصدق از دشمنان نهضت ملی ایران بودند فقط در این اواخر است که اعلیحضرت شاه بسته به لحاظ فردی از لیست های سفارت انگلیس سخن می گویند .

باری دکتر مصدق برای اینکه تا حد مقدور از دخالت های بی جای افراد غیر-مسئول بکاهد و بند و بسته های وکلای بدنام مجلس را با مأموران دولتی خنثی کند غفلتاً به هنگام انتخابات دوره هفدهم همه استانداران و فرمانداران را - تعویض کرد و چون و کلاسه مخالف جبهه ملی برای انتخاب شدن خود با رؤساء - دوائر محلی تباری و بند و بست کرده بودند نقشه هایشان نقش بر آب شد و لاجرم سروسدای ایشان بلند شد تا جائیکه آقای جمال امامی لیدر مخالفین

دولت در جلسه ۱۳۳۰ / ۹ / ۱۹ مجلس ضمن به راه انداختن داد و قال فراوان چنین گفت : ببینید این سابقه دارد که در مملکت ماو در سالک راتبه در شب انتخابات تمام استانداران و فرمانداران را تمویض کنند! برای چی؟<sup>۱۰۰</sup>

متأسفانه مخالفین برای انتخاب خود از هیچ کاری روی گردان نبودند و برخی - حتی به کشت و کشتار مردم بی گناه نیز دست می زدند و آن را به حساب دولت دکتر مصدق می گذاشتند برای نمونه به یکی از آنها که چندی پیش راد پو ایران نیز در برنامه<sup>۱۰۱</sup> (عبور از تاریخ) وارونه بازگو کرد می پردازیم .

در جریان انتخابات زابل در روز ۱۳۳۰ / ۱۱ / ۱۹ فرماندار رئیس انجمن نظارت ، بازرسی انتخاباتی و یکی از اعضای انجمن که اکثراً از جوانان تحصیل کرده بوده و تمایلات مردمی داشتند به قتل رسیدند . نکته جالب توجه و مهم - اینکه هیچکدام از هر سه نفر کاندیدای انتخابات زابل یعنی آقایان سردار - محمد پردلی ، خزیمه علم ، شریفی کاندیداهای دولت جبهه ملی نبودند بلکه با مخالفین دکتر مصدق ارتباط داشتند . در قوچان نیز آقای غلامحسین رحیمیان (که ایشان نیز عضو جبهه ملی نبودند) پرده<sup>۱۰۲</sup> دیگری از کردار خلاف هیئت حاکمه برداشت .

هموطنان عزیز :<sup>۱۰۳</sup> با اطمینان به مواعید دولت دایره به آزادی انتخابات و اوامر ملوکانه مبنی بر عدم مداخله مقامات لشگری در امر انتخابات اینجانب خود را کاندیدای انتخابات شهرستان قوچان نمودم اما تاج محمد خان بهادری - (قاتل کلنل محمد تقی خان) یکی از خوانین قوچان که سوابق او بر اهالی خراسان و مقامات لشکر هشتم پوشیده نیست از تشریف فرمائی والا حضرت شاهپور علیرضا به خانه خود و پذیرائی ایشان سو<sup>۱۰۴</sup> استفاده کرده و چنین شهرت داده است که دربار با اینجانب غلامحسین رحیمیان موافق نیست و با استفاده از این شهرت خود را کاندیدای دربار معرفی کرده است .<sup>۱۰۵</sup>

غلامحسین رحیمیان ۱۳۳۰ / ۱۱ / ۲۲

به هر حال با بلواها و آشوب هایی که ابادی استعمار به وجود آوردند فقط در ۸۹ حوزه انتخابات خاتمه یافت و چون دکتر مصدق ناچار بود برای دفاع از حقانیت ایران به دادگاه لاهه رهسپار شود دستور توقف انتخابات بقیه نقاط صادر شد و بعداً هم به جهت دخالتهای دربار انتخابات صورت نگرفت و مجلس

۱۷ که اکثر نمایندگانش با دخالت آشکار عوامل گوناگون (که فعلاً امکان شناسائی آن وجود ندارد) انتخاب شده بودند گشایش یافت.

وقتی که میسیون بانک بین‌المللی به ریاست پرودم در نقشه‌اش... شکست خورد و هنگامی که دربار و ارتش به کمک دوستان آمریکائی و انگلیسی‌شان برای سقوط دولت دکتر مصدق بسیج شده بودند و آنگاه که دکتر مصدق برای دفاع از ایران به سوی دادگاه لاهه رهسپار می‌شد و زمانی که در دادگاه لاهه قاضی آمریکائی به ضرر ایران رای می‌داد و قاضی هندی از شرکت در دادگاه خودداری می‌کرد و ماکولوتسکی قاضی روسیه غفلتاً و موقتاً مریض شد!

روزنامه پراودا ارگان دولت شوروی حملات سختی را به ایران شروع کرد و درست اندکی به آستانه مسافرت دکتر مصدق به لاهه مانده بود که دولت شوروی اولتیماتومی نا جوانمردانه در مورد (به اصطلاح مستشاران آمریکا و به اصطلاح کمک آمریکا) به ایران داد که بی معنی بودن آن در همه محافل دنیا مورد گفتگو و تصدیق قرار گرفت.

خبرگزاری فرانسه در تاریخ ۳/۴/۱۳۳۱ از لندن گزارش داد که سکوت وزارت خارجه انگلستان در برابر یادداشت اعتراضیه شوروی با رضایت تلقی شده است. به خاطر بسپارید که همین روزنامه پراودا در ۱/۵/۱۳۴۶ از ملک حسین ستایش کرد.

پس از پیروزی درخشان نهضت ملی در رویداد خونین سیام تیرماه که پژوهشی جداگانه لازم دارد و خود مشت بسیار محکم و کوبنده‌ای بردها ن همه مخالفین دکتر مصدق بود و پس از پیروزی در دادگاه لاهه دولت دکتر مصدق بدون فوت وقت و با دقت و بی‌گپری هر چه تمامتر شروع به اصلاحات کرد.

### (فعالیت‌های شگفت‌آور اقتصادی و اجتماعی)

در این زمان ملت و دولت ایران دامن همت بکمر زده بود و با کوشش بی‌گیر برای تحصیل رفاه و بالا بردن سطح اقتصاد کشور تلاش می‌کرد و ابداً توجهی به درآمد نفت نداشت. ما همه چیز داشتیم، همه گونه معادن، اراضی کشور ما از مستعدترین اراضی کشاورزی دنیا است و دلیلی نداشت که نتوانیم وضع اقتصادی و سپس سیاسی خود را تثبیت کنیم.

پس از قیام حماسی سی‌ام تیرماه دکتراً مصدق برنامه دولت خود را در ۹ ماده - تنظیم کرد ۱۰ - اصلاح قانون انتخابات ۲ - اصلاح امور مالی و تعدیل بودجه تقلیل در مخارج و برقراری مالیات مستقیم و ۳۰۰۰ - اصلاح امور اقتصادی به وسیله افزایش تولید و ایجاد و اصلاح قوانین پولی و بانکی ۴ - بهره برداری از معادن کشور ۵ - اصلاح سازمان‌های اداری و قوانین استخدام کشاورزی و - قضائی ۶ - ایجاد شورای محلی در دهات به منظور اصلاحات اجتماعی و ۷۰۰ - ۷ - اصلاح قوانین دادگستری ۸ - اصلاح قانون مطبوعات ۹ - اصلاح امور فرهنگی بهداشتی و وسائل ارتباط .

و بعداً هم قوانینی مانند (الغاء عوارض مالکانه) و (لایحه صدی بیست کشاورزان) و (ملی کردن جنگلها) و (تعلیمات اجباری) بدان افزوده شد - شمای انسان‌های آزاده و شرافتمند بردارید اصول شش‌گانه (وسپس چندین گانه) انقلاب سفید را بخوانید و به بینید که هم‌ماش کاریکاتوری از برنامه ۹ - ماده ای حکومت نهضت ملی است از تاریخ قیام سی تیر تا کودتای ۲۸ مرداد - یعنی حدود یک سال ملت ایران به رهبری دکتراً مصدق ضمن مبارزه با عوامل گوناگون بیگانه در ایران و امپریالیست جهانی توانست تا حد چشم‌گیری در امر



اصلاحات بکوشد و به جز برنامه ۹ ماده ای دولت خود در موارد دیگری هم مانده  
 لایحه صدی بهیست کشاورزان و طرح ملی کردن جنگلها و قانون مالکیت دولت بر  
 زمینهای موات و اجرای بخشی از تعلیمات اجباری ( فرهنگ رایگان ) به تندی به  
 جلو می رفت و ضمن فعالیت در راه فروش نفت که فشرده آن در جزوه ای از نظرتان  
 گذشت با استفاده از اختیارات همه قوانین پوسیده ارتجاعی را به دور ریخت  
 و بنیادی نو استوار ساخت که فزونی صادرات بر واردات ( که توفیق یافتیم ) و -  
 تعدیل و تثبیت بودجه ( که در آن هم توفیق یافتیم ) و گسترش تولیدات کشاورزی،  
 صنعتی معدنی ( که در آن هم کامیاب شدیم ) از اهم آن است و اکنون برای  
 اثبات هر کدام دلایلی می آوریم و خیلی فشرده و فهرست وار به ذکر آنها می پردازیم.  
 در جلسه علنی ۱۳۳۱ / ۸ / ۱۵ لایحه ملی شدن شرکت تلفن تقدیم مجلس شد و  
 در جلسه علنی ۱۳۳۱ / ۹ / ۲۷ لایحه تأسیس شرکت واحد اتوبوسرانی از طرف  
 وزیر کشور تقدیم مجلس شد و در تاریخ ۱۳۳۱ / ۱۰ / ۸ برای اصلاح قوانین  
 جهت تأسیس دانشگاه ها کمیسیونی مرکب از هفت نفر شروع به کار کرد. هم چنین  
 لایحه تأسیس پلیس گمرک، دعاوی خالصجات، بیمه های اجتماعی، قانون  
 مطبوعات تقدیم مجلس شد.

وقتی گزارش وضع دانشگاه را در تاریخ ۱۳۳۱ / ۱۱ / ۱۶ به حضور اعلیحضرت  
 می دهند ایشان می گویند: " ترقیاتی که خوشبختانه مخصوص در سال اخیر  
 نصیب دانشگاه شده است موجب نهایت خوشوقتی و مسرت خاطر گردید."  
 اعلیحضرت قبلاً در مراسم جشن مهرگان ( ۱۳۳۱ / ۷ / ۱۶ ) خطاب به آقای  
 دکتر مهدی آذر وزیر فرهنگ گفته بودند " . . . ترقیات يك ساله در فرهنگ ما به  
 تقدیر و توجه است و این می رساند که مردم ایران روز به روز بیشتر در طلب علم  
 و دانش هستند."

بهر حال در مدت کمی یعنی تا ۱۳۳۱ / ۱۱ / ۱ تعداد ۹۸ لایحه طبق قانون  
 اختیارات به امضای دکتر مصدق رسیده بود و این در حالی بود که مشکلات فراوان  
 و فوق تصویری در این راه وجود داشت مثلاً در همین روز دکتر مصدق خطاب به  
 آقای قنات آبادی چنین می گوید: " آقا شما توقع نداشته باشید که اثر قوانین آبی  
 باشد. اگر تصفیه دادگستری را خوب تشخیص دادید برای آن است که در رأس  
 آن وزیر فداکاری ( مرحوم عبدالعلی لطفی ) قرار دارد. من اکنون مدتی است

می‌خواهم يك استاندار خوب پیدا کنم اما پیدا نمی‌شود • همین قانون صدی بیست از یاد سهم کشاورزان بزرگترین قدم به نفع طبقه سوم است • در اینجا دونگه وجود دارد نخست اینکه این قانون صدی بیست از یاد کشاورزان را که اتفاقاً اعلیحضرت نیز در کتاب خود سودمند نامیدمانند بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد و کلا\* مجلس دوره ۱۸ از بین بردند و هیچ کس هم چیزی نگفت و دیگر آنکه در اثر تربیت استبدادی زمان رضاشاه آنقدر قحط الرجال شده بود که هنگامی که دکتر مصدق می‌خواست استاندار خوب پیدا کند وجود نداشت چنانچه هم اکنون نیز در اثر تربیت استبدادی و اختناق و تکو کراتیسم این وضع به مراتب بدتر شده است •

اصلاح دادگستری یکی از پر سروصداترین اقدامات دولت جبهه ملی بود و تقدیری در هیئت حاکمه فاسد آن روز وحشت انداخته بود که میر اشرافی نماینده مجلس (که عنصر شناخته شده سیاست انگلیس در ایران بود) در مجلس خطاب به آیت الله میلانی می‌گوید؟ آخوند مملکت را دارید به کجا می‌برید؟

مخالقان فاسد و بدنام حکومت دکتر مصدق (که جمگی طرفدار حکومت‌های بعدی بودند) عبدالعلی لطفی وزیر دادگستری و دکتر مهدی آذر وزیر فرهنگ را که برای اصلاح وزارتخانه هایشان می‌کوشیدند کمونیست نامیدند •

بعد از ۲۸ مرداد جاقو کشان دولت که بعلمت تصفیه دادگستری با لطفی حساب خردمهایی پیدا کرده بودند به خانه وزیر دادگستری یورش بردند و خود و خانواده‌اش را مضروب ساختند بطوریکه اندکی بعد لطفی بر اثر این ضربات جان سپرد •

نسل جوان ایران لااقل این را به یاد دارد که در سال‌های اخیر چه غوغائی درباره فرهنگ و با سواد کردن مردم به راه افتاده است • پیش از نخست وزیری دکتر امینی با بی سوادی مبارزه می‌شد هنگامی که درخشش وزیر فرهنگ شد • جهاد با بی سوادی شروع شد • حتماً در زمان رضاشاه نیز از اینگونه جهادها و مبارزه‌ها بوده است • پیش و پس از ۶ بهمن نیز مبارزه با بی سوادی، جهاد با بی سوادی، پیکار با بی سوادی، ایجاد سپاه دانش شروع شد که نتیجه هیچ کدام هم از امواج رسانه‌ها همچون ترانمای فراتر نرفته است و فقط پوسته بیرونی قضیه را بی وقفه و طولانی در امواجی که خاموش‌شدنی هم نیست خراش دادمانند و هم

به لحاظ کمیت جلو نرفتند و هم به لحاظ کیفیت عقب افتادند.  
در پیش گفتیم که اصول شش ماهه انقلاب سفید و اصول دائم التزاید بعدی تماماً  
برداشت ناقص و کاریکاتورمانندی است از برنامه دولت دکتر مصدق که آن را از  
محتوی خالصی کرده باشند.

مثلاً در ۱۳۳۲/۱/۲۰ اعلام شد که جنگل های ایران ملی می شود و جنگل های  
مصنوعی نیز احداث خواهد شد و در ۱۳۳۲/۱/۲۲ اعلام شد که لایحه های -  
لطفی وزیر دادگستری تهیه کرده است که عنوان آن حل اختلاف در دهات از  
طریق کدخدا منشی است و دکتر مصدق بزودی آن را امضاء خواهد کرد که این  
دو لایحه را بعد از کودتای سیاه از بین بردند و چند سال پیش اصل ملی  
کردن جنگل ها و اصل ایجاد خانه های انصاف و دیگر اصل ها که برداشت  
ناقصی از این فکر بود به میان آمد.

باری در اینجا ما می خواهیم درباره فرهنگ سخن گوئیم در تاریخ ۱۳۳۲/۲/۸  
اعلام شد که چون در قانون اعتبار وزارت فرهنگ مصوب آذرماه ۱۳۳۱ مقرر شده  
که وزارت فرهنگ در اول هر سال اسامی نقاطی را که برای اجرای قانون تعلیمات  
اجباری ( فرهنگ رایگان ) انتخاب می نماید باید به کمیسیون فرهنگ مجلس  
شورای ملی بدهد امروز از طرف وزارت فرهنگ به کمیسیون مذکور اطلاع داده شد  
که در سال جاری در نقاط زیر تعلیمات اجباری ( فرهنگ رایگان ) عملی خواهد  
شد: لاهیجان، لنگرود، سراب، رامسر، خرم آباد، شهبسوار، علمدار، مرند، گروس،  
ابهر، زنجان، نطنز، شهداد، کرمان، نمین، اردبیل، ابرقوه، یزد، تربت جام،  
شاهرود، همدان، جلفای اصفهان، ساری، بهشهر، بندر پهلوی، شاهرضا،  
میاندوآب، اردکان، اهمل.

آن زمان در نظر بود که بخش هایی از استانهای ده گانه ایران انتخاب شود  
و به مدت ده سال تعلیمات اجباری ( فرهنگ رایگان ) در همه کشور ( آن هم  
بدون درآمد نفت ) اجرا شود.

اما مهم ترین کاری که در این زمان انجام یافت و می توان آن را انقلابی در شعور  
مملکت دانست طرح بازنشسته کردن ۱۳۶ نفر از افراد بدنام و بد سابقه  
ارتش بود تا آنجا که حتی دولت دست نشانده مو بیگانه پرست زاهدی نیز  
بدین امر صحنه گذارد.

ده سال بعد از این تاریخ یکی از همین بازنشسته ها برای انجام انتخابات دوره بیست و یکم به گفته دکتر بقائی و روزنامه های خبری دولت وقت از صدی نود و نه وکلا<sup>۱</sup> مجلس هر کدام به تناوب تا حدود پانصد هزار تومان گرفت و هیچ کاری هم نکرد ( سپهد مهد یقلی علوی مقدم ) فقط نامبرده مدتی بازداشت سپس تقسیم غنائم افتخار آمیز و آنگاه سکوت و فراموشی و بعد هم خلاص<sup>۲</sup>.

در تاریخ ۱۳۳۱ / ۵ / ۲۲ آقای دکتر شایگان مأمور اصلاح قانون انتخابات شد و هم چنین لایحه الغاء عوارض مالکانه در دهات که نخستین گام به سود زارعین بود طبق قانون اختیارات به تصویب دکتر مصدق رسید<sup>۳</sup>. در این هنگام ایشان لایحه دیگری را که حاوی بزرگترین قدم اصلاحی به نفع کشاورزان بود ( لایحه - صدی بیست کشاورزان ) به مرحله اجراء در آورد<sup>۴</sup>.

مجله تایم ( ۲۳ اوت ۱۹۵۲ ) نوشت که تاکنون هیچ دولتی در ایران چنین گامی برنداشته است<sup>۵</sup>. این لایحه مفصل تر و مفید تر از لایحه اصلاحات کشاورزی مصر می باشد<sup>۶</sup>. در آن هنگام مالکین ثروتمند ایران که ۷۰٪ از اراضی مزرعی و چهل - هزار قصبه ایران را تیول خود ساخته بودند از اجرای این لایحه به شدت ناراحت شدند<sup>۷</sup>.

در تاریخ ۱۳۳۱ / ۵ / ۸ بانک شاهی که زمانی نشر اسکناس را در ایران به عهده داشت و در همه کارهای اقتصادی و سیاسی کشور ما رخنه کرده بود و بعدها به نام بانک انگلیس در ایران و خاور میانه مشغول فعالیت گردید پس از ۶۳ سال تعطیل شد و در تاریخ ۱۳۳۱ / ۷ / ۲۹ اعلام شد که به منظور بالا بردن سطح تولید کشور و جلوگیری از خروج ارز بانک هائی به نام بانک صادرات و معادن - ایران و بانک اعتبارات و بانک بازرگانی تأسیس می شود و به دنبال آن طرح تأسیس بانک های ساختمانی، بیمه، توسعه صادرات و موسسات مشابه دیگری ریخته شد<sup>۸</sup>.

آقای عهد الحسین دانشپور رئیس هیئت مدیره شرکت بیمه ایران در آن زمان که به همت ایشان بانک های بیگانه برجیده و موسسات مشابه ایرانی جایگزین آنها شد درباره تحدید عملیات شرکت بیمه های خارجی در ایران اظهار داشت<sup>۹</sup> همانطور که قانون محدودیت بانک های خارجی سبب شد که بانک سابق انگلیس در ایران و خاور میانه به فعالیت خود خاتمه دهد و به جای آن تاکنون ( ۳۱ / ۱۱ / ۱۹ )

چهاره پنج بانك از طرف ایرانیان تأسیس شده است قانون محدودیت های شرکت های بیمه سبب خواهد شد که دست شرکت بیمه بازتر شود و شرکت های بیمه به دست افراد ایرانی تأسیس شود.

بهنگانگان در ایران هیچگاه در امور تولیدی و بنیادی سرمایه گذاری نمی کردند بلکه در امور جزئی که هم باعث ترقی کشور های عقب مانده نمی شد و هم جیب خودشان پر می شد وارد می شدند و از طریق بانك ها و بیمه ها مبالغ هنگفتی بدون خطر و زحمت به جیب می زدند و بعد از ۲۸ مرداد به سرعت این گونه مؤسسات در این کشور دایر شد.

برای خانه سازی دولت زمین های زیادی را به بهای نازلی در گوشه و کنار بهین مردم تقسیم کرد مثلاً در تاریخ ۱۳۳۱/۹/۲۹ و ۱۳۳۱/۱۰/۲۲ به ترتیب ۷ و ۱۴ میلیون متر از اراضی موات را که متعلق به دولت بود و بخشی از آن اراضی شمان ( نارمك كنونی ) نامیده می شد در اختیار مردم گذاشت و در همین زمان طرح تقسیم اراضی خوزستان ( که سال های بعد از ما بهترین مشغول چهارول آن شدند ) جرح و تعدیل شد.

اعلیحضرت در تاریخ ۱۳۳۱/۹/۱۲ در بازدید از آبادان و خانه های ساخته شده برای کارگرانی که پیش از این تاریخ در چادرآباد و حصیرآباد به سر می بردند گفتند " تحولی که بر اثر مساعی دولت ملی ما در شئون این شهر صنعتی روی داده و اصلاحات اداری که صورت گرفته است موجبات رضامندی خاطر ما را فراهم کرده است. ۰۰۰ این مایه مسرت خاطر ما است که با وجود عسرت مالی در ماه های اخیر قدم هایی در رفاه حال کارگران برداشته شده و به تهیه وسائل آسایش آنان پرداخته اند "

برای تولید بیشتر و افزایش صادرات فرآورده های گوناگون دولت کوشش و تلاش بی گبری می کرده طی گزارش سازمان برنامه ( ۳۱/۹/۱۶ ) سطح کشت پنبه کشور در این زمان در حدود پنج برابر افزایش یافت و همه کارخانه های تعطیل شروع به کار کرد.

در اسفند ۱۳۳۱ آشکار شد که با وجود کمی بودجه چندین آسایشگاه، فرودگاه و کارخانه قند سازمان برنامه در دست اجراء است و معلوم شد که محصول قند و شکر سال پیش ۱۳۰۲ تن افزایش داشته است و در ۳/۲/۳۲ مقدمات کارخانه

شیر باستوریزه ریخته شد و روز ۲۵/۳/۳۲ کارخانه برق اصفهان شروع به کار کرد.  
در تاریخ ۱۳۳۲/۳/۹ وزیر اقتصاد در حضور اعلیحضرت اظهار داشت اقتصاد  
هر کشور توسعه صادرات آن است. صادرات ایران بطرز بی سابقه ای در حال  
ترقی است چنانچه در سال گذشته به پنج میلیارد ریال رسیده و امید است که  
در سال جاری (۱۳۳۲) از هشت میلیارد تجاوز کند.

اعلیحضرت نیز در پاسخ گفتند: "اساس اقتصاد هر مملکتی روی توسعه و ازدیاد  
صادرات آن کشور نهاده شده و بایستی در این راه کوشش کرد تا صادرات پیش  
از مبلغی که ذکر شد افزایش یابد."

بعد از حکومت دکتر مصدق همگی حکومت های برگزیده اعلیحضرت ... اهدا  
در راه افزایش صادرات تلاش نکردند و اکنون صادرات کشور ما از نظر هر  
اقتصاددان منصف و با شرفی باعث سرافکنندگی و شرمساری است.  
و ما برای اینکه بی دلیل سخن نگفته باشیم شما را به آمار صفحه ۹۸ مجله بانک  
مرکزی سال ۱۳۵۶ توجه می دهیم. سال ۱۳۵۱ صادرات ایران (به جز مواد  
نفی) ۳۳,۹۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال و واردات ۱۹۳,۷۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (یعنی  
واردات ۵/۷ برابر صادرات است). سال ۱۳۵۶ صادرات ایران (به جز مواد  
نفی) ۳۶,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال و واردات ۸۸۷,۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (یعنی  
واردات ۲۴/۳ برابر صادرات است).

در تاریخ ۱۳۳۱/۸/۱۹ وزارت اقتصاد اطلاع داد که برای اشخاص پروانه های  
صدور برنج جمیا و خانسکی در خرمشهر صادر می شود و در تاریخ ۳۰/۹/۳۱  
هیئتی برای تحویل برنج به شوروی معین شد که در سه ماه بنا به اطلاع وزارت -  
دارائی ۲۸۰۰ تن برنج به شوروی صادر شد.

در تاریخ ۱۳۳۱/۱۰/۱۷ وزارت اقتصاد با فروش برنج به اندونزی موافقت کرد و  
نیز اعلام داشت که سی هزار تن جو در مقابل دلار فروخته شده است. مرحوم  
باقر کاظمی وزیر دارائی در حضور اعلیحضرت در ۱۳۳۲/۲/۷ گفت که می توانیم  
پنجاه هزار تن غله به پاکستان صادر کنیم. (تصور نفرمائید که مثلاً صد و پنج  
درگرانی و یا بازار سیاه اثر می گذاشت) اهدا، شاخص قیمت ها در آن زمان  
بنا به تنظیم مجله بانک ملی فروردین ۱۳۳۲ چنین بود: برنج صدری درجه دو  
کیلوئی ۱۲ ریال، برنج صدری درجه سه کیلوئی ۱۲ ریال، عدس قزوین کیلوئی

## ۱۱ بهال، عدد سرزمین کهلوی ۵/۵ بهال \*

بنا به نوشته روزنامه های ۱۳۳۱/۱۱/۲ در عرض دو سال ۶۳۰۰ تن جای در ایران تهیه شده بود. در اردیبهشت سال ۱۳۳۲ طی برآوردی آشکار شد که میزان مصرف جای در کشور شش هزار تن در سال است که چهار هزار تن آن در کشور تولید می شود و دولت با برنامه تکمیلی خود می خواست که به مدت دو الی سه سال ایران را از جای خارجی بی نیاز کند.

بنا به نوشته باختر امروز ۱۳۳۲/۳/۱۷ در سال ۱۳۳۱ وزارت دارائی موفق شده بود ۲۲۲۵ صندوق تریاک از قرار هر صندوق ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ دلار بفروشد معیناً در ابتدای سال ۱۳۳۲ در حدود ۱۷۵۰ صندوق تریاک مهبیای فروش بهبود.

در تاریخ ۱۳۳۱/۱۲/۱۰ اعلام شد که قرارداد فروش ۶۰ هزار رأس گوسفند به عربستان سعودی امضاء شده است و صدور کالای صادراتی نیز به عربستان با ارز خارجی است.

وزارت اقتصاد ملی در این مورد به مطبوعات خاطر نشان کرد که اولاً میزان گوسفند ایران طبق اطلاع وزارت کشور ۲۲ میلیون است که اگر یک چهارم آن هم در سال تولید مثل کنند ۶ میلیون بره در سال بدست می آید و تناسب ۶۰ هزار گوسفند یک برصد و نسبت به ۲۲ میلیون موجودی گوسفند یک بر چهار صد است. ثانیاً به هنگام جنگ جهانی دوم چندین هزار افراد بیگانه در ایران بودند و علاوه بر مصرف خودشان مقداری نیز خارج می کردند با این حال قحطی گوشت وجود نداشت. ثالثاً از صدور ۶۰ هزار گوسفند مقدار زیادی ارز وارد کشور می شود و اگر ما بتوانیم نیازهای عربستان سعودی را از حیث گوسفند تأمین کنیم رقم بزرگی بر صادرات خود افزوده ایم و همین تکثیر صادرات بود که با تمام قوا مورد حمله سیاست های بیگانه و بیگانه پرستان قرار گرفت.

این نکته را نیز می افزاییم که شهرداری تهران در تاریخ ۱۳۳۲/۲/۱۳ نرخ گوشت را بدین شرح آگهی کرد: ۱- گوشت گوسفند کهلوی ۲۶ بهال، گوشت گاو و گوساله کهلوی ۱۷ بهال و آن موقع در مورد فروش گوسفند به عربستان بقدری داد و قال راه انداختند و شانتاز کردند که اکنون جای بحث آن نیست اما بعداً در دوران سیاه و هولناک استبدادی چنین شد.

- ۱- اولین سری گوسفند بلغاری وارد تهران شد کیهان ۱۳۲۶/۸/۷ . -
  - ۲- شهرداری برای تأمین گوشت مورد نیاز تهران از شوروی گوشت می خرید کیهان ۱۳۲۶/۸/۱۴ .
  - ۳- نمایندگان وزارت اقتصاد مشغول مذاکره با کشورهای ترکیه و افغانستان برای خرید گوشت می باشند کیهان ۱۳۲۶/۸/۱۸ .
  - ۴- دو هزار و پانصد تن گوشت از اتیوپی خریداری شد کیهان ۲۶/۱۰/۲۲ .
  - ۵- از استرالیا و آرژانتین گوشت خریداری شد . . . . .
- اگر باز هم می خواهید چندین صفحه در مورد گوشت های خریداری شده برایتان می نویسم . در آن زمان برای افزایش صادرات حتی شاخ و سم چهارپایان نیز صادر می شد اما چند سال بعد بنا به نوشته روزنامه اتحاد ملی خاک و زغال و بیاز از هندوستان وارد کردند .
- وزارت اقتصاد در ۱۳۳۱/۱۲/۲۸ اعلام داشت که در سال ۱۳۳۰ مجموعاً از -  
 بابت صادرات قالی که بزرگترین رقم عایدی صادراتی کشور است مبلغ -  
 ۶۵۶/۱۲۶/۰۰۰ ریال عاید خزانه دولت شده است .
- طبق آمار وزارت اقتصاد ملی در ۱۳۳۱/۱۰/۷ در هشت ماهه اول سال .  
 صادرات ما ۳/۰۸۱/۲۶۲/۰۰۰ ریال و واردات ۳/۲۴۸/۲۱۵/۰۰۰ ریال  
 بوده است یعنی صادرات هشت ماهه کشور ۱۳٪ نسبت به سال ۱۳۳۰ فزونی  
 داشته است و در همین مدت بیش از ۵۰٪ از ارزش واردات به کشور کاسته شده  
 بود و جمع این دو نسبت یعنی ۶۳٪ در هشت ماه نخست سال ایجاد توازن  
 مالی و اقتصادی دولت در سال ۱۳۳۱ نسبت به سال پیش بوده است که بدیهی  
 است این نسبت به مدت یک سال بیشتر خواهد بود و این نکته مبارزه دولت ملی  
 دکتر مصدق را در تحکیم بنیان اقتصادی روشن تر می سازد باز هم باید افزود که  
 چنین آهنگ رشدی در توازن اقتصادی کشور تا کون بکلی بی سابقه می باشد .  
 ما در آن زمان با کشورهای شوروی، ایتالیا، عربستان، پاکستان، هندوستان،  
 فرانسه و . . . قرارداد تهاتری (پایا پای) داشتیم یعنی تلاش می کردیم که  
 صادرات کشورمان حتی المقدور کمتر از واردات نباشد . وزیر اقتصاد در تاریخ  
 ۱۳۳۲/۴/۸ اظهار داشت در سال جاری صادرات ما چندین برابر سال های  
 گذشته می باشد بنا براین جای هیچگونه نگرانی نیست .



دکتر مصدق در جلسه ای با فراکسیون نهضت ملی ( ۱۳۳۱ / ۱۲ / ۲۶ ) می گوید " با تصمیماتی که دولت برای جبران کمبود درآمد حاصله از نفت گرفته است ترتیبی اتخاذ شد که بودجه مملکت از درآمد نفت بی نیاز باشد و با فعالیتی که برای صدور دخانیات ( به خارج از کشور ) و هم چنین صدور پنبه به عمل آمده است کسر بودجه جبران خواهد شد مضافاً بر اینکه برای جلوگیری از قاچاق نهـ از اقدامات لازم مهذول شده است و با این ترتیب درآمد حاصله از نفت هر چه باشد اختصاص به کارهای تولیدی دارد و هیچگونه ارتباطی با بودجه کشور نخواهد داشت . . . "

دکتر مصدق می خواست که ایران دارای یک اقتصاد سالم بدون نفت باشد و حالت تک محصولی کشور های تحت سلطه امپریالیسم ( ایران فقط نفت ، مصر فقط پنبه ، فرمز فقط شکر ، برزیل فقط قهوه ، سیلان فقط چای ، آرژانتین فقط گوشت ) را نداشته باشد .

طراح تز اقتصاد بدون نفت در ایران ، مهندس کاظم حسینی بود و منظور از این تز و اجرای آن این بود که ما اقتصاد خود را متکی به دیگر درآمدها و محصولات کرده و بودجه کشور را از این راه تأمین کنیم و پول نفت را نیز در راه عمران و آبادی به کار بیندازیم نه صرف خریدن اسلحه و ایجاد عشرتکده در جزیره کیش .

سال ها بعد نیز بنا به گزارش رویتر ( ۱۳ آوریل ۱۹۶۸ ) از ریاضه عبدالهادی طاهر رئیس سازمان نفت عربستان گفت که می خواهند به دنبال تز اقتصاد بدون نفت بروند و اکنون نیز گاهی در ایران از اینگونه گفته ها به گوش می رسد اما از قدیم گفته اند مرضی که انجیر می خورد نوکش گج است .

هدف دولت نهضت ملی از سیاست اقتصادی این بود که فاصله درآمد طبقات را به هم نزدیک کند یعنی از درآمد طبقات بالا بکاهد و به درآمد افراد تهیدست بپفزاید . در این تاریخ اشل حقوق کارمندان دولت در رتبه یک ۱۶۰۰ ریال و در رتبه ده ( مدیر کلی ) ۸۵۰۰ ریال بود و با این اشل حقوق بودجه سال ۱۳۳۲ برای نخستین بار به صورت متوازی در تاریخ ۱۳ / ۱۰ / ۱۳۳۱ در معرض افکار عمومی گذارده شد .

متأسفانه آمار و ارقام ضمن دارا بودن لطف و شیرینی برای غالب هم میهنان خسته

کننده است و الا با کمی دقت می توان به دنیائی مطلب در يك سطر آمار درست و گویایی رسید .

مرحوم حسین کی استوان مؤلف کتاب سیاست موازنه منفی و پیشکار دارائی تهران و تنی چند از صاحب منصبان شریف و وطن پرست در وصول مالیات ها و تنظیم بودجه متعادل جدیت بی مانند ی می کردند . افزایش وصول مالیات های مستقیم و غیر مستقیم تهران ( بدون حومه ) در فروردین ماه ۱۳۳۲ نسبت به فروردین ماه ۱۳۳۱ مبلغ ۲۸۵ / ۰۶۷ / ۰۵۷۵ / ۲ ریال بود .

درآمد فروردین ماه ۱۳۳۲ انحصار دخانیات ایران در مقایسه با فروردین ماه سال پیش با آن همه اعتصا باتی که حزب توده به تحريك عوامل دست راستی در دخانیات به راه انداخته بود افزایش داشت و ۱۹۹ / ۹۲۱ / ۱۲۴ ریال بود . افزایش وصول عوارض شهرداری تهران کوچک آن زمان در سال ۱۳۳۲ نسبت به سال ۱۳۳۱ مبلغ ۶۵۷ / ۷۳۰ / ۲۹ ریال بود .

افزایش جمع وصولی در تیر ماه ۱۳۳۲ ( نسبت به سال پیش ) ۵۶۵ / ۰۵۹ / ۱۵۲ ریال بود .

این اعداد و ارقام برای این فهرست وار ذکر می شود تا با مقایسه با وضع دورانی که مشغول چهارول نفت می باشند این موضوع روشن تر و آشکارتر شود که با توجه به اینکه دولت دکتر مصدق ( نهضت ملی ) در دو جنبه داخلی و خارجی با امهر بالیسم و عواملشان می جنگید باز هم وضع اقتصادی ما فقط در آن زمان بود که سرو سامانی داشت و الا با این همه پول های نفت ( گنج های باد آورده - خسرو پرویزی ) در بقیه موارد آمار و ارقام جز شرمساری و سرافکنندگی برای اداره کنندگان نیم قرن اخیر کشور چیزی نشان نمی دهند .

یکی از اقدامات حکومت نهضت ملی به رهبری دکتر مصدق که ملت ایران حقیقاً دارد بدان ببالد تنظیم بودجه کل کشور در سال ۱۳۳۲ بود . در طول مشروطیت هرگز بودجه کشور ما توازنی نداشت و این عدم توازن در دوران های سیاه و استبدادی پس از کودتا وحشتناک تر شد تا جایی که دکتر امینی به هنگام نخست وزیری اش با آن همه پول های نفتی ( که می شد بخشی از کشور را با آن فروش کرد ) گفت : ما برای سه روز در خزانه موجودی نداریم و حتی در تاریخ ۱۶ / ۲ / ۱۳۳۶ خطاب به خبرنگاران گفته بود : شما که جرات نوشتن مطلب را -

ندارند و الا وضع بدتر از روزی است که گفتیم برای سه روز خرج نداریم .  
 در صفحه ۲۱۲ مجله بانک ملی تیرماه ۱۳۳۲ درباره بودجه چنین آمده است .  
 کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی در جلسه بیستم اردیبهشت ماه خود بودجه  
 سال ۱۳۳۲ را در يك ماده و ۲۲ تبصره تصویب کرد و در تاریخ یازدهم خرداد  
 آقای نخست وزیر به موجب لایحه اختیارات آن را به مورد اجرا گذاشت .  
 بودجه سال ۱۳۳۲ از حیث درآمد ( بدون درآمد نفت ) بالغ بر  
 ۹ / ۲۲۲ / ۲۶۳ / ۰۰۰ ریال و از حیث هزینه عادی ( به اضافه مخارج شرکت  
 نفت ) بالغ بر ۹ / ۱۵۶ / ۱۲۳ / ۰۰۰ ریال و از بابت اضافه درآمد احتمالی  
 ۲ / ۵۰۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰ ریال و بابت هزینه های تولیدی و انتفاعی و بهداشتی  
 و ساختمانی نیز ۲ / ۵۰۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰ ریال است .  
 در صفحه ۲۳۱ همان مجله تحریر رفته است که واردات سال ۱۳۳۱ به مبلغ  
 ۵ / ۰۳۱ / ۵۲۵ / ۰۰۰ ریال و صادرات همان سال بدون نفت  
 ۵ / ۸۰۰ / ۳۰۳ / ۰۰۰ ریال می باشد .  
 مخارج دستگاه شرکت نفت هر ماه مبلغی نزدیک به پانزده میلیون تومان می شد  
 که جمع يك ساله آن در حدود ۱۸۰ میلیون تومان می شد و اگر به نسبت ۵۱ -  
 میلیون تومان کسری بودجه سال ۱۳۳۲ بسنجیم در حقیقت بودجه سال ۱۳۳۲  
 مبلغ ۱ / ۲۹ میلیون تومان افزایش نشان می داد و انگهی دولت دکتر مصدق -  
 می خواست ضمن کاستن هزینه وزارت دربار و اخذ مالیات از درباریان و اشراف  
 به این بودجه باز هم بیفزاید .  
 بد نیست بدانید که حداقل درآمد سالیانه ( سال های اخیر ) کشور ما از نفت  
 ۲۳ میلیارد دلار یا دست کم ۱ / ۶۱۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰ ریال می شود یعنی  
 درآمد نفتی سالیانه هر نفر ایرانی ۲۸۲۸۸ ریال ( ۷۰۰ دلار ) است .  
 باعث شگفتی و تعجب و تحیر است ، جایی که به هر نفر ایرانی از کودک يك روزه  
 تا مرد لب گور سالی در حدود پنجاه هزار ریال ( فقط ) پول نفت تعلق میگیرد  
 چرا باید از فقر ، گرسنگی ، مرض و از همه مهمتر نارضائی اثری باشد ؟  
 با دلائل غیر قابل انکار دولت دکتر مصدق صرفه جوئی را نخست از دربار و -  
 تعطیل دفاتر و الاحضرت ها و مخارج بهبوده شروع کرد اما با کمال تأسف  
 فقط برای ثبت در تاریخ و آگاهی انسان های آزاده و نسل جوان ناچاریم

بنویسیم که با این حال روزنامه رنگین کمان که به جای روزنامه پستی آینده ناشر افکار حزب توده منتشر می شد در تاریخ ۱۳۳۲/۳/۱۲ نوشت: "دکتر مهدق به استناد قانون باطل اختیارات بودجه کل سال ۱۳۳۲ را تصویب کرد".  
همین روزنامه در تاریخ ۱۳۳۲/۳/۱۹ می نویسد: "بودجه سال ۱۳۳۲ - بودجه ای است که به سود طبقات حاکمه، درباریان، ملاکین، مقاطعه کاران و طفیلی ها تنظیم شده است".

حال بد نیست که در حاشیه به این نکته هم توجه کنید. اعلیحضرت پادشاه در تاریخ ۱۳۲۸/۹/۱۲ طی نطقی گفتند: "من یقین دارم که بعداً خواهیم توانست ۰۰۰ قدرت تولید و صادرات خود را به اندازه ده برابر بالا ببریم ۰۰۰ و با در نظر گرفتن این که در حدود ۴۸۰ مردم ایران کشاورزند ۰۰۰ روزی خواهد رسید که صادرات ما رقم مهمی خواهد بود".

۱۸ سال بعد یعنی در سال ۱۳۴۶ واردات کشور ایران در حدود ۲۰ میلیارد ریال و صادرات در حدود ۱۳ میلیارد ریال شده بود و در سال ۱۳۴۷ نیز بودجه ایران از حیث درآمد (با درآمد نفت) ۲۷۳/۱۸۸/۵۹۳/۰۰۰ ریال بوده و هزینه هم در همین حدود (بدون مخارج نفت) و از این هم ناراحت کننده تر بودجه ها و صادرات و واردات سال ها و دهه های آینده است.

( نظر دیگران درباره پیشرفت نهضت ملی )

ایمان و فداکاری ملت ایران در تنظیم يك سیاست اقتصادی برای حفظ توانائی ملی سبب شد که حتی بلندگویان بیگانه‌زبان به تحسین و ستایش‌گشایند . روزنامه اطلاعات در تاریخ ۲۲ / ۹ / ۱۳۳۱ می‌نویسد : " وقتی که دکتر مصدق زمام امور مملکت را به دست گرفت هیچ کس باور نمی‌کرد دستگاه مالی کشور — استعداد و توانائی گردش چرخ های ادارات را داشته باشد . آن روز خزانه مملکت تهی شده و وصول عواید به صورتی درآمده بود که هر کس برای مقاومت مالی حکومت حدود و تاریخی معین می‌کرد . . . . "

ژان استرچی در کتاب خود می‌نویسد : که انگلیس‌ها پیش‌بینی ورشکستگی ایران را در عرض یکی دو ماه کردند " . . . . اما در روزی این نگرانی نور امید در قلوب میلیون‌ها مردم این مملکت پرتو می‌بخشید و دل‌های تمام افراد میهن پرست و اصلاح طلب این کشور روشن بود که نهضت و تحولی را که دکتر مصدق آغاز کرده

است چون از روی ایمان و حسن نیت بوده است با موفقیت توأم خواهد بود . روزنامه المصری مورخ ( ۲۸ / ۲ / ۱۳۳۲ — ۱۸ مه ۱۹۵۳ ) در این باره می‌نویسد : " همه چیز ایران شگفت‌آور است ولی نجات یافتن ایرانی که يك سال پیش در حالت احتضار بود شاید در میان این شگفتی‌ها از همه جالب توجه تر باشد . ایران يك سال پیش به علت آنکه عایدات نفتش قطع شده بود بر آستانه ورشکستگی ایستاده بود . و اینک قدم به مرحله ای گذاشته است که طلبه گشایش اقتصادی است . "

این کار عجیب ایران اصولاً همه فرمول‌ها و قوانین اقتصادی را به هم زد و — نشان داد که هیچ قانونی دارای اعتبار قطعی نیست . . . . وقتی می‌گوئیم —

جریانات عجیب ایران قوانین اقتصادی را به هم زده و اصول را متزلزل ساخته است به یاد ساده ترین مقدمات حساب می‌افتیم که هیچ وقت عدد سه نمی‌تواند جاننشین سی گردد. و همان تأثیر را در زندگانی یک فرد یا یک ملت داشته باشد ولی دولت ایران با عدد و رقم ثابت می‌کند که اگر هر سال فقط سه میلیون تن نفت بفروشد همان درآمدی را خواهد داشت که از فروش سی میلیون تن عاید او می‌شود.

در مورد نفت در جلسه ای دکتر مصدق خطاب به مهندس رضوی گفت: "بحمدالله بعد از این همه رنج و مشقت که ملت بردبار و صبور ایران تحمل کرده است سرانجام فتح و بهروزی نصیب ما شده است. و حلقه محاصره ای که دولت انگلیس برای جلوگیری از فروش نفت ما ایجاد کرده بود شکست و من صراحتاً حضور آقایان عرض می‌کنم که ما فقط با فروش پنج میلیون تن نفت خواهیم توانست آن - استفاده ای را که از شرکت سابق عاید کشور می‌شد به دست آوریم." چون دلایلی که از زبان دشمن باشد به لحاظ حقوقی قوی تر است پس باز در اینجا از زبان دشمن ملت و دوست دیرین هیئت حاکمه سخن می‌گوئیم تا دلالمان محکم تر باشند.

روزنامه اطلاعات مورخه ۲۶ / ۳ / ۱۳۳۲ می‌نویسد: "دولت در مقام آن است که قسمت زیادی از احتیاجات کشور را در برابر مبادلات جنسی و صدور نفت و محصول فراوانی که در سال جاری به دست آمده است تأمین سازد. تردید نیست که محصول کشاورزی و مواد خام در ایران بازارهای خوب دنیا را در دست دارد و قیمت بسیاری از محصولات (کشاورزی) ایران نسبت به سابق ترقی قابل ملاحظه ای کرده و در نتیجه قسمت زیادی از احتیاجات ارزی کشور را می‌تواند تأمین سازد. اکنون توجه دولت به معاملات پایا پای و مبادلات جنسی بین ایران و کشورهای خارجی است و در این قسمت موقعیت های شایسته بدست آمده است."

دو روز بعد همین روزنامه نوشت که: "در ظرف دو سال اخیر با تمام مشکلات و کارشکنی انگلیس‌ها خوشبختانه دولت کنونی توانسته است تمام احتیاجات ارزی خود را تأمین سازد." در زمینه اصلاحات دولت دکتر مصدق تا به آن اندازه پیشرفت که همین روزنامه

را به تصون واداشت و در ۱۲ / ۲ / ۱۳۲۲ نوشت: «... وقتی با نخست وزیر مواجه می‌شود او را شیفته اصلاحات می‌بینید و جز خیر و صلاح جامعه در او انصافاً چیزی نمی‌توانید سراغ کنید» و ساعات درازی از وقت شبانه روزی اش را با حال کسالت وقف رسیدگی به امور می‌کند و پیش از آنچه در توبه و قدرت دارد - زحمت می‌کشد و برای آسایش مردم و ترقی کشور کار می‌کند».

آقای قائم مقام الملك رفیع که یکی از طرفداران پر سابقه دربار بود در ۲ / ۲ / ۲۲ گفت: «الان وضع طوری شده است که اگر دولت فارغ از بعضی مشکلات باشد به خوبی می‌تواند بنحو احسن به مملکت خدمت کند... من شخصاً در حال حاضر بهیچوجه با این تحریکات موافق نیستم باید به دولت حاضر کمک کرد و مشکلات را با حسن تفاهم از میان برداشت».

دکتر حسین فاطمی در مصاحبه مطبوعاتی روز ۶ / ۲ / ۱۳۲۲ به مناسبت آغاز سومین سال زمامداری دکتر مصدق گفت: «... دو سال پر حادثه ای بود - دو سالی بود که حتی یک ساعت و یک روز دولت دکتر مصدق از تحریکات و - کارشکنی ها و خرابکاری های سیاسی که نهم قرن ملت محروم ما را غارت کرده است ایمن نبود... در این دو سال کار حکومت دکتر مصدق گذشته از حفظ نظم و امنیت داخلی که گاه و بیگاه در معرض شیخیون عوامل بیگانه قرار گرفته و می‌گردد تأمین وضع مالی و اقتصادی دولت بوده است که مدت ها سیاست کمپانی سابق انتظار آن را می‌کشید که از این راه ملت ما را به زانو در آورد...»

بیگانگان که می‌پنداشتند مرگ و زندگی این مملکت در گرو این مرمعاش است اکنون باید فهمیده باشند که پس از دو سال با تعقیب روش اقتصادی جدید و استفاده از منابع کشاورزی و صنعتی و افزایش صادرات کشور يك تحول عظیم در اوضاع اقتصادی و مالی کشور در حال تکوین است و در نتیجه «پروزی از این روش نه تنها امروز اعتبار خزانه دولت پا برجاست بلکه مبالغ هنگفتی از قروض سابق دولت پرداخت شده است».

در این دو سال اگر به مشکلات و مصائب و کارشکنی ها و توطئه های رنگارنگی که دشمن در راه پروزی ملت ایجاد کرده است توجه شود آن وقت بهتر پی خواهد بود که عزم و اراده يك جامعه مصمم و مبارز چگونه نقش اخلاگری های بیگانه را در هم شکسته و نیروی الهام بخش افکار عمومی چطور ضامن موفقیت ها و پروزی های ما شده است».

### امنیت و آزادی

موضوع مهمی که تا کنون نیز مورد گفتگو است و گاه و بیگاه نسل ناآگاه را در راه اش مخاطب قرار می دهند موضوع امنیت و آرامش در زمان حکومت نهضت ملی به رهبری دکتر مصدق است .

در اینجا می خواهیم ثابت کنیم امنیتی که در زمان دولت دکتر مصدق وجود داشته است از اوت ۱۲۹۹ تا کنون سابقه نداشته است و ضمناً تنها در آن دوران از تاریخ دراز ما آزادی به مفهوم واقعی وجود داشته است و فشرده - هائی از آن را می آوریم و خیلی کوتاه و مختصر هم می گذریم .  
روزنامه اطلاعات در تاریخ ۲۰ و ۲۴ / ۸ / ۱۳۳۱ چنین می نویسد : " ساعت پنج بعد از ظهر ، پیروز اعلیحضرت همایونی از کاخ سعدآباد به شهر آمدند و مدتی در بخش های ۵ و ۸ یعنی در حدود بازار و خیابان بوذرجمهری و خیابان قنات آباد و میدان اعدام با اتومبیل گردش کردند و در حدود ساعت ۸ بعد از ظهر به کاخ سعدآباد مراجعت کردند .  
ساعت ۹ صبح د پیروز اعلیحضرت همایونی از کاخ سعدآباد به شهر عزیمت و از جاده تهران نوبه قصر فرح آباد رفتند .

ملاحظه می فرمائید که اعلیحضرت ده سال بعد از این تاریخ حتی در کساح - سلطنتی مورد حمله قرار گرفتند و اکنون هم فقط بوسیله هلی کوپتر ها در آسمان ها حرکت می کنند و . . . خوشبختانه یکی از دشمنان آزادی و نوکران استبداد مدرکی از آزادی در آن زمان به دست توده مردم داده است . آقای نصرت الله معینیان در صفحه ۳۷ کتاب قیام در راه سلطنت می نویسد : " مهم شدیم که روزنامه آتش را عصر ها منتشر کنیم . سپس تصمیم گرفتیم يك همکاری و هم آهنگی



میان مطبوعات به وجود آوریم. مجله آسیا، روزنامه انجمن روزنامه نگاران ملی، روزنامه مهر ملت، روزنامه آتشبار شرق، روزنامه شلاق، روزنامه نبرد ملت، روزنامه عقاب شرق و چند روزنامه دیگر که بطور جداگانه (با حکومت جبهه ملی) مخالفت می‌کردند می‌توان نام برد.

این‌ها روزنامه‌های مائی بودند که در آن زمان به روزنامه نفتی معروف شده بودند و روزنامه‌های دیگری نیز در زمره اینان بودند که چه در تهران و چه در شهرستان‌ها منتشر می‌شدند.

تا آنجا که نگارنده به یاد دارد حزب توده نیز روزنامه‌های شهباز، بسوی آینده، نوید آزادی، جوانان دموکرات، مجله صلح، مصلحت، کیبوتر صلح، چلنگر، دژ، جرس، قوس و قزح، رنگین کمان، شجاعت، بانک مردم، رنج و گنج، سرود فردا، دنیای امروز و... را منتشر می‌کرد.

نگارنده می‌تواند تا حدود هفتاد روزنامه مخالف را نام ببرد که همگی فقط در تهران آزادانه به دولت دکتر مصدق حمله می‌کردند و یا انتقادات تندیه‌ای می‌داشتند و پس از کودتای سیاه ۲۸ مرداد جنگی خاموش شدند.

دیگر در مورد آزادی‌ها از جمله آزادی بیان دستجات چپ و راست (به مفهوم مخالفان دولت دکتر مصدق) سخن نمی‌گوئیم فقط می‌افزائیم که در تاریخ ۱۳۳۲/۳/۵ فرمانداری تهران اطلاع داد که ۳۲۳ روزنامه و مجله در انتشار خود آزاد می‌باشند. همه اینها مفهومی را از آزادی و دموکراسی در زمان حکومت دکتر مصدق در اذهان زنده می‌کند که در هیچ دوره دیگری نشان نمی‌توان داد.

در حدود سال ۱۳۲۲ خواستیم تسلینی به مناسبت درگذشت همسر دکتر مصدق در روزنامه درج کنیم، به اداره روزنامه‌ها مراجعه کردیم. هیچ روزنامه‌ای حاضر به چاپ تسلیت نشد. دلیل آن هم وجود کلمه دکتر مصدق بود. بتدریج که در صحنه‌های بین‌المللی موفقیت‌های بی‌مانندی نصیب ملت ایران می‌شد بهیچانه پرستان به وحدت و یکپارچگی و نیز تحریک‌های خود می‌انزودند و بهیگانگان نیز مصمم‌تر به برانداختن حکومت ملی دکتر مصدق می‌شدند. در اینجا نخست به خلاصه کوتاهی از بهام دکتر مصدق به ملت ایران در تاریخ ۱۳۳۱/۱۱/۲ توجه کنید.